



نگاه مبتنی بر فقه، مهم‌ترین منبع برای تدوین حقوق اساسی است



«مشروح مذاکرات» تاریخ حقوق یک کشور است



فقیه استوار

آیت الله سید محمد خامنه‌ای: پژوهشکده شورای نگهبان به کارهای مهمی قیام کرده است

در این شماره می‌خوانید:

آغاز بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۴ در پژوهشکده شورای نگهبان

موفقیت فصلنامه دانش حقوق عمومی در کسب رتبه علمی «الف»

طلوع آزادی: از مشروطه‌خواهی تا قانون‌مداری

شورای نگهبان، تکیه‌گاه امن تضمین حقوق بانوان

پرونده ویژه:
انتخابات ریاست جمهوری آمریکا



■ شورای نگهبان تشکیلاتی است که اگر خوب باشد و درست کار کند، این نظام دیگر خطر انحراف از دین نخواهد داشت. شورای نگهبان مانع این است که نظام اسلامی از خط دین و اسلام و همچنین از خط قانون اساسی منحرف شود.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار با اعضای هیات‌های نظارت شورای نگهبان
۱۳۷۴/۱۱/۱۴



ماهنامه خبری پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان
سال اول، شماره اول، آذرماه ۱۴۰۳، ۱۱۲ صفحه



ماهنامه خبری پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان

پژوهشکده شورای نگهبان
محمد سلیمانی درجه

صاحب امتیاز:
مدیرمسئول و سردبیر:

محمد حسن ابوالحسنی
علیرضا کریمخانی، علیرضا مزینانی،
ابوالفضل کندری، محمد خزایی، علی کمالی
سید محمدرضا سید علیخانی
فرزاد صابر

دبیر تحریریه:
تحریریه:

چاپ و فنی:
عکس:

محمدرضا آقابابایی، محسن ابوالحسنی،
محمدرضا فارسیان، محمدصادق فراهانی،
کاظم کوهی اصفهانی

با تشکر از:

تهران، خیابان شهید بهشتی (ره)،
خیابان سرافراز، کوچه پنجم، پلاک ۱۱
۰۲۱-۸۸۷۵۰۰۷۰

نشانی:

تلفن:

www.ccri.ac.ir

پایگاه اینترنتی:

فهرست مطالب

- ۶ - - - - - سرمقاله
- ۸ - - - - - سخن سردبیر
- ۱۰ - - - - - دانش خبر
- ۲۰ - - - - - قلمرو قانون؛ تفسیرها، تحلیل‌ها و اندیشه‌های حقوقی راهگشا
- ۲۰ - - - - - • اگر شورای نگهبان نبود...
- ۲۴ - - - - - • شورای نگهبان؛ پیشگام شفافیت
- ۲۷ - - - - - • نظارت پیشینی شورای نگهبان بر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی و آثار و نتایج آن
- ۳۱ - - - - - • بنیادهای تاریخی تشکیل شورای نگهبان در اندیشه شیخ فضل‌الله نوری
- ۳۶ - - - - - • شورای نگهبان، تکیه‌گاه امن تضمین حقوق بانوان
- ۴۱ - - - - - محفل اندیشه؛ کرسی‌هایی برای نوآوری و دانش
- آیت‌الله خامنه‌ای: پژوهشکده شورای نگهبان به کارهای مهمی قیام کرده است / دکتر کدخدایی: «مشروح مذاکرات» تاریخ حقوق یک کشور است
- ۴۱ - - - - - • ابعاد ولایت مطلقه امر و امامت امت در اصل ۵۷ قانون اساسی و جوه تمایز
- ۵۲ - - - - - • پارلمان لیبرال و پارلمان اسلامی
- حجت الاسلام و المسلمین سعدی: نگاه مبتنی بر فقه، مهم‌ترین منبع
- ۵۶ - - - - - • برای تدوین حقوق اساسی است
- هوش مصنوعی در مسیر قانون‌گذاری: از خلاقیت در تدوین تا رفع
- ۵۸ - - - - - • چالش‌های تقنینی
- حجت الاسلام مبلغی: وقتی بخشی از امت اسلامی مورد تعرض قرار گیرد،

- ۶۲ - - - - - همه باید در برابر آن ایستادگی و مقاومت به خرج دهند
- غفاری: آزادی مطبوعات در هیچ نظام حقوقی مطلق نیست
- ۶۵ - - - - - طباطبایی: مقام معظم رهبری مهمترین حامی آزادی مطبوعات هستند
- تفسیر و اجتهاد در قانون اساسی؛ اتمیک یا سیستماتیک؟
- ۶۸ - - - - - بازخوانی اصول قانون اساسی در پژوهشکده شورای نگهبان
- ۷۰ - - - - -
- ۷۲ - - - - - **✓ پرونده ویژه: عرصه قدرت؛ جدال بر سر کاخ سفید**
- استاد دانشگاه کالیفرنیا: شهروندان آمریکا در انتخاب رئیس جمهور
- ۷۲ - - - - - نقش فرعی دارند
- ۷۴ - - - - - نقش «مردم» در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا
- ۷۸ - - - - - بررسی و نقد نظام انتخاباتی آمریکا در پژوهشکده شورای نگهبان
- ۸۷ - - - - - **✓ دفتر مذاکرات؛ مشروح مذاکرات شورای نگهبان**
- مشروح مذاکرات شورای نگهبان در خصوص استفساریه رئیس قوه قضائیه
 - در خصوص اصل (۱۵۶) قانون اساسی، از جهت استقلال یا عدم استقلال این قوه از قوانین مربوط به گزینش در استخدام کارکنان خود
- ۸۷ - - - - -
- ۱۰۴ - - - - - **✓ زمانه؛ تاریخ حقوق اساسی ایران**
- طلوع آزادی: از مشروطه خواهی تا قانون مداری
- ۱۰۴ - - - - -
- ۱۰۷ - - - - - **✓ یاد؛ زندگینامه اعضای شورای نگهبان**
- فقیه استوار: از سنگر علم تا میدان مبارزه
- ۱۰۷ - - - - -
- ۱۱۰ - - - - - **✓ تازه‌ها**
- معرفی کتاب: اصول حکمرانی در حکومت اسلامی
- ۱۱۰ - - - - -

سرمقاله



علی فتاحی زفرقندی
قائم مقام پژوهشکده شورای نگهبان

پژوهشکده شورای نگهبان نهاد حل مسائل حکمرانی در حوزه حقوق اساسی

در جوامع امروزی، حکمرانی اثربخش مستلزم تکیه بر دانش، پژوهش، تحلیل‌های کاربردی و ارائه‌ی راهکارهای حل مساله مبتنی بر مبانی نظام حقوقی از یکسو و اقتضانات و نیازهای روز جامعه از سوی دیگر است. از همین رو وجود نهادهای پژوهشی با هدف و ماموریت حل مسائل در حوزه‌های گوناگون حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... از الزامات و بایسته‌های حکمرانی خردمندانه محسوب می‌گردد.

در این میان، پژوهشکده شورای نگهبان یکی از نهادهایی است که به‌عنوان پل ارتباطی و محل تلاقی میان مسائل حکمرانی و پژوهش‌های علمی در حوزه‌ی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. بر همین مبنا از سال ۱۳۷۶ و تاسیس مرکز تحقیقات شورای نگهبان و پس از تأکيدات مقام معظم رهبری در دیدارهای مختلف با اعضای شورای نگهبان مبنی بر تشکیل مرکز تحقیقات حقوقی کارآمد برای پشتیبانی از شورای نگهبان و بعد از آن ضرورت تغییر ماهیت مرکز تحقیقات به پژوهشکده‌ی شورای نگهبان مطابق با ضوابط و الزامات نظامات علمی کشور، علیرغم همه‌ی فراز و نشیب‌ها، همواره یک موضوع به‌عنوان سیاست اصلی در نهاد علمی شورای نگهبان، به‌عنوان سیاست کلان مورد توجه قرار گرفته است و آن هم پژوهش در راستای حل مسائل حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران در موضوعات مرتبط با قانون اساسی بوده است و در این مسیر اهدافی چون ارائه راهکارهای حقوقی برای رفع چالش‌های کارکردی نهادهای اساسی به ویژه شورای نگهبان، تحقیق و تبیین مبانی نظری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تأمین محتوای کارشناسی برای شورای نگهبان و انجام پژوهش‌های مورد نیاز این شورا به‌عنوان اهداف این نهاد طراحی شده است.

با توجه به این مسئولیت خطیر و با عنایت به ابعاد گوناگون اهداف طراحی شده در حال حاضر پژوهشکده‌ی شورای نگهبان به‌عنوان محل تلاقی مسائل حکمرانی و پژوهش‌های کاربردی ماموریت‌های خود را در سه حوزه ساماندهی کرده است:

۱. تأمین نیازهای پژوهشی شورای نگهبان: این ماموریت به‌عنوان ماموریت ذاتی و بنیادین پژوهشکده‌ی شورای نگهبان تلقی می‌گردد. مبتنی بر این وظیفه، تهیه گزارش‌های کارشناسی مصوبات مجلس، گزارش‌های موضوع‌شناسی شرعی استعلامات دیوان عدالت اداری و ارائه‌ی گزارش‌های استدلالی شورای نگهبان و ویرایش و مستندسازی مشروح مذاکرات اعضای شورای نگهبان در دستور این نهاد پژوهشی قرر گرفته است. تولید سالانه هزاران صفحه گزارش که ناشی از بررسی‌های دقیق کارشناسی برآمده‌ی از جلسات متعدد علمی با نهادها و صاحب نظران، اعضای هیئت علمی دانشگاه، اشخاص

مطلع، ذینفعان موضوع و ... همراه بررسی‌های علمی مبتنی بر مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسط پژوهشگران پژوهشکده توانسته است در راستای ارتقاء سطح کارشناسی در بررسی‌های شورای نگهبان گام بردارد.

۲. پژوهش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: خلا جدی پژوهش در حوزه‌ی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان سند بنیادین حکمرانی مبتنی بر نظریه مردم‌سالاری دینی چه در حوزه‌های پژوهش بنیادین و تحقیق و تبیین مبانی نظری قانون اساسی و چه در حوزه مطالعات و پژوهش‌های کاربردی مبتنی بر قانون اساسی ضرورت نیاز به طراحی نقشه‌ی راه دقیق در طراحی نظام مسائل و اولویت‌های پژوهشی در این حوزه و انجام همچنین پژوهش‌های متعدد را دو چندان نموده است. پژوهشکده شورای نگهبان با درک این ضرورت حوزه‌ی اولویت‌های پژوهشی خود را در دو دسته‌ی کلان موضوعات پژوهشی مرتبط با قانون اساسی و موضوعات پژوهشی مرتبط با شورای نگهبان تقسیم بندی نموده است و در هر کدام از این دو حوزه پژوهش‌هایی در حوزه مطالعات بنیادین و مطالعات کاربردی در دستور کار خود قرار داده است. طرح پژوهشی تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، طرح پژوهشی شرح مبسوط قانون اساسی، طرح پژوهش کتب درسی حقوق اساسی و موضوعاتی از این دست از جمله مهمترین پژوهش‌های بنیادین و نظری در حوزه قانون اساسی و طرح‌های پژوهشی همانند حقوق برنامه و حقوق بودجه از مهمترین طرح‌های پژوهشی کاربردی قانون اساسی است. طرح‌های پژوهشی نظارت بر انتخابات، نظارت شرعی، تفسیر قانون اساسی، بازخوانی نظرات شاخص شورای نگهبان، بازخوانی رویه‌های شورای نگهبان و دادرسی اساسی تطبیقی نیز در راستای پژوهش‌های بنیادین و کاربردی با موضوع شورای نگهبان طراحی و اجرا شده است. در این پژوهش‌ها نیز رویکرد اصلی توجه به حل مسائل نظام با نگاه به مبانی و بنیان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران است.

۳. ترویج قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: ضرورت و اهمیت آشنایی با قانون اساسی به‌عنوان سند و نقشه‌ی راه حکمرانی برای قشرهای گوناگون مردم اعم از مخاطبان عمومی و تخصصی بر هیچ کس پوشیده نیست. پژوهشکده شورای نگهبان با توجه به ماموریت تعیین شده برای این نهاد به‌عنوان متولی ترویج و تبیین قانون اساسی از قالب‌ها و ظرفیت‌های متنوع گوناگونی برای آموزش و ترویج هر چه بیشتر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متناسب با مخاطبان استفاده نموده است. برگزاری کارگاه‌ها و مدارس تخصصی، رقابت‌های شبیه‌سازی، رویدادهای حل مساله، برگزاری نشست‌ها و کرسی‌های نظریه‌پردازی ویژه دانشجویان و مخاطبان تخصصی و دانشگاهی، تولید محتوا برای مخاطبان کودک و نوجوان، تولید محتوا برای مخاطبان بین‌المللی به‌عنوان مهم‌ترین اقدامات پژوهشکده شورای نگهبان در راستای ترویج و تبیین قانون اساسی طراحی و اجرا شده است.

مبتنی بر ماموریت‌ها و فعالیت‌های بیان شده پژوهشکده‌ی شورای نگهبان پژوهش در حوزه‌ی حل مسائل حکمرانی با تاکید بر قانون اساسی و شورای نگهبان را به‌عنوان محوری‌ترین ماموریت خود قرارداده است و در این مسیر با نگاه توسعه‌ای پیش خواهد رفت.

ناگفته نماند که در این میان همواره راهبرد طراحی شده به وسیله‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی) در تربیت متخصصان شورای نگهبان در پژوهشکده به‌عنوان یک اصل مورد توجه است. نظرات، دیدگاه‌ها و همکاری‌های اساتید، نخبگان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه یاری‌کننده ما در این مسیر خواهد بود.

سخن سردبیر



محمد سلیمانی درجه
مدیرمسئول و سردبیر

به نام خداوند حکمت و اندیشه

یکی از شاخص‌های اصلی حکمرانی موفق، تصمیم‌گیری بر پایه پژوهش و علم است. حکمرانی پژوهش‌محور نه تنها سبب می‌شود که تصمیمات بر اساس شواهد، اطلاعات و بررسی‌های کارشناسانه و دقیق اتخاذ شوند، بلکه می‌تواند راهکاری اساسی برای کاهش چالش‌ها و رفع موانع موجود در عرصه حکمرانی باشد. پژوهش به عنوان موتور محرک ارتقای کیفیت حکمرانی، نقشی بی‌بدیل در ارتقای کارآمدی حکمرانی ایفا می‌کند. از این رو، تقویت زیرساخت‌های پژوهشی و پیوند نزدیک میان علم و عمل، ضرورتی گریزناپذیر است.

پژوهشکده شورای نگهبان، به عنوان بازوی علمی و کارشناسی این نهاد، مسئولیت مهمی در پیشبرد اهداف شورای نگهبان دارد. این پژوهشکده با تولید محتواهای علمی در حوزه قانون اساسی و صلاحیت‌های شورای نگهبان، ارائه نظرات کارشناسی درباره مصوبات مجلس شورای اسلامی، و تدوین نظرات و مذاکرات شورای نگهبان، نقش محوری در پشتیبانی از عملکرد این نهاد ایفا می‌کند. برگزاری نشست‌های علمی و کرسی‌های ترویجی، کارگاه‌های آموزشی، بازخوانی اصول و شرح قانون اساسی و نشر آثار علمی و پژوهشی نیز از جمله فعالیت‌های این پژوهشکده در راستای تقویت گفتمان علمی و ارتقای دانش عمومی در این حوزه است.

در طی سال‌های اخیر کسانی که از گستردگی و تنوع فعالیت‌های علمی، پژوهشی، آموزشی و ترویجی پژوهشکده شورای نگهبان مطلع می‌شدند و آن را با ساختار چابک و نیروی انسانی جوان آن می‌سنجیدند غالباً متعجب و متحیر می‌شدند و این نهاد پژوهشی را تحسین می‌کردند. اگرچه اخبار و گزارش برنامه‌های پژوهشکده در پایگاه اینترنتی و بسترهای اطلاع‌رسانی پژوهشکده در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود و در ارائه سریع و گسترده اطلاعات مؤثر است، اما این ابزارها به دلیل ماهیت کوتاه‌مدت و پراکنده خود، نمی‌توانند به‌طور کامل نقش و اثر یک مجله یا ماهنامه خبری و پژوهشی را ایفا نمایند.

انتشار اساسنامه، برخلاف شبکه‌های اجتماعی، فضایی برای ارائه تحلیل‌های عمیق، انتشار یادداشت‌ها و گزارش‌های تفصیلی، انعکاس دستاوردها و خروجی‌های علمی و پژوهشی فراهم می‌کند. از سوی دیگر اساسنامه با ارائه منظم و ساختارمند محتوا در بازه‌های زمانی مشخص، خلاصه‌ای منسجم از فعالیت‌های پژوهشگر به‌عنوان مرجع مستند و ماندگار عمل می‌کند و می‌تواند به‌عنوان آرشیوی برای حفظ و دسته‌بندی رویدادها، فعالیت‌ها و دستاوردهای علمی پژوهشگر مورد استفاده قرار گیرد و این امر به سازماندهی اطلاعات و ارائه آن به پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان کمک شایانی می‌کند.

علاوه بر این، انتشار اخبار و محتواهای علمی در اساسنامه، به تقویت اشراف و تکمیل اطلاعات کارگزاران، نخبگان، پژوهشگران و نهایتاً تقویت اعتبار و جایگاه پژوهشگر در مجامع حاکمیتی، علمی و پژوهشی کمک می‌کند. برخلاف شبکه‌های اجتماعی که بیشتر به طیف گسترده و عمومی مخاطبان دسترسی دارند، اساسنامه ابزاری مؤثر برای تعامل با مخاطبان تخصصی، مانند پژوهشگران، اساتید دانشگاه، و دانشجویان است. این بستر امکان تعامل جدی‌تر با جوامع علمی و حقوقی و افزایش درک آنها از فعالیت‌های پژوهشگر را فراهم می‌کند.

اساسنامه از این پس تلاش می‌کند بطور ماهانه گزارشی خلاصه و مفید از فعالیت‌های پژوهشگر شورای نگهبان به مخاطبان خود ارائه دهد و یک پل ارتباطی میان ما و شما مخاطبان ایجاد نماید. نظرات و دیدگاه‌های شما مخاطبان ارجمند، ما را در این مسیر طولانی و سخت یاری می‌نماید.

با احترام
مدیرمسئول و سردبیر



دانش خبر

✓ در ادامه روند بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی در پژوهشکده شورای نگهبان، «لایحه تجارت»، «لایحه توسعه منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی» و «لایحه اجازه افزایش سهمیه دولت جمهوری اسلامی ایران در صندوق بین المللی پول» مورد بررسی قرار گرفت و گزارش کارشناسی آن از حیث موضوع شناسی و مغایرت یا عدم مغایرت آن ها با قانون اساسی تهیه و تدوین شد.

همچنین به منظور بررسی ابعاد مختلف «لایحه بودجه ۱۴۰۴ کل کشور» برنامه ریزی جهت برگزاری جلسات مشورتی و

تخصصی کارشناسان پژوهشکده شورای نگهبان با وزارتخانه ها، سازمان ها و دستگاه های اجرایی مرتبط آغاز شد.

در اولین جلسه، سرکار خانم مژگان خانلو، رئیس امور تلفیق و هماهنگی

بودجه سازمان برنامه و بودجه کشور و سخنگوی ستاد بودجه سال ۱۴۰۴، در جلسه ای تفصیلی، با حضور کارشناسان پژوهشکده به تبیین ابعاد مختلف لایحه بودجه و سیاست های مبنایی این لایحه پرداخت و به سؤالات کارشناسان پاسخ گفت. در دومین جلسه نیز مدیران کل بانک مرکزی از جمله آقایان دکتر ذاکری؛ مدیرکل امور مجلس و دولت، دکتر نادعلی مدیرکل حوزه اعتبارات، دکتر مهدی زاده مدیرکل سیاست های پولی، دکتر اخباری مدیرکل حوزه اقتصادی بانک مرکزی، دکتر نادری مدیر اقتصادی و سرکارخانم دکتر خباز، با حضور در پژوهشکده شورای نگهبان به سؤالات کارشناسان معاونت پژوهش های کاربردی درباره مسائل ارزی، تأمین مالی، اوراق مالی و سایر مسائل حوزه پولی و بانکی مؤثر بر نرخ تورم و سایر شاخص های مالی پاسخ دادند. جلسات بعدی نیز با حضور مسئولان سازمان امور مالیاتی و کارشناسان مرکز پژوهش های مجلس برگزار خواهد شد.

آغاز بررسی ابعاد مختلف لایحه بودجه
۱۴۰۴ در پژوهشکده شورای نگهبان

افتتاح کرسی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی در دانشگاه شیراز

✓ آیین گشایش «کرسی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی»، با هدف مطالعه ریشه‌ها و منطق تاریخی شکل‌گیری نهادهای سیاسی، به‌همت مرکز مطالعات حکمرانی اساسی پژوهشکده حکمرانی دانشگاه شیراز و با همکاری پژوهشکده شورای نگهبان، روز دوشنبه ۷ آبان ۱۴۰۳، در تالار حکمت دانشگاه شیراز برگزار شد. در این مراسم پیام آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی و آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای از اعضای مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی قرائت شد و دکتر عباسعلی کدخدایی عضو حقوقدان و رئیس پژوهشکده شورای نگهبان، دکتر هادی طحان‌نظیف عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدصدرالله رجایی‌نسب، رئیس‌کل دادگستری استان فارس، دکتر محمد مؤذنی، رئیس دانشگاه شیراز و دکتر محمد جواهری طهرانی، رئیس پژوهشکده حکمرانی دانشگاه شیراز نیز در این مراسم سخنرانی کردند.

بررسی ۱۵ پرونده استعلام شرعی دیوان عدالت اداری در پژوهشکده شورای نگهبان

✓ کارشناسان پژوهشکده شورای نگهبان در آبان ماه ۱۴۰۳، بیش از ۱۵ گزارش راجع به استعلامات شرعی دیوان عدالت اداری پیرامون پرونده‌های دارای شکایت شرعی تهیه و به فقهای شورای نگهبان ارائه کردند. این گزارش‌ها درباره موضوع شناسی و تبیین ابعاد مختلف طیف وسیعی از موضوعات از جمله مسائل مالیاتی، شهرسازی، مالکیت خصوصی، ارث، اسناد عادی و رسمی، موضوعات مختلف مربوط به شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهر و روستا، موضوعات اداری و استخدامی و موضوعات مربوط به آموزش عالی بوده است.

تولید ۲۰ صفحه گزارش کارشناسی در پژوهشکده شورای نگهبان

✓ در آبان ماه ۱۴۰۳ بیش از ۱۷۰ صفحه گزارش کارشناسی در خصوص مصوبات مجلس و پرونده‌های دیوان عدالت اداری جهت استفاده اعضای شورای نگهبان، جلسه فقهای معظم شورا و سایر نهادها در پژوهشکده شورای نگهبان تهیه شد. برای تهیه گزارشات مذکور بیش از ۳۰ ساعت جلسه با حضور کارشناسان شورای نگهبان و نهادهای مختلف از جمله مرکز پژوهش‌های مجلس، قوه قضائیه، مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، سازمان برنامه و بودجه کشور، بانک مرکزی و سازمان محیط زیست برگزار شد.

برگزاری جلسات شرح فقهی قانون اساسی با تدریس آیت الله کعبی

✓ سلسله جلسات شرح فقهی قانون اساسی در روزهای نهم، نوزدهم و بیست و سوم آبان ماه با تدریس آیت الله کعبی نماینده مجلس خبرگان رهبری و استاد حوزه و دانشگاه با حضور جمعی از پژوهشگران پژوهشکده شورای نگهبان برگزار گردید. در این جلسات آیه الله کعبی به طرح و بررسی ابعاد مختلف کلامی، فقهی و حقوقی اصول ۵۷ و ۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی پرداختند و در پایان به سؤالات پژوهشگران پاسخ دادند. گفتنی است این جلسات از سال ۱۳۹۲ بطور مستمر در پژوهشکده شورای نگهبان آغاز شده است و مباحث آن پس از تنظیم و تدوین تاکنون در قالب ۴ جلد کتاب با عنوان «تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول قانون اساسی» منتشر شده است.

عرضه کتب «حقوق اساسی» و «قانون اساسی» با تخفیف ویژه

✔ کتب «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» و «قانون اساسی به همراه نظرات تفسیری و مشورتی» به مناسبت سالروز تصویب قانون اساسی از سوی انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان با

تخفیف ۲۰ درصدی ویژه آزمون وکالت ۱۴۰۴ عرضه شد. کتاب «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» از منابع آزمون وکالت و از مجموعه تألیفاتی است که با هدف تبیین ابعاد مختلف نظام حقوق اساسی ایران و مبتنی بر مبانی و اهداف این نظام حقوقی به اهتمام پژوهشکده شورای نگهبان به رشته تحریر درآمده است و در ۱۵ فصل سعی داشته ضوابط حاکم بر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران را بر اساس جدیدترین هنجارهای لازم الاجرای نظام حقوقی تبیین و تحلیل کند.

انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان این کتاب را با تخفیف ۲۰ درصدی و با قیمت ۲۵۶ هزار تومان به مخاطبان عرضه کرده است. همچنین کتاب «قانون اساسی به همراه نظرات تفسیری و مشورتی» که شامل دو بخش «مقدمه و متن اصول قانون اساسی» و «کلیه نظریه‌های تفسیری و مشورتی شورای نگهبان، کلیه نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی و کلیه تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان به نهادها و شخصیت‌ها» است و علاوه بر این، در ذیل اصل (۴) قانون اساسی، گزیده‌ای از مهم‌ترین نظرات شرعی فقهای شورای نگهبان را نیز به تفکیک و به ترتیب تقدم تاریخی صدور آنها، آورده است، توسط انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان با تخفیف ۲۰ درصدی و با قیمت ۱۰۴ هزار تومان به مخاطبان عرضه شده است.

علاقه‌مندان جهت تهیه این کتب می‌توانند به فروشگاه اینترنتی انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان به نشانی nashr-rc.ir مراجعه کنند.

کتاب «اصول حکمرانی در حکومت اسلامی» منتشر شد

✓ جدیدترین اثر انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان با عنوان «اصول حکمرانی در حکومت اسلامی» در آبان ماه ۱۴۰۳ منتشر شد.

این کتاب نوشته علی بهادری جهرمی و علی فتاحی زفرقندی، پژوهشی جامع و عمیق است که به بررسی مبانی نظری و اصول کاربردی حکمرانی در نظام اسلامی می‌پردازد. این اثر، با نگاهی دقیق به منابع دینی، فقهی و تاریخی، تلاش می‌کند تا اصول و قواعد بنیادین حکمرانی را در چارچوب اندیشه اسلامی ترسیم کند و نقش آن‌ها را در تحقق عدالت، رعایت مصالح عمومی و حکمرانی اخلاق محور روشن سازد. این کتاب در ۳۷۲ صفحه و با قیمت ۲۸۵ هزار تومان در پاییز ۱۴۰۳ از سوی انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان روانه بازار شده است و علاقه مندان می‌توانند جهت تهیه آن به نشانی اینترنتی nashr-rc.ir مراجعه نمایند.

بازدید طلاب حوزه علمیه باقرالعلوم (ع) قم و دانشجویان دانشکده علوم سیاسی و حقوق دانشگاه تهران از پژوهشکده شورای نگهبان

✓ جمعی از طلاب حوزه علمیه باقرالعلوم (ع) قم و دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران بصورت مجزا از پژوهشکده شورای نگهبان بازدید کردند و با فعالیت‌ها و خدمات این مجموعه آشنا شدند. در این بازدیدها که در روزهای ۱۶ و

۲۳ آبان ۱۴۰۳ انجام شد، دکتر علی فتاحی زفرقندی قائم مقام پژوهشکده، دکتر محمد صادق فراهانی معاون پژوهش‌های بنیادین پژوهشکده، دکتر امیر کشتگر، عضو هیات علمی پژوهشکده و دکتر کمال کدخدامرادی، مدیر گروه مطالعات قانون و قانون‌گذاری پژوهشکده، دانشجویان و طلاب را با فرآیند بررسی مصوبات و قوانین، کتب منتشره، دوره‌های آموزشی (شبیه‌سازی، کارگاه‌های آموزشی، دوره‌های تخصصی برای ارگان‌ها، سازمان‌ها و...)، وظایف و کار ویژه‌های پژوهشکده، سامانه جامع نظرات شورای نگهبان و الزامات دانش حقوق و حکمرانی حقوقی در کشور آشنا کردند.

**برگزاری دومین جلسه الگوی حکمرانی
مبتنی بر نظریه ولایت مطلقه فقیه با
تدریس حجت الاسلام والمسلمین سعدی**

✓ دومین جلسه از سلسله جلسات «الگوی حکمرانی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه» با تدریس حجت الاسلام والمسلمین سعدی، در روز چهارشنبه ۱۴۰۳/۰۸/۰۹ با حضور جمعی از پژوهشگران پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد.

**برگزاری جلسه «حکمرانی از نظر تا عمل»
با حضور حجت الاسلام مبلغی**

✓ بیست و هفتمین جلسه از سلسله نشست‌های تخصصی «حکمرانی از نظر تا عمل» با رویکرد ارزیابی و آسیب‌شناسی نظام حکمرانی ایران در دو حوزه «نظری» و «کارکردی» با موضوع «وضعیت حکمرانی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در قلمرو جهان اسلام با تأکید بر جریان‌شناسی گروه‌های اسلامی» در روز دوشنبه ۱۴۰۳/۸/۲۱ در پژوهشکده شورای نگهبان با حضور پژوهشگران این پژوهشکده برگزار شد.

در این نشست حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی، نماینده مجلس خبرگان رهبری و استاد حوزه علمیه قم، در خصوص مفهوم «امت»، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حاکم برای امت‌سازی جهان اسلام، جریان‌شناسی تقریبی مربوط به این حوزه سخن گفت و نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در جغرافیای جهان اسلام به ویژه پس از عملیات طوفان الاقصی و جنایات رژیم غاصب صهیونیستی و تأثیر آن بر ملت‌های مسلمان را، مورد واکاوی قرار داد.

نشست علمی بررسی آزادی مطبوعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برگزار شد

✓ سومین نشست از سلسله جلسات «خانه ملی گفت‌وگوی حقوق اساسی» با موضوع «آزادی مطبوعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» عصر دوشنبه ۳۰ مهرماه در پژوهشکده شورای نگهبان با حضور و سخنرانی دکتر عبدالله گنجی، مدرس دانشگاه و مدیر مسئول سابق روزنامه جوان؛ دکتر هدی غفاری، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) و سید شهاب‌الدین طباطبایی، عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت، برگزار شد.

بررسی و نقد نظام انتخاباتی آمریکا در پژوهشکده شورای نگهبان

✓ دوره تخصصی نقد و بررسی ساختار و فرآیند برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا با هدف نقد و بررسی نظام حقوقی و سیاسی ایالات متحده آمریکا، قانون اساسی آمریکا، فرآیند برگزاری انتخابات در آمریکا، نقش احزاب و گروه‌های سیاسی در انتخابات آمریکا با حضور اساتید برجسته داخلی و خارجی در پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد. در این دوره تخصصی که به همت پژوهشکده شورای نگهبان و با همکاری موسسه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران روز دوشنبه ۱۴ آبان‌ماه ۱۴۰۳ در محل پژوهشکده با حضور اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان به این حوزه برگزار شد، دکتر فؤاد ایزدی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، دکتر هدی غفاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، دکتر ابودر گوهری مقدم، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، دکتر مصطفی منصوریان، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، دکتر کلی رمزی، استاد دانشگاه مریلند و دکتر جرج گراسکاپ، استاد دانشگاه کالیفرنیا آمریکا به نقد و بررسی نظام انتخاباتی آمریکا پرداختند.

موفقتیت فصلنامه دانش حقوق عمومی در کسب رتبه علمی «الف»

✓ فصلنامه علمی پژوهشی دانش حقوق عمومی به صاحب امتیازی پژوهشکده شورای نگهبان براساس آیین نامه نشریات علمی در ارزیابی سال ۱۴۰۲، موفق به کسب رتبه الف از سوی کمیسیون نشریات علمی معاونت پژوهش

و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری گردید. این دستاورد ارزشمند حاصل تلاش‌های بی‌وقفه هیئت تحریریه، داوران و پژوهشگران محترمی است که با ارائه مقالات باکیفیت و نوآورانه به ارتقای سطح علمی این مجله کمک شایانی نموده‌اند. از سوی دیگر، با راه‌اندازی پروفایل‌های مجله در پایگاه‌های معتبر علمی همچون گوگل اسکالر، ریسرچ گیت و آکادمیا در سال گذشته و همچنین اخذ نمایه‌های مختلف به ویژه DOAJ و نمایه‌سازی در سامانه دانشگاه هاروارد، از این پس مقالات فصلنامه در بستر این سامانه‌های بین‌المللی نیز قابل دسترسی خواهد بود.

بر این اساس در طی مدت اخیر شاهد افزایش چشمگیر استناد به مقالات فصلنامه دانش حقوق عمومی بوده‌ایم و بر اساس آمار موجود، میزان استنادات به مقالات مجله دانش حقوق عمومی طی یک سال گذشته بیش از ۱۰ برابر نسبت به دوره چهار ساله قبل افزایش یافته است که نمایانگر رشد روزافزون جایگاه علمی این مجله در سطح ملی و بین‌المللی دارد.

سومین نشست علمی هوش مصنوعی و حقوق اساسی برگزار شد

✓ سومین جلسه از سلسله جلسات هوش مصنوعی و حقوق اساسی با محوریت هوش مصنوعی و قانون‌گذاری، ۲۳ مهرماه در پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد. در این نشست که با حضور دکتر مهنوش ابوذری عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، دکتر زهرا تخشید استادیار دانشگاه دنور و عضو مؤسسه برکمن کلاین دانشگاه هاروارد و آقای ایمان اکبری پژوهشگر دفتر مطالعات حکمرانی مرکز پژوهش‌های مجلس برگزار گردید به قابلیت‌ها، چالش‌ها و زیرساخت‌های بایسته استفاده از هوش مصنوعی در فرایند قانون‌گذاری و چشم‌انداز آن پرداخته شد.

✓ پژوهشکده شورای نگهبان چهل و پنجمین شماره (پاییز ۱۴۰۳) فصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق عمومی را منتشر کرد. این فصلنامه که با هدف پیشبرد و اعتلای نظام حقوقی کشور به انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه حقوق عمومی مبتنی بر موازین اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و با صاحب امتیازی پژوهشکده شورای نگهبان منتشر می‌شود در آخرین شماره خود مقالاتی با عناوین زیر منتشر کرده است:

۱. نگارش به سبک مستقیم در تصمیم‌های شوراها/ دادگاه‌های قانون اساسی

۲. واکاوی بایسته‌های قاعده‌گذاری تقنینی

در قاعده تعدد مادی جرایم تعزیری

۳. درآمدی بر بایسته‌های بودجه فقرزدا

۴. چگونگی احراز «شرط ابراز وفاداری به

چهل و پنجمین شماره فصلنامه دانش حقوق عمومی منتشر شد

قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه

۵. بایسته‌های رویکرد فقهی - حقوقی پسانتخاباتی به جبران عدم

ایفا یا نقض وعده‌های انتخاباتی

۶. تحلیف مقامات سیاسی از منظر حقوق عمومی ایران

۷. بررسی تطبیقی نظارت بر رفتار مالی نمایندگان مجلس در

ایران، ایالات متحده آمریکا، انگلستان، و فرانسه

۸. موازنه صلاحیت شورای رقابت و نهاد تنظیم‌گر بخشی در صنعت

مخابرات (مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی ایالات متحده

آمریکا و ایران)

علاقه‌مندان و پژوهشگران می‌توانند برای دریافت چکیده

و اصل مقالات شماره جدید و اطلاع از فرایند چاپ مقالات در

فصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق عمومی به نشانی اینترنتی

mag.shora-rc.ir مراجعه کنند.

- ✓ در ماه گذشته بیش از ۱۵ گزارش مبنای نظرات شورای نگهبان تحت عنوان «نظرات استدلالی» با بررسی مشروح مذاکرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مختلف تهیه شد. این گزارشات علاوه بر انتشار در «سامانه جامع نظرات شورای نگهبان»، برای نهادهای مرتبط از جمله مجلس شورای اسلامی، دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌گردد. عناوین برخی از گزارش‌های نظرات استدلالی در ماه گذشته به شرح زیر است:
۱. لایحه ساماندهی و نظارت بر تجارت مرزی (کولبری و ملوانی) و ایجاد اشتغال پایدار مرزنشینان (مرحله اول تا سوم)
 ۲. اصلاح ماده (۷) اساسنامه شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه‌های منطقه آزاد کیش (سهامی خاص)
 ۳. طرح فهرست قوانین و احکام نامعتبر در حوزه بیمه
 ۴. اساسنامه سازمان منطقه آزاد تجاری- صنعتی سرخس
 ۵. طرح اصلاح قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز (مرحله سوم)
 ۶. لایحه تصویب اصلاحات ضمایم کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها ۱۹۷۳ (مارپل)
 ۷. لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و مجمع مجالس آسیایی در رابطه با حقوق، مزایا و مصونیت‌های دبیرخانه دائمی مجمع مجالس آسیایی
 ۸. لایحه مقاله‌نامه بازرسی کار ۱۹۴۷
 ۹. لایحه موافقتنامه خدمات (سرویس‌های) هوایی دوجانبه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق (مرحله دوم)
 ۱۰. لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقت‌نامه اروپایی حمل و نقل محصولات خطرناک از طریق جاده (ای دی آر) (مرحله دوم)
 ۱۱. لایحه تصویب مقاله‌نامه حق تشکل و مذاکره دسته‌جمعی مورخ ۱۹۴۹
 ۱۲. لایحه موافقتنامه حمل و نقل بین‌المللی جاده‌ای مسافر و کالابین دولت جمهوری اسلامی ایران و شورای فدرال سوئیس (مرحله اول و دوم)

استدلال‌های شورای نگهبان درباره ۱۵ مصوبه دیگر منتشر شد



قلمرو قانون؛ تفسیرها، تحلیل‌ها و اندیشه‌های حقوقی راهگشا

اگر شورای نگهبان نبود...

تحلیلی بر وضعیت وابستگی اقتصادی به کشورهای بیگانه در صورت فقدان شورای نگهبان

قدرت منابع مختلفی دارد و تمکن مالی و اقتصادی از جمله این منابع است. قدرت اقتصادی در ساحات داخلی و بین‌المللی می‌تواند بر اراده تصمیم‌گیران این دو ساحت تاثیرگذار بوده و موجب بازتولید روزافزون منافع اقتصادی برای دارنده آن شود. این موضوع در ساحت روابط بین دولت‌ها می‌تواند استقلال اقتصادی و حاکمیت دولت‌های دارنده قدرت کمتر را مخدوش کند.

یکی از تعاریف حاکمیت «امکان اعمال اراده‌ای فوق‌اراده‌های دیگر»^۱ است. بنابراین تعریف، حاکمیت به دو شعبه حاکمیت بیرونی و حاکمیت درونی تقسیم می‌شود. آنچه در این نوشتار مدنظر است همانا حاکمیت بیرونی به معنای «نفی هرگونه تبعیت یا وابستگی در برابر دولت‌های خارجی»^۲ است. این تبعیت یا وابستگی می‌تواند در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی صورت گیرد که استقلال



محمد مهدی همتی فقیه
پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان



۱- قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۳، ص ۱۸۰
۲- همان



و اعمال حاکمیت بیرونی در حوزه اقتصادی آن موضوع نوشتار حاضر است. در تعریفی جزئی‌تر می‌توان استقلال اقتصادی را مشخصاً به معنای اتکای یک ملت به منابع مالی و نیروی کار و تولیدات داخلی خود دانست.^۱ این مؤلفه بسیار مهم مقدمه رشد و پیشرفت اقتصادی بوده و در صورت عدم اهتمام نسبت به آن، می‌تواند دولت‌ها را به واحدهایی وابسته و در خدمت پیشرفت سایر دولت‌ها تبدیل کند.

بنابر اهمیت بسیاری که استقلال در این حوزه داشته و به‌عنوان شرط لازم - و نه کافی - استقلال در حوزه‌های دیگر همچون حوزه‌های سیاسی و فرهنگی نیز محسوب می‌شود، قانون‌گذار اساسی در اصول مختلف به این موضوع اشاره کرده است. از جمله این موارد می‌توان به قسمت «ج» بند ۶ اصل دوم، بندهای ۵ و ۱۳ اصل سوم، بند «۸» اصل چهارم و سوم، اصول هشتاد، هشتاد و یک و یکصد و پنجاه و سوم اشاره کرد. در این اصول، قانون‌گذار اساسی به صورت مستقیم و غیرمستقیم تدابیری اندیشیده که تضمین آن‌ها می‌تواند به استقلال بیشتر در حوزه‌های اقتصادی بیانجامد. شورای نگهبان به‌عنوان پاسدار موازین شرع و قانون اساسی، از آغاز نقش بسزایی در تأمین و تضمین این استقلال داشته است. لذا واکاوی نقش آن در تأمین استقلال اقتصادی می‌تواند تصویری واقعی‌تر از دایره اهمیت و تأثیرگذاری این نهاد به دست دهد.

شورای نگهبان در مقاطع مختلف ضمن اعلام مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی و دولت، از قانونیت یافتن مصوباتی که زمینه‌ساز

سلطه خارجی در حوزه اقتصاد بود جلوگیری کرده است.^۲ از جمله این موارد می‌توان به لایحه متمم بودجه سال ۱۳۶۹ مصوب ۱۳۶۹/۹/۲۷ اشاره کرد که به موجب تبصره ۹ آن، به کرات مصارفی برای منابع ارزی به صورت مستقیم پیش بینی شده بود. علیرغم آنکه شورای نگهبان در آن مقطع با لحاظ شرایطی آن را مغایر تلقی نکرد اما این‌گونه اظهار داشت که با صرف نظر از شرایط موجود، تنظیم بودجه ارزی را موجب تسلط اقتصادی بیگانه دانسته و تضمین استقلال اقتصادی مقتضی تنظیم بودجه ریالی است.^۳ ناگفته پیداست این هشدار برای مصوبات بعدی مجلس شورای اسلامی بود؛ مبنی بر اینکه در صورت تصویب مصوبه مشابه در آینده، ایراد اعلام مغایرت در انتظار آن مصوبات خواهد بود.

نمونه دیگر، لایحه بودجه سال ۱۳۷۹ است که به موجب بند «د» تبصره ۱۴ آن، واردات خودرو مطلقاً و تنها در صورت ثبت سفارش مجاز شمرده شده بود. شورای نگهبان در

۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، چاپ سوم، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۶، ص ۳۴۸

۲- این موارد فارغ از مواردی است که شورای نگهبان مستند به سیاست‌های کلی از تسلط اقتصادی خارجی جلوگیری کرده است.

۳- اظهار نظر شورای نگهبان به شماره ۱۱۶۲ مورخ ۱۳۶۹/۹/۱۸



مصوبه را «به‌گونه‌ای در بند (د) تبصره ۱۴ آمده» مغایر اعلام کرده است. متعاقب این اظهارنظر، مجلس شورای اسلامی مصوبه خود را به این ترتیب اصلاح کرد که واردات خودرو را تنها در صورتی مجاز می‌داند که «موجب ایجاد شرایط رقابت در بازار داخلی، صرفه جویی ارزی و انرژی و حفظ محیط زیست» شده و با پیشنهاد و تصویب مراجع مربوطه باشد. شورای نگهبان نیز اصلاحات اعمال شده در مصوبه را رافع ایراد خود اعلام کرد.

مثال دیگر صیانت شورای نگهبان از استقلال اقتصادی کشور، لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت مصوب ۱۳۸۷ است. این مصوبه تنها مشتمل بر یک ماده واحد

مقابل معتقد بود با توجه به اصل سوم قانون اساسی، «دولت باید در جهت تأمین خودکفایی صنعت حرکت کند ... دادن مجوز ورود خودرو در سال ۱۳۷۹ به‌گونه‌ای که در بند (د) تبصره ۱۴ آمده است مؤثر در بازار داخلی تولید خودرو و در شرایط فعلی ... با روح و جهت‌گیری‌های کلی اقتصادی موردنظر قانون اساسی مغایر است». گفتنی است همان‌طور که از نظر گذرانده شد، یکی از مؤلفه‌های اساسی استقلال اقتصادی، خودکفایی و اتکای یک ملت به نیروی اقتصادی داخلی خود است. نکته درخشان این اظهارنظر این بود که شورای نگهبان هر گونه واردات محصولات خارجی را مغایر تلقی نکرده، به وضعیت حاکم بر بازار، لزوم وجود رقابت در صنایع داخلی التفات داشته و صرفاً

تعبیه کرد.

این تنها بخشی از تلاش‌های شورای نگهبان در راستای تأمین استقلال اقتصادی و جلوگیری از سلطه بیگانه در این حوزه بود و موارد دیگری نیز وجود دارد که تشریح آن‌ها خارج از حوصله این نوشتار است.^۳ ناگفته پیداست علیرغم نقش آفرینی پررنگ شورای نگهبان در حوزه جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه، این دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذاری هستند که می‌بایست فعالانه در این حوزه نقش آفرینی کنند. البته این نافی صلاحیت شورای نگهبان مستند به اصل چهارم نبوده و می‌توان گفت مانعی برای نقش آفرینی فعال شورا در این زمینه وجود ندارد.



مبنی بر تجویز عضویت دولت در بنیاد مذکور و پرداخت عضویت به آن بود و شورا متعاقب آن سند اساسنامه این بنیاد را مطالبه کرد. یکی از مواد اساسنامه این بنیاد در تشریح موضوع این بنیاد، تأسیس آن را به منظور «ایجاد نوعی کیفیت پایدار در سازمان‌های اروپایی بر اساس بینشی از دنیا که در آن سازمان‌های اروپایی برتر از همه باشند» دانسته بود. شورای نگهبان با ملاحظه این ماده از اساسنامه بنیاد یادشده، عضویت در این بنیاد را به این خاطر که موجب تقویت بعضی از کشورهای معاند و همچنین اضرار به جمهوری اسلامی می‌شود مغایر شرع و قانون اساسی اعلام کرد.^۱

به عنوان نمونه آخر ملاحظه اظهارنظر شورا راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۸۲ جالب توجه است. به موجب بند «ل» تبصره ۲۱ این لایحه، جذب سرمایه‌گذار خارجی در طرح‌های داخلی به صورت مطلق پیش بینی شده بود؛ بی آنکه ترجیحی برای سرمایه‌گذار داخلی توانمند در نظر گرفته شود. شورای نگهبان نیز این موضوع را مغایر بند ۱۳ اصل سوم و بند ۸ اصل چهل و سوم اعلام کرد.^۲ به دنبال اعلام نظر شورای نگهبان، مجلس اما ضمن پافشاری بر نظر خود، موضوع را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داد. مجمع یادشده نیز در مصوبه نهایی خود، قید یادشده، مبنی بر ترجیح سرمایه‌گذار توانمند داخلی بر سرمایه‌گذار خارجی را در متن مصوبه

۱- اظهارنظر شورای نگهبان به شماره ۴۴۴۷۹/۳۰/۱۳۹۰ مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۹

۲- اظهارنظر شورای نگهبان به شماره ۲۵۶۸/۳۰/۸۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۶

۳- موارد مشابه دیگر عبارت‌اند از:

• اظهارنظر شورای نگهبان راجع به اساسنامه شرکت مادر تخصصی سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران مصوب ۱۳۸۲/۶/۵ هیات وزیران
 اظهارنظر شورای نگهبان راجع به طرح حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی



شورای نگهبان؛ پیشگام شفافیت

در حقوق عمومی مدرن یکی از مفاهیم شکل گرفته پس از شکست لیبرالیسم کلاسیک و بحران‌های ناشی از آن، حکمرانی مطلوب (good governance) است. مقصود از حکمرانی آن فرآیند به هم پیوسته‌ای است که توسط نهادهای حکومت اعمال می‌شود و مطلوبیت این حکمرانی در گرو تبعیت از اصولی مشخص است. این اصول همچون مسیری هستند که دولت‌ها با رعایت حدود آن می‌توانند به حکمرانی مطلوب دست یابند. نظریه حکمرانی مطلوب حاصل یک خوش بینی به دولت‌هاست و بر خلاف دوران لیبرالیسم کلاسیک نگاه "شرّ ضروری" به مقوله دولت ندارد بلکه دولت با مداخله در امور اقتصادی و اجتماعی در صدد حفظ مصالح عمومی کشور است. همانگونه که در سطور نخستین این مرقومه بیان شد حکمرانی مطلوب تابع اصولی است و یکی از



محمد مولاویزه
پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان

هیچ رازی را از شما پنهان ندارم.» (نامه ۵۰) با دقت در این فرمایش تمدن ساز حضرت بدین هدف واصل خواهیم شد که دولت‌ها از این طریق می‌توانند حسن ظن و خوش گمانی ملت تحت ولایت خود را به همراه داشته باشند. دولت‌های دیکتاتور و خودکامه همواره به دنبال آن هستند تا از راه در بی خبری گذاشتن شهروندان و گسترش جهل اهداف خود را بدون نظارت مردمی در پیش گیرند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در خصوص حق بر شفافیت سخن به میان آمده و مقنن اساسی شفافیت مالی مقامات در اصل ۱۴۲ را به عنوان یک تکلیف برشمرده است. هدف از تدوین اصل ۱۴۲ قانون اساسی آن است که تا با به وجود آوردن یک شفافیت مالی میزان دارایی‌ها و اموال مقامات تحت رصد قرار گیرد تا مبادا مفسده‌ای مالی در این میان رخ داده باشد. اصل ۱۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدین شرح است:

«دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد.» در راستای اجرای این اصل قانون اساسی و ایجاد شفافیت مالی دارایی‌های مقامات مندرج در این اصل، دستورالعمل اجرایی اصل ۱۴۲ قانون اساسی در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۲۳ توسط رئیس قوه قضائیه در ۱۶ ماده به تصویب رسید که دفتری بدین منظور ذیل قوه قضائیه تأسیس گردید. مسئولیت مذکور در این اصل مسئولیت مالی نام دارد که ریشه یافته در اصل شفافیت مالی است.

همچنین دستگاه تقنینی کشور در تاریخ ۱۴۰۲/۳/۱۳ قانون شفافیت قوای سه‌گانه

مهم‌ترین آنان شفافیت و یا به تعبیر حقوق عمومی حق بر شفافیت (transparency) است. حق بر شفافیت که از بطن نظریه حکمرانی مطلوب برخاسته است از مباحث مهم در حوزه حقوق اساسی محسوب شده و خود دارای انواع متعددی است. اما پیش از ورود به انواع و اقسام آن لازم است در نفس این اصطلاح ورود و مذاقه داشته باشیم چرا که این مفهوم از جمله مفاهیم وسیع است.

ورود به مفهوم و کنکاشی در موازین اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

از آن حیث که شفافیت در حقوق اساسی جایگاهی والا یافته است نهادی بین‌المللی به جهت گسترش فرهنگ حقوقی شفافیت شکل گرفته است. سازمان بین‌المللی شفافیت و یا شفافیت بین‌المللی (Transparency Internationa) از شفافیت چنین توصیفی دارد: «شفافیت اصلی است که افراد بتوانند از تصمیمات اداری، معاملات تجاری و امور خیریه‌ای که زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نه فقط از اصل موضوع، تعداد موضوعات و از شیوه‌های تصمیم‌گیری آنان مطلع گردند؛ بلکه وظیفه و تکلیف مستخدمان دولتی و مدیران دولتی این است که رفتار آنان قابل رؤیت، قابل پیش‌بینی و قابل درک باشد.»

حق بر شفافیت در موازین اسلامی نیز از حقوق ملت شمرده شده است. با مراجعه به کتاب گرانقدر نهج‌البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در می‌یابیم که در نگاه آن امام عظیم‌الشان حق بر شفافیت جزئی از حقوق شهروندی است. «أَلَا إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي الْأَخْتَجَرَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ؛ آگاه باشید که حق شما بر من آن است که جز اسرار نظامی،



و دستگاه‌های اجرایی و سایر نهادها را به تصویب نهایی رساند و جامه قانون بر آن پوشاند، این قانون که پس از اصرار مجلس شورای اسلامی از جانب مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد تأیید نهایی گرفت، در ماده ۲ خود مقرر می‌دارد:

«مشمولین این قانون موظفند داده‌ها و اطلاعات ذیل را که مربوط به آن دستگاه می‌باشد، از طریق سامانه‌های مربوط به خود منتشر و در دسترس عموم قرار دهند.» این قانون با وجود اختصاری که دارد اما جامعیت خود را به منصفه ظهور می‌گذارد و این خود گام بلند قانونگذار در عرصه شفافیت است.

شورای نگهبان سال‌ها است که به صورت مستمر، اقدام به انتشار صورت مشروح مذاکرات جلسات خود نموده است. در واقع این نهاد از نخستین مراجعی است که پیش از الزامات قانونی حاضر، با عنایت به بند ۲ اصل ۳ قانون اساسی، برمی‌دارد. اقدامات شورای نگهبان در این باره محدود به این حوزه نشده است و این شورا استدلال‌های مطرح شده از سوی اعضا در خصوص هر یک از مصوبات را در معرض دید عموم قرار داده است. علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به «سامانه جامع نظرات شورای نگهبان» به نشانی <http://nazarat.shora-rc.ir> به محتوای منتشرشده دسترسی یابند.

شورای نگهبان پیشگام شفافیت

- ۱- آقایی طوق، مسلم (۱۳۹۴) حقوق عمومی در نهج البلاغه. انتشارات خرسندی
- ۲- موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۸) حقوق اداری. نشر دادگستر
- ۳- زندیه، حسن و سالارسروری، حسن (۱۳۹۱) شفافیت اسنادی و حق دسترسی به اطلاعات آزاد. فصلنامه گنجینه اسناد

نظارت پیشینی شورای نگهبان بر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی^۱ و آثار و نتایج آن

سلسله مراتب هنجارها در نظام حقوقی و لزوم نظارت در این خصوص

در یک نظام حقوقی، هنجارهای مختلفی اعم از قانون اساسی، قوانین عادی و مقررات وجود دارند که ارزش و جایگاه آنها با یکدیگر مساوی نیست. با عنایت به نابرابری جایگاه هنجارهای مذکور، لازم است تا هنجارهای مادون، مطابق با هنجارهای مافوق باشند و یا اینکه حداقل، با آنها مغایر نباشند. دلیل این لزوم آن است که در غیر این صورت، پس از اندک زمانی، قوانین و مقرراتی وضع خواهند شد که با قانون اساسی به عنوان میثاق ملی تعارض داشته و وضعیت را به گونه‌ای دگرگون می‌کنند که نظام حقوقی برآمده از قانون اساسی، تغییر پیدا نماید. دلیل دیگر برای لزوم نظارت در این زمینه، تفاوت جایگاه و شأن هنجارهای مختلف نسبت به یکدیگر است. این تفاوت اقتضا دارد تا هنجار مادون، مغایر با هنجار مافوق نباشد و الا، ثمره و فایده‌ای بر وجود نظام



احمد تقی زاده
پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان



۱- نگارنده در این یادداشت، صرفاً به موضوع نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس شورای اسلامی از جهت عدم مغایرت با قانون اساسی پرداخته است و متعرض موضوع نظارت این شورا نسبت به عدم مغایرت مصوبات مجلس با شرع که نیازمند بحثی مستقل می‌باشد نشده است.

سلسله مراتبی میان هنجارها وجود نخواهد داشت. به تعبیر دیگر، لازمه شأن و جایگاه برتر یک هنجار نسبت به هنجار دیگر، این است که نسبت به عدم مغایرت هنجارهای مادون نسبت به هنجارهای مافوق، نظارت صورت گیرد.

این موضوع یعنی مطابقت یا عدم مغایرت هنجارهای مادون با هنجارهای مافوق، نیاز به مقامات یا نهادهایی دارد تا نسبت به هنجارهای مادون نظارت نموده و عدم انحراف آنها از هنجارهای برتر را احراز نماید. فارغ از اینکه عدم مغایرت مقررات با قوانین عادی توسط چه مقام یا نهادی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، نظارت بر عدم مغایرت قوانین عادی با قانون اساسی، باید توسط نهادی صورت گیرد که به لحاظ جایگاه در سطحی قابل توجه نسبت به نهادهای دیگر قرار داشته و به لحاظ ترکیب نیز، از کسانی تشکیل شود که نسبت به نظام حقوقی، قانون اساسی و قوانین عادی، احاطه علمی کافی داشته باشند.

در نظام حقوقی ایران، وظیفه احراز عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی، مطابق اصول ۷۲، ۹۱، ۹۴ و ۹۶ قانون اساسی، توسط شورای نگهبان انجام می‌شود. بنابراین شورای نگهبان به عنوان نگاهبان قانون اساسی وظیفه دارد تا مصوبات مجلس شورای اسلامی را بررسی نموده و مغایرت یا عدم مغایرت این مصوبات با قانون اساسی را مورد بررسی قرار دهد.

دو احتمال در خصوص نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی به حسب زمان نظارت و نقد و بررسی آنها

با حصر عقلی، می‌توان دو نوع نظارت را

به حسب زمان، برای شورای نگهبان در نظر گرفت و تصور نمود. در نظارت نوع نخست، مصوبات مجلس شورای اسلامی پس از تصویب و امضا توسط رئیس جمهور، لازم‌الاجرا شده و همزمان توسط مقام ناظر، مورد بررسی قرار می‌گیرند. این شیوه که در غالب نظام‌های حقوقی ساری و جاری است، دارای معایبی است؛ اما در نظارت نوع دوم، مصوبات نهاد قانون‌گذار قبل از آنکه به مرحله اجرا در بیایند، توسط نهاد ناظر، مورد بررسی قرار می‌گیرند تا مغایر با قانون اساسی نباشند. نظارت نوع نخست، هرچند باعث می‌شود تا مصوبات مجلس، سریعاً وارد نظام حقوقی شده و به مرحله اجرا درآیند، اما ایراد قابل توجهی دارد و آن اینکه چه بسا در واقع، مصوبه مجلس مغایر با قانون اساسی باشد و در این صورت، اجرای مفاد قانون عادی، به معنای جواز اجرای قانونی است که در رتبه هنجاری پایین‌تر از قانون اساسی قرار دارد، اما مغایر با آن است. این امر، به لحاظ عقلی و منطقی غیر قابل پذیرش است؛ زیرا وجود قانون اساسی در یک نظام حقوقی، به معنای لزوم مطابقت یا عدم مغایرت تمامی هنجارهای مادون با قانون مذکور است و حال اینکه اجرای قانونی که چه بسا مغایر قانون اساسی باشد، به معنای نقض این الزام است که امری غیر منطقی می‌نماید. به بیان ساده‌تر هدف از وضع قانون اساسی، عدم اجرای قواعد مادون این هنجار در نظام حقوقی است و حال اینکه اجازه اجرای مصوبات مجلس بدون نظارت از حیث انطباق یا عدم تغایر با قانون اساسی، به معنای نقض این هدف است.

ایراد قابل توجه دیگر نسبت به این شیوه از نظارت، مربوط به هزینه‌هایی است که این نظارت در پی دارد. برای توضیح

قبل از لازم الاجرا شدن، از جهت عدم تغییر با قانون اساسی، توسط نهاد ناظر مورد بررسی قرار می‌گیرد، بنابراین، احتمال اجرای قانونی برخلاف قانون اساسی، هیچ‌گاه محقق نخواهد شد.

علاوه بر این، با عنایت به اینکه نظارت بر انطباق یا عدم تغییر قوانین عادی با قانون اساسی، قبل از اجرایی شدن مفاد این قوانین به عمل می‌آید، طبیعتاً هزینه‌هایی که در بالا به آن اشاره شد، پدید نخواهد آمد و یافتن راهکاری برای جبران این هزینه‌ها نیز، ضرورتی پیدا نخواهد کرد.

همچنین روشن است که در صورت اعمال نظارت نوع دوم، معضل خلأ قانونی پدید نخواهد آمد؛ زیرا نظارت بر مصوبات مجلس، پیش از لازم الاجرا شدن آنها و ورودشان به مرحله اجرا صورت خواهد گرفت و از آنجا که تا قبل از این مرحله، مصوبات مورد اشاره، اجرا نشده‌اند، نظام حقوقی دچار خلأ قانونی نخواهد شد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مطابق با اصل ۹۶ این قانون، نظارت نسبت به مصوبات مجلس، نظارتی پیشینی است. ممکن است چنین به نظر آید که اعمال

می‌توان گفت اگر فرضاً پس از آنکه مدت زمانی از اجرای قانون مصوب مجلس سپری شده است، مغایرت یک یا چند ماده از آن با قانون اساسی احراز شود و نیاز به اصلاح آن قانون باشد، هزینه‌های ناشی از آن قانون که توسط شهروندان پرداخت شده است، چگونه قابل بازگشت به ایشان است؟ به بیان دیگر، هزینه‌های ناشی از اجرای قانونی که مغایر با قانون اساسی بوده است، چگونه قابل جبران خواهد بود.

ایراد دیگر این است که اگر فرضاً قانونی لازم الاجرا شده و در حین اجرا، نتیجه نظارت نهاد ناظر، مغایرت کل قانون مذکور یا برخی از مفاد آن با قانون اساسی باشد، نتیجه این است که آن قانون یا برخی از مفادش، قابل اجرا نبوده و نظام حقوقی دچار خلأ قانونی خواهد شد. به بیان دیگر، به یکباره یک قانون یا برخی از مفاد آن، از نظام حقوقی حذف شده و مشکلاتی پدید خواهد آمد؛ مشکلاتی که تا زمان اصلاح قانون مذکور توسط نهاد قانون‌گذار یا وضع قانون جدید، ادامه خواهد یافت.

این همه در حالی است که در نظارت نوع دوم، با عنایت به اینکه مصوبه مجلس



اصل ۹۴ قانون اساسی، شورای نگهبان صرفاً ده روز جهت اعلام نظر پیرامون مصوبات مجلس فرصت دارد و این مدت، مطابق اصل ۹۵ قانون اساسی، صرفاً تا ده روز دیگر قابل تمدید است. بنابراین، شورای نگهبان موظف است تا نهایتاً ظرف مدت زمان ۲۰ روز، نسبت به مصوبه مجلس شورای اسلامی اظهار نظر نماید و روشن است که این مدت زمان اندک، نمی‌تواند موجب بروز خلل در نظام حقوقی کشور شود.

این نوع از نظارت، باعث می‌شود تا در روند اجرایی شدن برخی قوانین همانند قانون بودجه، خلل پیش آمده و اجرای مفاد این دست از قوانین به دلیل، لزوم نظارت پیشینی شورای نگهبان، با تأخیر مواجه شود؛ تأخیری که در برخی موارد، خسارت‌ها و آسیب‌های قابل توجهی را به بار می‌آورد. در پاسخ می‌توان گفت این احتمال، با پیش‌بینی دقیقی که قانون‌گذار اساسی نموده است، به وقوع نمی‌پیوندد. توضیح اینکه مطابق

قوانین لازم‌الاجرا در کشور، مغایر با قانون اساسی نیستند. با توجه به این موضوع، اقامه شکایت با موضوع مغایرت یکی از قوانین با قانون اساسی و مطالبه ابطال آن قانون، امکان‌پذیر نیست و اساساً و به درستی، هیچ مرجعی برای رسیدگی به چنین شکایتی پیش‌بینی نشده است.

۳- با توجه به نظارت پیشینی شورای نگهبان نسبت به تمامی قوانین، هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که یک یا چند قانون عادی، مغایر با قانون اساسی هستند. به بیان دیگر، این احتمال که یک یا چند قانون عادی مغایر با قانون اساسی هستند، از هیچ شخصی قابل پذیرش نیست؛ چرا که تمامی مصوبات مجلس، توسط عده‌ای از حقوقدانان و فقها، مورد بررسی قرار گرفته‌اند و عدم مغایرت آنها با قانون اساسی، احراز شده است.

نظارت نوع دوم یا به تعبیر دیگر، نظارت پیشینی شورای نگهبان، آثار و نتایج قابل توجهی دارد که عبارتند از: ۱- قبل از اعلام شورای نگهبان مبنی بر عدم مغایرت مصوبه مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی،

آثار و نتایج نظارت پیشینی شورای نگهبان نسبت به مصوبات مجلس شورای اسلامی

نمی‌توان عنوان «قانون» را بر این مصوبه نهاد. به بیان دیگر، مصوبه مجلس زمانی تبدیل به قانون شده و لازم‌الاجرا می‌شود که شورای نگهبان، عدم مغایرت آن را با قانون اساسی اعلام نماید. بر این اساس، اگر چنین گفته شود که قانون مصوب مجلس، جهت اظهار نظر از سوی شورای نگهبان، به این شورا ارسال شد، سخن صحیحی بیان نشده است. ۲- با توجه به اینکه تمامی مصوبات مجلس شورای اسلامی، به صورت پیشینی توسط شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرند، فرض بر این است که هیچ یک از

بنیادهای تاریخی تشکیل شورای نگهبان در اندیشه شیخ فضل الله نوری



وحید حیدری

پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان

شورای نگهبان به مثابه پاسدار شرع و قانون اساسی، پدیده‌ای است که به لحاظ تاریخی، می‌توان ریشه‌های آن را در دوران مشروطه جست. دوره‌ی مشروطه، مقطعی از تاریخ معاصر ایران است که تأثیرات عظیمی بر جامعه‌ی ایرانی گذاشته است؛ به‌گونه‌ای که مشروطه را می‌توان یکی از تقسیم‌کنندگان تاریخ ایران به قبل و بعد از خود، قلمداد نمود. همراهی علماء

دینی آن عصر در به ثمر رسیدن جنبش مشروطه امری غیر قابل انکار است. یکی از چهره‌های مؤثر در پیشبرد جنبش مشروطه شیخ فضل الله نوری است. در این یادداشت قصد داریم تا با کنکاش مختصر در احوالات و اندیشه شیخ شهید، به بنیادهای تاریخی تشکیل شورایی از علمای هر عصر به جهت نظارت بر اسلامیت قوانین و تضمین شریعت اشاره کنیم.

شیخ فضل الله کجوری معروف به «نوری» فرزند ملا عباس در ۲ ذی حجه سال ۱۲۵۹ ه. ق در تهران متولد شد و پس از اتمام دروس سطح به همراه میرزا حسین نوری معروف به محدث، عازم نجف شد تا در محضر علماء آن دیار دروس خویش را ادامه دهد. آنجا بود که از محضر عالمانی همچون شیخ راضی بن شیخ و میرزا حبیب الله رشتی علم آموخت و پس از آن به حوزه‌ی



به دست اسعد تنکابنی و خزعل، پیشنهاد سفارت‌خانه‌های روسیه و هلند و عثمانی را برای پناهندگی نپذیرفته و حاضر نشد که پس از «هفتادسال سفید کردن محاسن به زیر بیرق کفر برود» و پس از محاکمه‌ی ساختگی به دست ابراهیم زنجانی به اعدام محکوم شد و در ۱۳ رجب ۱۳۲۸ ه.ق به شهادت رسید.

شیخ فضل الله بنابر شهادت تاریخ، عالمی بود که به خوبی از اوضاع جهان آگاه بود و از تغییراتی که پیرامون مشروطه در اروپا و حکومت عثمانی اتفاق افتاده بود اطلاع داشت. گذشته از آن، در متن حادثه و در تهران ساکن بود و از نزدیک اوضاعی را که در حال رخ دادن بود نظاره می‌کرد. در این میان آن چیزی که برای شیخ مسلم بود انگیزه‌هایی بود که مدعیان مشروطه بیان می‌کردند، از حمایت و ورود مرموزانه سفارت انگلستان به قضیه تا اظهارات مجلسیان حول قانون مشروطه-خواهی و نه شریعت‌خواهی در کنار مباحثی که جراید آن دوران در پی شکل‌گیری جو مشروطه و... بیان می‌کردند، موجب شد که شیخ علناً با مشروطه غیر مشروعه به مخالفت برخیزد و در پاسخ به تهمت مخالفت با مجلس شورای ملی

درسی میرزای شیرازی رفته و در سامرا در شمار بهترین شاگردان و افراد مورد وثوق ایشان قرار گرفت؛ تا بدان جا که وی را از برترین مقرران دروس میرزای شیرازی شمرده‌اند. در حدود ۱۳۰۰ ه.ق به تهران بازگشت، همچنین در نهضت ضد استعماری و استقلال طلبانه تنباکو در ۱۳۰۹ ه.ق به همراه میرزای آشتیانی رهبری این حرکت را بر عهده داشت؛ به طوری که از مشوقین میرزای شیرازی در اصدار فتوای تحریم تنباکو محسوب می‌شود.

در جریان تحصن علماء در حرم شاه عبدالعظیم علیه السلام که به عنوان اعتراض بر چوب خوردن تجار قند صورت گرفت تنها شرط حضور در میدان نبرد علیه استبداد را اینگونه اعلام نمود که: «خواهان اجرای قوانین شرع باشند»، و آنگاه که مجلس به دست قوای محمدعلی شاه فتح شد و سفارت‌خانه‌های روسیه و انگلیس بر اعاده‌ی مشروطیت فشار آوردند، شیخ فضل الله با دعوت علماء سراسر کشور به مخالفت با مجلس تحمیلی پرداخت. در پی این ماجرا انگلستان طرح ترور شیخ را به دست فردی به نام کریم دواتگر ریخت که این ترور نافرجام ماند. شیخ پس از فتح تهران

-آن‌گونه که ادّعا شده است- «در جریده نمی‌نوشت که باید به قرآن عمل کنیم و قانون قرآن ماست و مجلس کعبه‌ی ما! و باید در حال احتضار پا را به سوی آن کشند...» این‌گونه بود که شیخ در دیداری به علماء شاخصی که در متن حوادث در تهران به عنوان طبقه‌ی علماء از مشروطه طرفداری می‌کردند، گوشزد نمود که: «این مردم (مخالفان مشروعه‌خواهی) گیج نیستند، با شما راه نمی‌روند (در آینده)، امروز چون به شما محتاج هستند (همراه شمایند)...» و احتیاج ایشان به علماء برای تأیید اولیه را محور تلاش‌ها برای دینی جلوه دادن حرکت مشروطه‌خواهان غیر مشروعه می‌دانست، چنانکه تاریخ بر این پیش‌بینی شیخ صحّه گذاشت.

امری که شیخ فضل‌الله نوری در مشروعیت‌بخشی به مجلس شورای ملی بسیار بر آن تأکید داشت، نظارت هیئتی از علماء اسلام بر مصوبات مجلس شورای ملی بود که اصل راجع به علماء طراز اول هر عصر یا به اختصار همان «اصل طراز» خوانده می‌شد. توضیح اینکه قانون اساسی مصوب دی‌ماه ۱۲۸۵ که با عجله و بدون دقت و در نظر گرفتن ماهیت نهضت و فقط در زمینه مسائل مجلس شورا و تبیین قوه مقننه، تدوین و تصویب شده بود، جمعی از نمایندگان مجلس را همصدا با برخی سران نهضت که در خارج از مجلس، بر نارسا و ناقص بودن قانون اساسی هشدار می‌دادند، برآن داشت که موضوع متمم قانون اساسی را در مجلس مطرح و پس از چهارده روز از تصویب قانون اساسی، مجلس را به اقدام اساسی در این زمینه وادار کنند. شیخ به عنوان پیشنهاد برای حل معضل خالی بودن

این‌گونه اعلام دارد که: «من آن مجلس شورا را می‌خواهم که عموم مسلمانان می‌خواهند، به این معنا که البته عموم مسلمانان مجلسی را می‌خواهند که اساسش بر اسلامیت است و برخلاف قرآن و برخلاف شریعت محمدیصلی‌الله‌علیه و آله و برخلاف مذهب مقدس جعفریعلیه السلام نباشد.»

در نهایت؛ جدائی مسیر شیخ در همراهی با جریان عدلیه‌خواهی از آنجایی آغاز شد که مطالبه مشروطه از سفارت بریتانیای کبیر سر درآورد. در نتیجه رصد اوضاع از نزدیک توسط شیخ، وی تلاش نمود تا در پیام‌ها و تلگرافات خویش علمائی که از کانون تحولات به دور بودند را بر این نکته دقیق واقف دارد. شیخ و اطرافیانش این سخن را که اروپائیان و ملل فرنگ اصولی که مشروطه آن روز بر آن مبتنی بود را سال‌ها پیش از اسلام گرفته‌اند این‌گونه پاسخ می‌داد که «این دین (اسلام) دنیا را به عدل و شوری گرفت آیا چه اوفتاده است که امروز باید دستور عدل ما از پاریس برسد و شورای ما از انگلیس!» که همین امر بیانگر این است که اولاً و بالذات با وجود راهکار ارائه شده و دستور اسلام مبنی بر اقامه‌ی عدل که از طریق احکام شارع در متن دین هنوز پابرجاست نوبت به اجرای نسخه‌ی بدل نمی‌رسد، دیگر اینکه مبنایی که به عنوان یک فرع از اصل گرفته شده باشد در رجوع به اصل و رویارویی با آن باید با آن متلائم و متناسب باشد و حال آنکه نسبت میان اسلام و فقه برخاسته از آن که داعیه اداره زندگی را داشته و قانون آن دوران که نماینده مشروطه در آن زمان شناخته می‌شده تعارض بلکه-گاهی اوقات-تناقض وجود داشت و طرفدار مشروطه

۱- «آقایان نجف گفته‌اند که مجلس امر به معروف باشد، ما هم می‌گوییم که این مجلس (که) تحت استیلاء لامذهبان (بوده) و مجاری آن را مستقیماً بر سیاق پارلمنت‌های اروپا اداره می‌کنند، آیا مجلس امر به معروف و نهی از منکر است؟»

ملی بنمایند.» که در ادامه پس از انتخاب شدن آن پنج نفر به اختیار مجلس، آنان مواد مطرح شده در مجلس را مورد غور و بررسی قرار بدهند تا هریک از آن‌ها را که مخالف قواعد اسلام تشخیص دادند رد کنند که وصف قانون پیدا نکند. البته در انتهای پیشنهاد شیخ به غیرقابل تغییر بودن این اصل و رأی علماء تا به ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه اشاره می‌کنند. این سازوکار سرانجام با تحصن شیخ و تلاش‌های بسیار، جبهه مقابل وی را به تسلیم واداشت و وجود هیئت طراز در متمم قانون اساسی مشروطه مورد قبول واقع شده و تصویب شد.

بنیاد حرکت مشروطه در تقیید و تحدید قدرت مطلقه شاه توفیق و دوام چندانی نیافت؛ چه اینکه با گذر از دوران کوتاهی از تشکیل مجلس، استبداد صغیر موجب تعطیلی آن شد و نیز امیدها به تحقق هدف مذکور رو به افول گرایید. از دیگر سو، این اصل به جز مدت محدودی در همان صدر مشروطه با

قانون اساسی از مبانی اسلامی تلگرافی ارائه و به تعداد زیادی تکثیر نموده و به شهرهای مهم ارسال داشت که این امر مهم‌ترین بحران را برای قانون اساسی لائیک به وجود آورد. اما آن چه که شیخ در این پیشنهاد بر آن تأکید می‌ورزید ایجاد هیئتی از علماء برای نظارت بر مصوبات دارالشوری بود؛ با این مضمون که: «مجلس مقدس شورای ملی ... باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده علمای اعلام ادام الله برکات وجودهم بوده و هست. لہذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد، از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند، به این طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفر ... معرفی به مجلس شورای



منابع:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ترکمان، محمد، مجموعه رسایل شیخ فضل الله نوری (سخنرانی‌ها، روزنامه‌ها و...)، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، جلد اول و دوم، ۱۳۶۲.
- ابوالحسنی (منذر)، علی، «شیخ فضل الله نوری، مصلح دین‌ورز و دادخواه»، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۲۴، ۱۳۸۸.
- نورایی، مهدی، روایت اساسی؛ تاریخچه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۴۰۰.



حضور علمایی چون شهید آیت الله سیدحسن مدرس، شکل اجرایی به خود نگرفت و در طول دوران ۱۷ ساله آخر سلسله قاجار و ۵۳ سال دوران سیاه پهلوی به محاق فراموشی رفت. پس از انقلاب اسلامی و هنگام تدوین قانون اساسی دغدغه غالب نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، تأسیس نهادی برای پاسداری از احکام شریعت بود، به نحوی که به سرنوشت اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه دچار نگردد و همین مسئله موجب شد افزون بر تصویب اصل چهارم قانون اساسی^۱ در اصول متعدد دیگری نیز لزوم عدم مغایرت امور تقنینی در نظام جمهوری اسلامی با شرع مورد تصریح و تأکید قرار گیرد.^۲ با مذاقه در کارویژه‌های شورای نگهبان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با امعان نظر به اینکه این نهاد صرفاً نظارت بر جنبه شرعی قوانین و مقررات را برعهده ندارد و افزون بر آن، تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی با اصول قانون اساسی و نیز وظایف دیگری همچون نظارت بر انتخابات نیز در زمره صلاحیت‌های آن است، می‌توان بر این امر اذعان داشت که اساس وجود شورایی از علماء و مجتهدین برای پاسداری از موازین شرعی، رکن زکین شورای نگهبان است که بنیاد آن در اثر تلاش شیخ فضل الله نوری بنا نهاده شده است.

۱- اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

۲- اصولی مانند اصل ۷۲، ۹۴، ۹۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

شورای نگهبان، تکیه‌گاه امن تضمین حقوق بانوان

موضوع «زنان و خانواده» یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های قانونگذار اساسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است که مبتنی بر آموزه‌های دینی و سابقه فرهنگی تاریخی، در مقدمه و اصول متعدد قانون اساسی نظیر بند ۱۴ اصل سوم، اصل ۱۰، ۲۰، ۲۱، ۳۱ و بند یک اصل ۴۳ مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. تأکید قانون اساسی مبنی بر تضمین «حقوق بانوان» در زمینه‌هایی همچون رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او، حمایت مادران در دوران بارداری و حضانت فرزند، ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده و نیز پیش‌بینی بیمه خاص زنان سالخورده و بی‌سرپرست، نهاد پاسدار شرع و قانون اساسی را برآن داشته تا همواره در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی، موضع حمایتی از جامعه مادران و بانوان ایران زمین اتخاذ نماید. از جمله مصادیق این مهم، می‌توان به موضع شورای نگهبان در خصوص تبصره الحاقی به ماده ۲ «طرح قانونی اصلاح موادی از قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان مصوب ۱۳۶۷/۱/۳۰ و الحاق موادی به آن» اشاره کرد. مطابق ماده مذکور: «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مجاز است محل خدمت آن عده از بانوان مشمول خدمات قانونی موضوع این قانون را که پس از تاریخ تصویب این قانون متأهل می‌گردند، در هر نقطه‌ای از کشور که نیاز باشد تعیین نماید». با این حال، شورای نگهبان در اظهارنظر خود مفاد ماده مزبور را به لحاظ ایجاد



مهدی خطیب دماوندی
پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان





حج فریضه می‌باشد. علی‌هذا خواهشمند است در این زمینه راهنمایی‌های لازم مبذول فرمایند». در پاسخ، شورای نگهبان در اظهارنظری به شماره ۱۳۵۲ مورخ ۱۳۶۳/۴/۱۹ صراحتاً عنوان داشت که اطلاق ماده ۱۸ قانون گذرنامه نسبت به بانوانی که حجة الاسلام بر ذمه دارند (یعنی حج بر آنان واجب گشته است) با موازین شرعی مغایرت دارد. [۳]

از جمله محورهای دیگر مواضع حمایتی شورای نگهبان در حوزه بانوان، ایراد به آن دسته از مصوباتی است که نسبت به چگونگی ارائه خدمات به زنان ابهام داشته و مسیر بهره‌مندی آنان از کمک‌های دولتی را به درستی روشن نساخته است. به عنوان مثال، مجلس شورای اسلامی با تصویب ماده واحده «طرح الغای بند (ظ) تبصره (۱۴) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور»، بودجه خدماتی حمایتی زنان سرپرست خانوار و معلولان مندرج در قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور را از کمیته امداد امام خمینی (ره) کسر و به سرجمع بودجه سازمان بهزیستی کشور ردیف اعتباری

مشکل و دشواری در امر تشکیل خانواده و مشقت بانوان در این حوزه، مغایر با اصل ۱۰ قانون اساسی تشخیص داد. [۱]

نمونه دیگر این مسئله، موضع حمایتی اعضای شورای نگهبان در خصوص مسئله کار و اشتغال بانوان است. در این راستا آیت‌الله هاشمی شاهرودی، عضو فقید شورای نگهبان، صراحتاً کلیات طرح «کاهش ساعت کار بانوان شاغل دارای شرایط خاص مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی» را به ضرر بانوان می‌داند و معتقدند که تصویب چنین قوانینی، منجر به محدود شدن فضای اشتغال زنان و همکاری آنان با بخش‌های خصوصی و غیردولتی می‌گردد. [۲]

همچنین یکی دیگر از مصادیق قابل توجه در خصوص مواضع حمایتی شورای نگهبان از قشر بانوان، مسئله عدم الزام زنان به اخذ موافقت‌نامه مکتوب از همسران خود به منظور اخذ گذرنامه و تشریف به سفر حج می‌باشد. در این خصوص، هیأت دولت با تنظیم نامه‌ای در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۹، ضمن اشاره به درخواست‌های سازمان حج و زیارت مبنی بر صدور گذرنامه برای بانوان اشعار داشته بود: «شورای محترم نگهبان - به پیوست تصویر نامه شماره ۱/۲۳۲۹۴ مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۴ منضم به نامه شماره ۱/۲۵۲۲۲ مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۲ سازمان حج و زیارت مبنی بر صدور گذرنامه جهت بانوان شوهرداری که قصد تشریف به مکه معظمه را دارند و با ممانعت شوهر خود مواجه می‌شوند تقدیم می‌گردد، نظر به اینکه طبق بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه صدور گذرنامه برای بانوان مزبور منوط به مجوز کتبی شوهر می‌باشد و از طرفی انجام

«۱۳۱۵۰۰» اضافه نمود. با این حال، شورای نگهبان با بررسی مفاد این طرح، آن را از این جهت که در ردیف‌های اعتباری مربوط به کمیته امداد امام خمینی (ره) مندرج در قانون بودجه سال ۱۳۸۶ عنوان «خدمات حمایتی زنان سرپرست خانوار و معلولان» وجود ندارد، واجد ابهام دانست. همچنین با توجه به اینکه آیا کسر اعتبار به معنای سلب وظیفه ارائه خدمات حمایتی توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) به زنان سرپرست خانوار می‌باشد یا خیر، اظهار نظر خود را موکول به شفاف شدن این موضوع از سوی مجلس شورای اسلامی نمود. به عبارتی، شورای نگهبان به صورت سلبی بر ضرورت ارائه خدمات حمایتی به زنان سرپرست خانوار توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) تأکید نموده و سلب چنین وظیفه‌ای را جایز نمی‌داند. [۴]

موضوع ایراد به مبهم بودن مصوبات مجلس، به نحوی در بررسی بند الحاقی ۷ «لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور» نیز وجود داشته و شورای نگهبان نسبت به عدم تعیین تکلیف در خصوص چگونگی بهره‌مندی بانوان از امکانات مادی و معنوی واکنش نشان داده است. براساس این ماده: «در راستای سیاست‌های کلی خانواده ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی بر «تقویت نهاد خانواده و جایگاه بانوان در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آن» و در اجرای ماده (۱۰۱) قانون برنامه ششم توسعه و در جهت توان افزایش زنان، پنج صدم درصد (۰,۰۵٪) از اعتبارات هزینه‌های استان‌ها به منظور تحقق اهداف قانونی فوق با مجوز شورای برنامه‌ریزی استان در

افزون بر این فوق، شورای نگهبان در موارد بسیاری طرح‌ها و لوایحی را که جنبه حمایتی از قشر بانوان داشته و زمین‌ساز رشد و تعالی مادی و معنوی آنان بوده را مورد تأیید قرار داده است. از جمله مهم‌ترین مواضع شورا در تأیید چنین طرح‌هایی می‌توان به «طرح تخصیص سهمیه برای زنان در پذیرش دستکاری رشته‌های تخصصی پزشکی مصوب ۱۳۷۲/۷/۷» مبنی بر تکلیف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای تخصیص حداقل ۲۵٪ از سهمیه پذیرش دستکاری در رشته‌های جراحی اعصاب، اورولوژی، ارتوپدی، گوش و حلق و بینی، ... و در صورت وجود داوطلب ۵۰٪ سهمیه جراحی عمومی داخلی و قلب به خانم‌های پزشک قبول شده گزینش کتبی دستکاری اشاره کرد. [۶]

در انتها لازم به ذکر است که نگاه مثبت شورای نگهبان به ایفای وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی بانوان صرفاً به بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی محدود نبوده و این موضوع در فرآیند

موضوع ایراد به مبهم بودن مصوبات مجلس، به نحوی در بررسی بند الحاقی ۷ «لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور» نیز وجود داشته و شورای نگهبان نسبت به عدم تعیین تکلیف در خصوص چگونگی بهره‌مندی بانوان از امکانات مادی و معنوی واکنش نشان داده است. براساس این ماده: «در راستای سیاست‌های کلی خانواده ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی بر «تقویت نهاد خانواده و جایگاه بانوان در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آن» و در اجرای ماده (۱۰۱) قانون برنامه ششم توسعه و در جهت توان افزایش زنان، پنج صدم درصد (۰,۰۵٪) از اعتبارات هزینه‌های استان‌ها به منظور تحقق اهداف قانونی فوق با مجوز شورای برنامه‌ریزی استان در

موضوع ایراد به مبهم بودن مصوبات مجلس، به نحوی در بررسی بند الحاقی ۷ «لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور» نیز وجود داشته و شورای نگهبان نسبت به عدم تعیین تکلیف در خصوص چگونگی بهره‌مندی بانوان از امکانات مادی و معنوی واکنش نشان داده است. براساس این ماده: «در راستای سیاست‌های کلی خانواده ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی بر «تقویت نهاد خانواده و جایگاه بانوان در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آن» و در اجرای ماده (۱۰۱) قانون برنامه ششم توسعه و در جهت توان افزایش زنان، پنج صدم درصد (۰,۰۵٪) از اعتبارات هزینه‌های استان‌ها به منظور تحقق اهداف قانونی فوق با مجوز شورای برنامه‌ریزی استان در

<https://slink.shora-gc.ir/vPX5M>
[۴]: اظهارنظر شورای نگهبان در خصوص «طرح الغاء بند (ظ) تبصره (۱۴) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور مصوب ۱۳۸۶/۳/۲۰ مجلس شورای اسلامی» قابل دسترسی در: <https://slink.shora-gc.ir/wLzvV>

[۵]: اظهارنظر شورای نگهبان در خصوص «لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور مصوب ۱۳۹۶/۱۲/۳ مجلس شورای اسلامی» قابل دسترسی در: <https://slink.shora-gc.ir/fenqK>

[۶]: اظهارنظر شورای نگهبان در خصوص «طرح تخصیص سهمیه برای زنان در پذیرش دستیاری رشته‌های تخصصی پزشکی مصوب ۱۳۷۲/۷/۷ مجلس شورای اسلامی» قابل دسترسی در: <https://slink.shora-gc.ir/U5tWk>

[۷]: برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به مطلب دکتر هادی طحان‌نظیف در خصوص «تأکید آیت‌الله یزدی بر حق حضور زنان در انتخابات خیرگان» قابل دسترسی در: <https://slink.shora-gc.ir/oMZBj> و گفتگوی دکتر نجات‌اله ابراهیمان در خصوص «منعی برای حضور بانوان در فرآیند انتخابات خیرگان نیست» قابل دسترسی در: <https://slink.shora-gc.ir/gskin>

[۸]: اظهارنظر دکتر عباسعلی کدخدایی با عنوان «مشارکت گسترده در انتخابات انتظار هر کشوری است قابل دسترسی در: <https://slink.shora-gc.ir/1CjVq>

رسیدگی به صلاحیت‌های نامزدهای انتخاباتی نیز به وضوح قابل رؤیت است. در این خصوص، تقریباً در تمامی انتخابات‌های برگزارشده در حوزه «مجلس شورای اسلامی» و «مجلس خبرگان رهبری» [۷] از ابتدای انقلاب تاکنون، نمایندگی از جامعه زنان برای شرکت در انتخابات حاضر شده و از مرحله رسیدگی به صلاحیت‌های نامزدهای انتخاباتی توسط شورای نگهبان عبور پیدا کرده‌اند. البته هرچند که این موضوع در خصوص انتخابات ریاست جمهوری فاقد نمونه عینی است، لکن موضع اعضای شورای نگهبان همواره مؤید عدم ممنوعیت قانونی برای حضور زنان در عرصه این انتخابات بوده است. [۸]

پی‌نوشت‌ها:

[۱]: اظهارنظر شورای نگهبان در خصوص طرح قانونی «اصلاح موادی از قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان مصوب ۱۳۶۷/۱/۳۰ و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۰/۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی» قابل دسترسی در: <https://slink.shora-gc.ir/a2u7c>

[۲]: اظهارنظر حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی، عضو فقید شورای نگهبان در خصوص «لایحه کاهش ساعت کار بانوان شاغل دارای شرایط خاص مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی» قابل دسترسی در: <https://slink.shora-gc.ir/dln7j>

[۳]: نظارت شرعی شورای نگهبان در خصوص «ماده ۱۸ قانون گذرنامه» قابل دسترسی در:

شماره: ۸۴,۳۰۲۱۵۴۴
 تاریخ: ۸۴,۳,۲۱
 پوسٹ:
 قلمبندی:



شورای نگهبان
 دبیر

بسمه تعالیٰ

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۶۹۷/۴۱۱۱۵ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۰؛

**طرح دوفوریتی اعاده بودجه خدماتی حمایتی زنان
 سرپرست خانوار و معلولان به سازمان بهزیستی کشور**

مصوب جلسه مورخ بیستم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی در شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا بشرح زیر اعلام می گردد:

— از این جهت که در ردیفهای اعتباری مربوط به کمیته امداد امام خمینی (ره) مندرج در قانون بودجه سال ۱۳۸۶ عنوان «خدمات حمایتی زنان سرپرست خانوار و معلولان» وجود ندارد، مبهم است، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد. مضافاً اینکه آیا کسر اعتبار به معنای سلب وظیفه ارائه خدمات حمایتی توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) به زنان سرپرست خانوار می باشد یا خیر؟ نیز باید مشخص شود تا در این خصوص هم اظهار نظر شود.

احمد جنتی
 دبیر شورای نگهبان
 احمد

۸۴۳۴



محفل اندیشه؛

کرسی‌هایی برای نوآوری و دانش

در آیین افتتاح کرسی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون
اساسی در دانشگاه شیراز مطرح شد:

آیت‌الله خامنه‌ای: پژوهشکده شورای نگهبان به کارهای مهمی قیام کرده است / دکتر کدخدایی: «مشروح مذاکرات» تاریخ حقوق یک کشور است

آیین گشایش «کرسی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی»، با هدف مطالعه ریشه‌ها و منطق تاریخی شکل‌گیری نهادهای سیاسی در دانشگاه شیراز برگزار شد.

افتتاحیه کرسی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی، به‌همت مرکز مطالعات حکمرانی اساسی پژوهشکده حکمرانی دانشگاه شیراز با همکاری پژوهشکده شورای نگهبان، روز دوشنبه ۷ آبان ۱۴۰۳، در تالار حکمت دانشگاه شیراز برگزار شد.

در این مراسم پیام آیت‌الله العظمی ناصر مکارم‌شیرازی و آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای از اعضای مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی قرائت شد و دکتر عباسعلی کدخدایی عضو حقوقدان و رئیس پژوهشکده شورای نگهبان،



دکتر هادی طحان‌نظیف عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدصدرالله رجایی‌نسب، رئیس‌کل دادگستری استان فارس، دکتر محمد مؤذنی، رئیس دانشگاه شیراز و دکتر محمد جواهری‌طهرانی، رئیس پژوهشکده حکمرانی دانشگاه شیراز نیز در این مراسم سخنرانی کردند.

ارائه واحد درسی «مشروح مذاکرات خوانی قانون اساسی» در دانشگاه شیراز

رئیس پژوهشکده حکمرانی دانشگاه شیراز در آغاز ضمن خیرمقدم‌گویی به حاضران، کرسی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی را حلقه مفقوده آموزش و پژوهش در دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی عنوان کرد و توضیح داد: مشروح مذاکرات قانون اساسی را می‌توان پیوست هویتی، فلسفی، تاریخی و فقهی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرد که متأسفانه در ۵ دهه گذشته، آموزش و تحقیقات در دانشکده‌های حقوق، بدون توجه به این پیوست هویتی مهم و منقطع از بنیادهای اصیل منجر به شکل‌گیری این قانون انجام شده است، تاجایی‌که خالی از حقیقت نیست اگر بگوییم رویکرد پوزیتیویستی و حتی لفظ‌گرایانه در حوزه فهم قانون اساسی وجه غالب آموزش‌های حقوقی، علوم سیاسی، و حتی حکمرانی بوده است.

دکتر محمد جواهری‌طهرانی با اشاره به اینکه کرسی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی، به‌همت پژوهشکده حکمرانی و دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز و با حمایت شورای نگهبان، کرسی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی برای اولین بار در کشور، در دانشگاه شیراز تأسیس شده است، خبر داد: در این کرسی دانشجویان به‌صورت هفتگی و با حضور اساتید متخصص به بازخوانی، فهم و تحلیل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب منظومه فکری نویسندگان این قانون در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی خواهند پرداخت.

به‌گفته‌ی رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، با هماهنگی انجام شده دانشجویان شرکت‌کننده در این کرسی گواهی‌های مورد تأیید دانشگاه شیراز و شورای نگهبان دریافت خواهند کرد و از این به بعد، یکی از مهم‌ترین موارد رزومه دانشجویان ایرانی می‌تواند دریافت این گواهی باشد که نشانگر فهم و احاطه ایشان به مبانی و مبادی هویتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. وی افزود: همچنین با هماهنگی انجام شده، از ترم آتی دانشجویان کارشناسی حقوق نیز می‌توانند با گرفتن واحد درسی، مشروح مذاکرات خوانی قانون اساسی، این دوره‌ی مهم علمی را در قالب سه واحد درسی اختیاری دوره کارشناسی بگذرانند.



اندیشمندان حفظ نظم جامعه و دوری از هرج و مرج، زمینه‌ساز و شرط وصول به پیشرفت، رشد و ارتقای زندگی دنیوی و سعادت اخروی به شمار می‌آید و همانگونه که دقت و مراقبت بر اجرای صحیح قانون، دارای اهمیت است، تدوین صحیح قوانین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد؛ زیرا وضع قوانین واقع‌گرا، سودمند، قابل اجرا و دقیق، اسباب آسایش جامعه و جلوگیری از قانون‌گریزی را فراهم می‌آورد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حاصل همفکری و مشارکت جمع زیادی از صاحب‌نظران و اندیشمندان است که فراز و فرودهای فراوانی در هنگام تصویب قوانین آن و همچنین در مجلس بازنگاری وجود داشت و نگاه به گذشته کشور، چشم‌انداز آینده و آسیب‌های موجود، نیاز به دقت و اتقان در تدوین و تصویب این قانون را دوچندان می‌کرد، لذا اکنون که سالیانی است از تدوین قانون اساسی گذشته، بازخوانی آن برای محققان و پژوهشگران، سودمند و پربهره بوده و فهم درست مواد و بندهای این قانون، کشف مقاصد و منویات قانون‌گذار، درک روح حاکم بر این قوانین و تحقیق و پژوهش حول آن، تلاشی مبارک و قابل تقدیر می‌باشد. اینجانب ضمن آرزوی توفیق برای اعضای علمی، اساتید و دانشجویان دانشگاه شیراز و تمامی شرکت‌کنندگان و همچنین عموم مردم با ایمان فارس بار دیگر از تلاش‌های صورت گرفته تشکر می‌نمایم و از خداوند متعال صحت و سلامتی همگان را خواستارم.



آیت‌الله مکارم شیرازی: بازخوانی قانون اساسی سودمند است

در پیام مکتوب آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی نیز خطاب به افتتاحیه «کرسی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی»، آمده است:

«در آغاز لازم است از همه‌ی دست‌اندرکاران و شرکت‌کنندگان در این نشست علمی تشکر و قدردانی نمایم؛ امیدوارم این برنامه به اهداف عالی خود دست یابد.

ضرورت وجود قانون در جوامع بشری قابل تردید نبوده و جامعه با آن نظم و انتظام می‌یابد، در نگاه



کوتاهی، با مشارکت نمایندگان مردم و با پشتوانه خواست عمومی تدوین شد. برخلاف دیگر کشورها که قوانین اساسی گاه با نیت‌های سیاسی یا منافع خاص نوشته

می‌شوند، قانون اساسی ما از ارزش بالایی برخوردار است و لازم است قدر آن دانسته شود و مورد توجه و بررسی بیشتری قرار گیرد. رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا افزود: یکی از اقدامات مهمی که در این راستا صورت گرفته، تأسیس پژوهشکده شورای نگهبان است. این پژوهشکده به کاری قیام کرده است که پیش از این متصدی و مسئول مشخصی نداشت و امروز به نهادی تبدیل شده که مسئولیت تحقیق و پژوهش درباره قانون اساسی را بر عهده دارد. امیدواریم این پژوهش‌ها فقط به تهران محدود نشود و تمامی دانشگاه‌ها در این مسیر مشارکت کنند و کرسی‌های علمی مرتبط ایجاد شود. آیت الله خامنه‌ای تصریح کرد: توصیه

آیت الله سید محمد خامنه‌ای: ارزش قانون اساسی و اهمیت آن باید در جامعه بازگو شود

آیت الله سید محمد خامنه‌ای نیز در پیامی تصویری به این همایش ضمن بزرگداشت یاد و خاطره اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی گفت: ابتدا تقدیر و

تحسین می‌کنم از بزرگانی که در تأسیس آن انجمن بزرگ و پرسود نقش داشتند و همچنین از فضلا، علما و متخصصانی که در این تلاش علمی مشارکت کردند.

عضو مجلس بررسی نهایی قانون اساسی گفت: موضوع قانون اساسی در تمام جوامع و کشورها نقش اساسی و بنیادین دارد. قانون اساسی ما نیز دارای ویژگی‌های ممتازی است. اول اینکه در شرایط سخت اوایل انقلاب و بدون آمادگی قبلی، به شکلی کامل و دقیق تدوین شد. دوم اینکه، در مقایسه با قوانین اساسی دیگر کشورها، استوار، محکم و بر پایه‌های حقوقی و فلسفی قوی است و به‌طور کامل با فقه اسلامی همخوانی دارد. وی ادامه داد: این قانون در مدت زمان

برای فهم دقیق قانون اساسی باید به مشروح مذاکرات مراجعه کرد

دکتر هادی طحان‌نظیف، عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان نیز در افتتاحیه کرسی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی در دانشگاه شیراز، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدا اظهار داشت: رژیم صهیونیستی از سالیان گذشته تاکنون در حق مردم مظلوم غزه و لبنان جنایات بیشماری مرتکب شده است. شهادت بیش از ۴۲ هزار نفر و مجروحیت ۱۰۰ هزار نفر طی یک سال گذشته فقط یک آمار نیست، بلکه گرفتن جان انسان‌هایی است که به دنبال حقوق اولیه خود بودند. وی با اشاره به سانسورهای خبری جنایات رژیم صهیونیستی در برخی از رسانه‌های غربی، عنوان کرد: آنچه از جنایات رژیم صهیونیستی در رسانه‌ها مشاهده می‌کنیم نیز با تلاش و مجاهدت خبرنگاران حقیقت‌جو صورت می‌گیرد. حمله به خبرنگاران و شهادت آنها توسط صهیونیست‌ها نیز این پیام را متبادر می‌کند که نمی‌خواهند از حجم جنایات‌های آنها در این منطقه به دنیا مخابره شود. البته

می‌کنم که بازنگری در قانون اساسی به صورت شتاب‌زده و بر اساس پیشنهادهای مغرضانه دشمنان صورت نگیرد. هرگونه اصلاح باید با دقت، مطالعه و اجماع کارشناسان درباره چند اصل مشخص انجام شود. همچنین، مذاکرات و دلایل تصویب اصول قانون اساسی باید به‌طور دقیق ثبت و منتشر شود تا فلسفه مصوبات برای همگان روشن باشد.

این استاد حوزه و دانشگاه ادامه داد: قانون اساسی ما، که بر اساس خون شهدا و فداکاری ملت تدوین شده، نیازمند حفاظت و احترام است. این نظام هزینه‌های بسیاری را متحمل شده و لازم است ارزش آن در دوره‌های مختلف به مردم یادآوری شود. وی در پایان اشاره کرد: از تمامی کسانی که در تدوین این قانون و تحقیق در آن نقش داشتند، تقدیر می‌کنم. دعا می‌کنم که این پژوهش‌ها ادامه یابد و ارزش قانون اساسی بازگو شود و اهمیت آن برای دیگران تبیین شود.



در نظام آموزش عالی کشور، امیدواریم این اتفاق خوب به کل کشور سرایت پیدا کند. دکتر طحان نظیف پیشنهاد داد: سعی شود آحاد مردم در جلسات کرسی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حضور یابند؛ چراکه این مباحث بسیار ارزشمند است.

وی با بیان اینکه بایستی حرکتی در مجامع دانشگاهی برای ترویج قانون اساسی صورت بگیرد، خاطرنشان کرد: در پژوهشکده شورای نگهبان از رویدادها و اقدامات برای ترویج قانون اساسی حمایت خواهد شد. مراجعه عموم مردم به قانون اساسی کم است و باید از هر فرصتی استفاده کرد تا قانون اساسی ترویج یابد.

این استاد دانشگاه اظهار داشت: از درگیر شدن دانشجویان با موضوعات واقعی کشور نباید ترسید و اتفاقاً اگر دانشجویان را درگیر موضوعات اصلی کشور نکنیم، شاید مباحث فرعی دیگری برای دانشجویان مطرح شود. دانش‌های نظری را باید در عرصه عمل محک زد. روسای دادگستری‌ها باید در دانشکده‌های حقوق حضور یابند و تردد داشته باشند تا شاهد ارتباط بین دادگستری‌ها و دانشکده‌های حقوق باشیم. از همین رو سخنگوی شورای نگهبان به اقدامات انجام شده از سوی پژوهشکده شورای نگهبان اشاره کرد و گفت: رویداد شبیه‌سازی شورای نگهبان در شش نوبت برای دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه برگزار شد و نتایج بسیار خوبی به همراه داشت. هرکجا که دانشجویان را با موضوعات واقعی مواجه کرده‌ایم، پیشرفت داشتیم.

مردم دنیا و آزادگان جهان بیدار هستند و صحنه‌ها را مشاهده می‌کنند. سکوت مدعیان حقوق بشر که سال‌ها دم از حقوق بشر می‌زدند، نیز نشان‌دهنده دروغ بودن ادعای آن‌هاست.

دکتر طحان نظیف با بیان اینکه استان فارس و شهر شیراز این روزها به عطر شهیده معصومه کرباسی معطر شده است، بیان کرد: شهیده کرباسی موجب افتخار استان فارس و دانشگاه شیراز است. چند جمله‌ای که فرزند بزرگوار این شهید در محضر رهبر معظم انقلاب بیان کرد، بسیار درس‌آموز و نشان‌دهنده افق دید این عزیز بود. از دامان چنین والدینی، چنین فرزندان با بصیرتی رشد کرده و تربیت یافتند.

سخنگوی شورای نگهبان با بیان اینکه دانشگاه شیراز باید به تربیت نخبگانی همچون شهیده کرباسی ببالد، تأکید کرد: شهادت شهیده کرباسی این پیام را به اذهان متبادر می‌کند که بانوان نیز می‌توانند پایه پای مردان در عرصه‌های جهاد و مقاومت ایفای نقش کنند.

این عضو حقوقدان شورای نگهبان در ادامه صحبت‌هایش، افتتاحیه کرسی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه شیراز را یک اتفاق ابتکاری و خوشایند توصیف کرد و گفت: کرسی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی یک رویداد ملی است و محدود به یک جمع نخواهد بود. اینکه مبدأ آغاز این رخداد فرخنده، دانشگاه شیراز است، جای قدردانی دارد و با توجه به جایگاه ممتاز این دانشگاه



سخنگوی شورای نگهبان، عملیاتی کردن شعارهای انقلاب اسلامی را یکی از دستاوردهای تدوین قانون اساسی برشمرد و افزود: تدوین قانون اساسی مبتنی بر اهداف انقلاب اسلامی و اندیشه‌های اسلام ناب محمدی از سوءاستفاده مخالفان و دشمنان این نهضت الهی جلوگیری کرد.

قانون اساسی مهم‌ترین سند مطالبه‌گری دانشجویان

دکتر طحان نظیف با بیان اینکه بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی مقدمه‌ای بر فهم مشترک صحیح از قانون اساسی است، ادامه داد: مطالعه مشروح مذاکرات قانون اساسی نشان می‌دهد که مباحث کاملاً جدی بوده و تنظیم متن قانون به چه شکلی صورت گرفته است. این عضو حقوقدان شورای نگهبان در ادامه سخنان خود این موضوع را مورد توجه قرار داد که تفسیر مراد مقنن نکته‌ای بسیار مهم است و حتی در برخی از تفاسیر، اعضای شورای نگهبان به مشروح مذاکرات به عنوان مراد مقنن اشاره داشته‌اند. این مقام مسئول گفت: بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی مقدمه ایجاد مطالبه عمومی برای فعال کردن ظرفیت‌های قانون اساسی است. قانون

اهمیت بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی

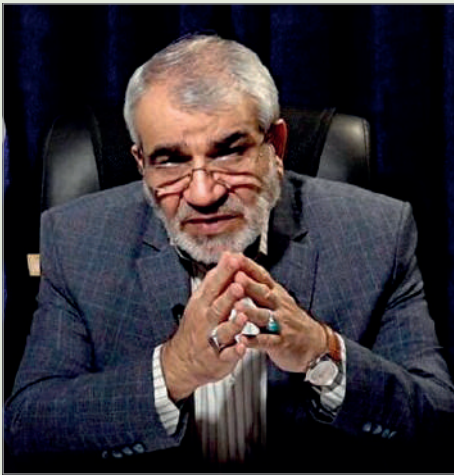
دکتر طحان نظیف سپس با طرح این سؤال که چرا بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی اهمیت دارد؟ گفت: اگر به زمان پیروزی انقلاب اسلامی برگردیم، مشاهده می‌کنیم که مردم بنا دارند آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی محقق شود که لازمه این موضوع، استمرار نظام سیاسی متناسب با آرمان‌هاست. این موضوعات در قانون اساسی نمود پیدا کرده و در مقدمه آن به خوبی بیان شده است.

وی تصریح کرد: امام خمینی (ره) به اعضای نخستین مجلس خبرگان رهبری توصیه‌های مهمی داشتند که آن توصیه‌ها سرلوحه کار نویسندگان قانون اساسی قرار گرفت.

این مقام مسئول با بیان اینکه نگارش یک قانون اساسی که بر مبنای اسلام و درآمیخته با ساختارهای مدرن باشد، یک اتفاق تاریخی است، تأکید کرد: نخستین مجلس خبرگان، نگارش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را رقم زد. این قوانین گنجینه گرانقدر هستند که کمتر به آن مراجعه شده است. در صورتی که همه شهروندان ایرانی باید نسبت به آن آگاه باشند.

این عضو حقوقدان شورای نگهبان عنوان کرد: در جلسات تدوین قانون اساسی تضارب جدی آرا صورت گرفت. نمایندگان مجلس با آرای مستقیم مردم انتخاب شدند. نمایندگان مخالف و موافق یک موضوع به صورت جدی مباحثه کردند. در فضای عمومی جامعه نیز نگارش قانون اساسی مورد بحث بود. علاوه بر صداوسیما، عده‌ای با عنوان تندنویس در جلسات حضور داشتند که مشروح مذاکرات را به رسانه‌ها و مردم منتقل می‌کردند.

اساسی مهمترین سند مطالبه‌گری در جنبش‌های دانشجویی است. سندی کامل‌تر و جامع‌تر از قانون اساسی که حقوق مردم و صلاحیت دستگاه‌ها را ذکر کرده باشد، وجود ندارد. سخنگوی شورای نگهبان در بخش پایانی سخنان خود بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی را زمینه‌ساز ایجاد یا افزایش معرفت سیاسی دانست و گفت: کسی که مشروح را مطالعه کند، نگاهی ویژه‌تر به شهید آیت‌الله بهشتی و شخصیت‌های کشور خواهد داشت و نسبت به قانون اساسی و جمهوری اسلامی ایران معرفت سیاسی بهتری پیدا می‌کند. دکتر طحان‌نظیف در پایان ابراز امیدواری کرد که همه آحاد مردم در ترویج قانون اساسی به عنوان بالاترین سند حقوقی سیاسی کشورمان نقش داشته باشند.



«مشروح مذاکرات» تاریخ حقوق یک کشور است

رئیس پژوهشکده شورای نگهبان نیز در این مراسم با تأکید بر اینکه قانون اساسی باید در امور سیاسی و اجتماعی تبلور داشته باشد، گفت: صیانت روش‌های مختلفی دارد که در قانون اساسی آمده اما باید توجه داشت که زنده نگه داشتن مباحث قانون اساسی به صیانت از قانون اساسی کمک خواهد داشت.

دکتر عباس‌علی کدخدایی عضو حقوق‌دان و رئیس پژوهشکده شورای نگهبان در ارتباط مجازی با شرکت‌کنندگان در افتتاحیه کرسی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی در دانشگاه شیراز اظهار کرد: کرسی که امروز در دانشگاه شیراز برگزار می‌شود، موضوعی است که ما در دانشگاه‌های دیگر نداریم و هنوز به صورت آکادمیک به آن پرداخته نشده است. از این جهت تشکر ویژه‌ای باید داشته باشیم از دانشگاه شیراز و دانشکده حقوق و

علوم سیاسی و همه همکارانی که در این جهت گام برداشتند. وی افزود: ما در پژوهشکده شورای نگهبان تا آنجایی که امکان داشته باشد، برای ترویج مباحث قانون اساسی و حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، همه‌گونه همکاری را خواهیم داشت. تشکر ویژه هم دارم از آیات عظام، حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی و حضرت آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای که عنایت فرمودند و ان‌شاءالله امروز ما از بیانات این بزرگواران نیز بهره‌مند خواهیم شد.

دکتر عباس‌علی کدخدایی عضو حقوق‌دان و رئیس پژوهشکده شورای نگهبان در ارتباط مجازی با شرکت‌کنندگان در افتتاحیه کرسی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی در دانشگاه شیراز اظهار کرد: کرسی که امروز در دانشگاه شیراز برگزار می‌شود، موضوعی است که ما در دانشگاه‌های دیگر نداریم و هنوز به صورت آکادمیک به آن پرداخته نشده است. از این جهت تشکر ویژه‌ای باید داشته باشیم از دانشگاه شیراز و دانشکده حقوق و

صرف قانون اساسی خوب، نمی‌تواند کافی باشد. ما باید راه‌هایی را پیدا کنیم برای صیانت از قانون اساسی و همچنین برای ترویج و توزیع عالمانه و اندیشمندانه این قانون. صیانت از قانون اساسی

قانون اساسی، سند بنیادین تعیین‌کننده روابط فرد و دولت و حقوق افراد

روش‌های مختلفی دارد، روش‌های شکلی که در خود قوانین اساسی آمده و نظارت‌هایی که بر قانون اساسی اعمال می‌شود و این بحث دیگری را می‌طلبد.

دکتر کدخدایی خطر نشان کرد: و اما نکته مهمی که وجود دارد، این است که زنده نگه داشتن مباحث قانون اساسی، به صیانت از قانون اساسی کمک می‌کند. یعنی اینکه شما هر روز با مباحث قانون اساسی زندگی کنید و قانون اساسی در امور جامعه و امور اجتماعی و سیاسی شما تبلور داشته باشد، این خودش هم یک روش صیانت است. متأسفانه ما در یک دوره‌هایی از این مسئله غفلت کردیم.

وی در ادامه گفت: در دوره تدوین قانون اساسی که با تشکیل مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ شکل گرفت، در آن مقطع ما خودمان به عنوان جوان‌هایی که در این حوزه فعالیت می‌کردیم، درگیر این مباحث بودیم. در آن مقطع، رسانه‌ها به گستردگی امروز نبود و همه مشروح مذاکرات، هر روز بعد از اخبار سراسری پخش می‌شد. به همین دلیل

همه مردم درگیر مباحث حقوق اساسی و قانون اساسی و مذاکرات قانون اساسی بودند و با نمایندگان ارتباط داشتند و با آن‌ها مکاتبه می‌کردند و نظرات خود را مطرح می‌کردند و

رییس پژوهشکده شورای نگهبان خاطرنشان کرد: امروزه اهمیت قانون اساسی در همه کشورها، دیگر بر کسی پوشیده نیست.

قانون اساسی به عنوان یک سند بنیادین که روابط فرد و دولت را و

حقوق افراد را تعیین می‌کند و به عنوان نقشه راهی برای مردم یک جامعه تعیین شده است. دکتر کدخدایی در ادامه گفت: امروزه حدود سیصد سال از شکل‌گیری قانون اساسی می‌گذرد و همه کشورها به نوعی درگیر بحث قانون اساسی و حقوق اساسی و مباحث پیرامونی آن هستند. جمهوری اسلامی ایران هم بعد از انقلاب، اولین گامی را که بعد از تعیین نظام سیاسی برداشت، تدوین قانون اساسی بود که با همت حضرت امام، رضوان الله تعالی علیه و با تلاش بزرگوارانی که بسیاری از آن‌ها امروز در جمع ما نیستند و باید به روح بلند آنان درود بفرستیم و عزیزانی که از مجلس خبرگان اول یا مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، حضور دارند و آرزوی طول عمر و سلامتی برای‌شان داشته باشیم، انجام شد.

وی اظهار داشت: ما مدعی هستیم که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از بهترین قوانین اساسی است که امروزه در کشورهای مختلف وجود دارد. با توجه به شرایط ما و با توجه به تدوینی که از ابتدا شکل گرفت و با توجه به حضور

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از بهترین قوانین اساسی است

اندیشمندان، صاحب‌نظران و فقهایی که در تدوین این سند مهم نقش داشتند، مدعی هستیم که از بهترین قوانین اساسی است. عضو حقوقدان شورای نگهبان افزود: اما

دو نظریه در حوزه تفسیر قانون

دکتر کدخدایی اظهار داشت: دو نظریه در بحث تفسیر وجود دارد؛ نظریه اول این است که قصد قانونگذار ملاک است و باید به آن مراجعه کرد، آنچه که در برخی از تفاسیر شورای نگهبان هم وجود دارد. در این خصوص گفته می‌شود که تفسیر، بیان مراد مقنن است.

وی افزود: نظریه دوم نیز قائل به نص قانون است، همان چیزی که ما معمولاً می‌گوییم ظهور الفاظ حجت است و به ظهور الفاظ اکتفا می‌کنیم. در این نظریه، استناد به سوابق تاریخی را اشتباه می‌دانند. طرفداران این نظریه، معتقدند که ما باید به حکومت قانون برگردیم و نه به حکومت مشروح مذاکرات.

رییس پژوهشکده شورای نگهبان خاطرنشان کرد: اما اگر خوب دقت کنیم، این نکته را نمی‌توانیم از نظر دور داشته باشیم که نص قانون، جایی که ظهور دارد و روشن است و فاقد ابهام است، طبیعتاً مشکلی وجود ندارد و می‌توانیم به آن استناد کنیم، اما در جایی که ابهامی دارد و نمی‌توانیم برداشت صریحی از آن داشته باشیم، آیا می‌توانیم به مشروح مذاکرات هم مراجعه کنیم؟ من معتقدم که مشروح مذاکرات در این حد می‌تواند کمک‌کننده باشد. بله، اعتبار حقوقی ندارد که شما به عنوان مثال در مقام قاضی بخواهید مستقیماً به آن استناد کنید، اما نمی‌توانیم آن را هم نادیده بگیریم.

دکتر کدخدایی در ادامه گفت: بنابراین برای تفسیر یک قانون، قطعاً توجه به قصد و نیت قانونگذاران، یک مسئله مهمی است و نکته‌ای است که در تفسیر شورای نگهبان

از طرق مختلف، مشارکت مردم در شکل‌گیری قانون اساسی ما بسیار برجسته بود.

رییس پژوهشکده شورای نگهبان اظهار داشت: اما ما در سال‌هایی چندان به مباحث قانون اساسی نپرداختیم، اما در دو دهه اخیر خوشبختانه بحث‌های قانون اساسی خیلی خوب در جامعه و به ویژه در دانشگاه‌ها مطرح می‌شود.

لزوم ترویج قانون اساسی در حوزه کودک و نوجوان

دکتر کدخدایی افزود: با این حال امروز در حوزه کودک و نوجوان در مسئله حقوق اساسی و ترویج قانون اساسی متأسفانه هیچ اقدامی انجام نداده‌ایم. مسئله‌ای که برخی کشورها به صورت ویژه روی آن کار کرده‌اند.

وی خاطرنشان کرد: و اما یکی از سؤالات این است که مشروح مذاکرات چه ارزشی دارد؟! و چه ماهیتی دارد؟! به عنوان مثال مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی که در طول هفته چندین روز برگزار می‌شود، چه نقشی در تاریخ حقوق اساسی و تقنین ما دارد؟! مسلماً مشروح مذاکرات، بخشی از تاریخ حقوق هر کشوری است. همه نهادها، سازمان‌ها و کشورها وقتی یک سند مکتوبی را می‌خواهند به تصویب برسانند، مشروح مذاکرات را محفوظ نگه می‌دارند و بارها هم به آن‌ها اشاره می‌شود و در تفسیرها و برداشت‌ها و رفع ابهام‌ها بارها به آن مراجعه می‌شود. عضو حقوقدان شورای نگهبان در ادامه گفت: ما باید توجه داشته باشیم که تفسیر هر قانونی مستلزم برداشت صحیح از متون آن قانون است و باید به محورهای مختلفی توجه داشته باشیم.

نوشته شده است. این‌ها الزماً منفی نیست و می‌تواند در برداشت صحیح و برداشت دقیق بسیار کمک‌کننده باشد. بر همین اساس اینکه ما به صورت مطلق بگوییم که مشروح مذاکرات فاقد اعتبار است، از نظر من چندان منصفانه نیست، بلکه می‌تواند حتی موجب انحراف نیز بشود.

دکتر کدخدایی خاطرنشان کرد: اما آیا هر برداشتی را می‌توانیم در این خصوص کمک‌کننده بدانیم؟! طبیعتاً همخوانی با متن مصوب خیلی مهم است. نظرات مختلفی در مشروح مذاکرات مطرح می‌شود، اما آن نظری که منجر می‌شود به تصویب متن، آن می‌تواند ملاک قرار بگیرد و حجت باشد. لازم به ذکر است که کرسی علمی بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی با همکاری مرکز مطالعات حکمرانی اساسی پژوهشکده حکمرانی دانشگاه شیراز و پژوهشکده شورای نگهبان با هدف مطالعه ریشه‌ها و منطق تاریخی شکل‌گیری نهادهای سیاسی برگزار می‌شود.

هم به آن اشاره شده است. طبیعتاً باید به ظهور الفاظ هم توجه داشته باشیم و توجه به شرایط و اقتضائات زمان هم داشته باشیم. ولی این‌ها به مفهوم این نیست که ما یک تفسیری را خلاف آن نظر قانونگذار که بوده است و یا خلاف نظر نص صریح قانون بخواهیم داشته باشیم.

وی اظهار داشت: بر همین اساس ما باید به شرایط زمان و مشروح مذاکراتی که در رابطه با یک قانونی وجود داشته است و همچنین نص متن قانون توجه داشته باشیم و از تجمیع

اینکه به صورت مطلق بگوییم که مشروح مذاکرات فاقد اعتبار است، منصفانه نیست

این‌ها می‌توانیم برداشت صحیحی داشته باشیم. در غیر این‌صورت ما به انحراف می‌رسیم و به همین جهت دیگر صیانتی از متن قانون اساسی انجام نمی‌شود.

عضو حقوقدان شورای نگهبان افزود: در بحث مشروح مذاکرات، نه تنها در کشور ما و نه حتی در بسیاری از کشورها، بلکه منشور ملل متحد (مذاکرات سانفرانسیسکو) را هم اگر ملاحظه بفرمایید، شرح‌های بسیاری بر آن



گزارشی از جلسات شرح فقهی اصل ۵۷ و ۵۸
قانون اساسی با تدریس آیت الله کعبی:

ابعاد ولایت مطلقه امر و امامت امت در اصل ۵۷ قانون اساسی / وجوه تمایز پارلمان لیبرال و پارلمان اسلامی

شرح فقهی اصل ۵۷ قانون اساسی

در جلسه شرح فقهی قانون اساسی که نهم آبان ماه و در ادامه جلسات بررسی اصل ۵۷ قانون اساسی برگزار شد، آیه الله کعبی به بررسی ابعاد امامت با توجه به مبانی کلامی امامیه پرداخت و چهار بعد عرفانی، هدایت نفوس مستعده، مرجعیت و ولایت را اشاره کرد و در تبیین بعد عرفانی امامت گفت: امام انسان کامل بوده و حبل متصل میان آسمان و زمین است؛ و انسان در سایه ارتباط با امام می‌تواند به اوج برسد.

ایشان هدایت نفوس مستعده را یکی دیگر از مأموریت‌های امامت برشمرد و گفت: هدایت گاهی به معنای ارائه نقشه راه است و گاهی به معنای ایصال الی المطلوب. نخستین مورد وظیفه انبیاء بوده و مورد اخیر وظیفه امام است.

آیت الله کعبی مرجعیت را بعد دیگر امامت خواندند و افزودند: امام، شارح قرآن و سنت رسول خدا است؛ به همین جهت مرجع فکری، علمی و سیاسی است.

این استاد حوزه و دانشگاه ولایت را شأن دیگر امامت برشمرد و ادامه داد: امام ولی امر و حاکم مسلمین بوده و منصوب من قبل الله



سلسله جلسات شرح فقهی قانون اساسی در روزهای نهم و بیست و سوم آبان ماه با تدریس آیت الله کعبی نماینده مجلس خبرگان رهبری و استاد حوزه و دانشگاه با حضور جمعی از پژوهشگران پژوهشکده شورای نگهبان برگزار گردید. در این جلسات آیه الله کعبی به طرح و بررسی ابعاد مختلف کلامی، فقهی و حقوقی اصول ۵۷ و ۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی پرداختند و در پایان به سؤالات پژوهشگران پاسخ دادند.

شرح فقهی اصل ۵۸ قانون اساسی

در جلسه شرح فقهی قانون اساسی که در تاریخ نوزدهم و بیست و سوم آبان ماه با حضور جمعی از پژوهشگران پژوهشکده شورای نگهبان برگزار گردید، آیه الله کعبی به طرح و بررسی نکات اصل ۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداختند که اهم محورهای طرح شده به شرح زیر ارائه می‌گردد:

مقید بودن اعمال قوه مقننه به اصول دیگر قانون اساسی

در اصل ۷۱، صلاحیت قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی به حدود مقرر در قانون اساسی مقید گردیده و این بیان به مثابه یک قرینه منفصل برای اصل ۵۸ قانون اساسی محسوب می‌شود. به همین جهت بر اساس اصل ۷۲، مجلس شورای اسلامی امکان وضع قانون برخلاف مذهب رسمی کشور و قانون اساسی را نداشته و بر اساس اصل ۴ قانون‌گذاری باید بر اساس موازین اسلامی باشد.

دو شأن اساسی فقهاء شورای نگهبان در قانون اساسی

برای فقهاء شورای نگهبان دو شأن در قانون اساسی پیش‌بینی شده است: نخست احراز عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام که در اصل ۹۶ قانون اساسی آمده است؛ و دیگری تشخیص انطباق با شریعت که در اصل ۴ قانون اساسی پیش‌بینی شده است؛ به این معنا که فقهاء باید موازین اسلامی را استنباط نموده و اصول و احکام مذهب رسمی را احصاء نمایند. این ظرفیت تأسیسی و نظام سازی شورای نگهبان است و موازین اسلامی باید در حوزه‌های مختلفی همچون اقتصاد، هنر، رسانه و ... استخراج شود

است. این دسته از اختیارات امام در دوران غیبت به ولی فقیه منتقل می‌شود.

ولایت مطلقه اعم از رهبری و امامت امت

آیت الله کعبی ادامه داد: در نظام سیاسی نوین، رهبری^۱ جهت‌گیری کلان نظام را تعیین نموده و تصمیمات متعدد در سطوح مختلف به مدیر عالی^۲ باز می‌گردد. به نظر می‌رسد ولایت مطلقه اعم از رهبری و مدیریت عالی نظام بوده و در هر دو سطح ایفای نقش می‌نماید. به همین جهت از جمله شرایط رهبری، مدیر و مدبر بودن است. این مسئله از اصل ۵۷ قانون اساسی نیز استفاده می‌شود.

در ادامه آیت الله کعبی مدیریت کلان راهبردی را دارای ۵ ساحت دانستند:

۱. دیده‌بانی: تحلیل اینکه در گذشته کجا بوده‌ایم؟ الآن کجا هستیم و در آینده می‌خواهیم به چه جایگاهی دست پیدا کنیم؟
۲. ارزیابی: ترسیم آسیب‌ها، چالش‌ها و راهکار حل مشکلات.
۳. برآورد به هنگام: به معنای ارائه برآوردهای به هنگام و دقیق از محیط راهبردی نظام جمهوری اسلامی برای دستیابی به تصمیم صحیح.
۴. ترسیم نقشه راه: تحلیل کیفیت دست‌یابی به اهداف نظام اسلامی.
۵. پایش و سنجش: پایش و سنجش کارآمدی قوای عمومی و دستگاه‌های گوناگون کشور در بخش‌های مختلف برای تحقق اهداف و مأموریت‌ها.

1- Leadership

2- management



مقصود از قانون گذاری در نظام اسلامی

قانون وضع می شود.
 ۳. تنبیه: در این فرایند تعارضات و تزااحمات موجود در شریعت اسلامی حل می شود.
 ۴. برنامه ریزی برای اداره کشور: مواردی همچون قانون برنامه و بودجه در این حوزه جایابی می شود.
 ۵. منطقه الفراغ: مقصود دایره متغیر قوانین در اعصار مختلف است که شرع مقدس نسبت به آن ها قانونی ندارد.
 ۶. تصمیم گیری کلان ملی: این موارد ماهیتاً قانون گذاری نبوده و یک امر اجرایی تلقی می شود.

در فقه امامیه وضع قانون تحت ضوابط خاصی مشروعیت دارد؛ در نتیجه اعضای مجلس شورای اسلامی نمی توانند بر اساس مصالح و مفاسدی که تشخیص می دهند به تأسیس قانون اقدام نمایند؛ بلکه در نظام اسلامی قانون گذاری به معانی زیر می باشد:

۱. تقنین شریعت: در این فرایند احکام متعددی که در شریعت وجود دارد به لباس قانون درمی آیند.
۲. تطبیق شریعت: در این فرایند برای اجرای بهتر احکام اسلامی

وجوه تمایز پارلمان لیبرال و پارلمان اسلامی

عمومی و شرایط اختصاصی قابل طبقه‌بندی می‌باشند. از جمله شرایط عمومی لازم برای نماینده پارلمان اسلامی می‌توان به «ایمان به اصول و فروع دین و ولایت فقیه»، «التزام عملی به احکام اسلام»، «وفاداری»، «امانت‌داری» و «حفاظت بر اسرار» اشاره نمود. همچنین شرایط اختصاصی نماینده پارلمان اسلامی «اهلیت برای مشورت»، «آگاهی از موضوعات مورد مشورت»، «حکمت، فرزاندگی و قدرت تشخیص مصحلت» و «اسلام‌شناسی» می‌باشند.

ب) شاخص‌های مدنظر انتخاب‌کننده

در نظام لیبرال تنها شاخصی که مدنظر فرد انتخاب‌کننده قرار دارد، سود حزبی و گروهی می‌باشد. این در حالی است که نظام اسلامی افراد باید شخصی را بر کرسی پارلمان بنشانند که بیشتر از سایر رقبیان واجد شرایط عمومی و اختصاصی نمایندگی می‌باشد.

این نکته اجمالاً روشن است که پارلمان لیبرال و پارلمان اسلامی در جنبه‌های متعددی متفاوت می‌باشند. در ادامه تلاش می‌شود به تبیین این جنبه‌ها در دو محور «شرایط انتخاب شونده» و «شاخص‌های مدنظر انتخاب‌کننده» پرداخته شود.

الف) شرایط انتخاب شونده

نخستین محوری که تفاوت جدی پارلمان لیبرال و پارلمان اسلامی را به نمایش می‌گذارد شرایط لازم برای شخص انتخاب شونده است؛ به این بیان که در نظام لیبرال «شهروند بودن» و «مجرم نبودن» تنها شروطی است که یک شخص را به فرد صالح برای حضور در پارلمان تبدیل می‌نماید. این در حالی است که در نظام اسلامی نماینده پارلمان شرایط متعددی دارد که در دو دسته شرایط

لزوم تبعیت پارلمان از نظرات ولی فقیه

نظر به اینکه اعضای مجلس شورای اسلامی لزوماً مجتهد نیستند، این سؤال مطرح می‌شود که نظرات صادر شده از این مجلس چگونه حجت می‌شوند؟ به عبارت دیگر مجلس شورای اسلامی در تنظیم قوانین باید از نظر کدام یک از مجتهدین تبعیت نماید؟ در پاسخ به این سؤال با توجه به اینکه پارلمان در نظام اسلامی به مثابه بازوی مشورتی ولی فقیه در حوزه‌های مختلف محسوب می‌گردد، ضرورت دارد این نهاد در تنظیم قوانین و مقررات از نظرات ولی فقیه جامعه تبعیت نموده و قوانین و مقررات را مبتنی بر نظرات ایشان تنظیم نمایند.

در دؤمین جلسه «الگوی حکمرانی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه» مطرح شد:

حجت الاسلام والمسلمین سعدی؛ نگاه مبتنی بر فقه، مهم ترین منبع برای تدوین حقوق اساسی است

دؤمین جلسه از سلسله جلسات «الگوی حکمرانی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه» با تدریس حجت الاسلام والمسلمین سعدی، در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۹ با حضور جمعی از پژوهشگران پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد.

در این جلسه، حجت الاسلام والمسلمین سعدی با اشاره به اینکه نگاه مبتنی بر فقه، در تدوین قانون اساسی به عنوان مهم ترین منبع برای حقوق اساسی ما به شمار می رود، طراحی ساختار قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی را مبتنی بر دو الگو قابل تحلیل دانستند الگوی نخست، تحلیل ساختار قدرت بر مبنای «مشروح مذاکرات اعضای مجلس نهایی تدوین قانون اساسی» است که بر مبنای آن، مباحث مطرح شده توسط اعضای عمدتاً مجتهد و فقیه را به همراه مباحث کارشناسانه سایر اعضای که فقیه نبوده اند، مورد لحاظ قرار داده و پرسش های





جلسه، پاسخ داده می‌شود. الگوی دوم - که نظر حجت الاسلام و المسلمین سعدی در استمرار جلسات، رهگیری این الگو است - «تحلیل و طراحی هندسه و ساختار قدرت» است که بر اساس مبانی فقهی پشتیبان قانون اساسی و مؤیدات آن که در قالب اصول قانون اساسی تبلور یافته‌اند، سعی می‌شود تا هرم و هندسه قدرت در قانون اساسی استخراج شود و دلالت‌های آن در مباحثی مانند اطلاق ولایت فقیه، نهاد سازی و قوا، کنترل قدرت و پایش آن مورد تبیین قرار گیرد.

در نظر حجت الاسلام و المسلمین سعدی، به کارگیری و استفاده از الگوی دوم منجر به تأمین «انسجام درونی و کارآمدی بیرونی» خواهد شد. به طور نمونه، هنگامی که از حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی سخن به میان می‌آید، به جای آنکه جداگانه و به صورت منفک از یکدیگر مورد بحث و

بررسی قرار گیرند، از ابتدا و با لحاظ حقوق ملت و حقوق عامه در ساختار و هندسه قدرت برخاسته از نظریه ولایت مطلقه فقیه، این پرسش مطرح می‌شود که «نسبت تعیین و تضمین حقوق ملت در ساختار قدرتی که مبنای آن بر «ولایت» استوار است، چیست؟» در این صورت، ابتدا با طراحی خرده‌نظام مربوط به حقوق ملت در کلان-نظام ولایت مطلقه فقیه، نه تنها جایگاه حقوق ملت مشخص می‌شود بلکه نحوه تضمین و تأمین آنها نیز روشن و مشخص خواهد شد.

در انتهای این جلسه نیز استاد محترم، ضمن طرح سؤالاتی، مخاطبان را به تأمل پیرامون موضوعات جلسات آتی از جمله «حجیت و اعتبار فقهی أخذ نظرات سایر مجتهدین در طراحی هندسه قدرت» و «توسعه قلمرو اعمال قدرت فقیه» فراخواندند.

سومین نشست هوش مصنوعی و حقوق اساسی؛

هوش مصنوعی در مسیر قانون گذاری: از خلاقیت در تدوین تارفع چالش های تقنینی

سومین جلسه از سلسله جلسات هوش مصنوعی و حقوق اساسی با محوریت هوش مصنوعی و قانون گذاری، ۲۳ مهرماه در پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد. در این نشست که با حضور دکتر مهرنوش ابوذری عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، دکتر زهرا تخشید استادیار دانشگاه دنور و عضو مؤسسه برکمن کلاین دانشگاه هاروارد برای اینترنت و جامعه و آقای ایمان اکبری پژوهشگر دفتر مطالعات حکمرانی مرکز پژوهش های مجلس برگزار گردید به قابلیت ها، چالش ها و زیرساخت های بایسته استفاده از هوش مصنوعی در فرایند قانون گذاری و چشم انداز آن پرداخته شد.

دکتر زهرا تخشید در مقدمه بحث خود به مفهوم هوش مصنوعی و ابعاد پیچیده آن اشاره کرد و اینکه باتوجه به تغییر مفهوم هوش





طبیعی دانست. ChatGPT به عنوان یکی از پرکاربردترین سامانه‌های هوش مصنوعی از جمله مصادیق مدل‌های زبانی بزرگ هستند. حرف «T» در عنوان این سامانه اشاره به مفهوم «Transformer» دارد که برای نخستین بار توسط شرکت Google Brain طراحی و معرفی شد. این مفهوم و فناوری امکان‌های مختلفی را فراروی کاربران می‌گذاشت از جمله اینکه براساس این فناوری ماشین می‌توانست گزاره‌ها را در سیاق و زمینه خاص درک کند. وی در زمینه چرایی اینکه صرفاً برخی کشورها توانسته‌اند به این مدل‌های زبانی دست پیدا کنند، آن را ناشی از فقدان زیرساخت‌های پردازشی بزرگ دانست که هزینه دسترسی به آن‌ها بسیار بالا بوده و عملاً این شرکت‌های بزرگ هستند که می‌توانند این زیرساخت‌ها را فراهم آورند. با توجه به اهمیت و ضرورت این زیرساخت‌ها و همچنین سرعت بالای تحولات در این حوزه می‌بایست تدابیر

مصنوعی در طول زمان بهتر است کمتر به تعریف هوش مصنوعی پرداخته و بیشتر به کاربردهای آن بپردازیم. به زعم وی از همین روست که اسناد حقوقی که در این زمینه تدوین می‌شوند کمتر به تعریف هوش مصنوعی می‌پردازند؛ هر چند در برخی از اسناد نیز تعریف هوش مصنوعی طرح شده است. وی همچنین افزود که در تعریف هوش مصنوعی می‌توان به مفهوم خودکارسازی و اتوماسیون توسل جست و ابزارهایی که چنین کارکردی را ارائه می‌دهند واجد وصف هوشمندی دانست. از نگاه ایشان اما توسل به این مفهوم در دوران ظهور هوش مصنوعی مولد دیگر کافی نیست، چرا که با ظهور این نسل از هوش مصنوعی قابلیت خلاقیت نیز برخلاف نسل‌های قبلی به مجموع قابلیت‌های هوش مصنوعی افزوده شده است.

استادیار دانشگاه دنور در بیان زیرساخت‌های هوش مصنوعی به مفهوم پردازش زبان طبیعی (NLP) اشاره کرد و اینکه این حوزه موضوعی ذیل رشته هوش مصنوعی امکان تعامل انسان و ماشین از طریق زبان انسانی را فراهم کرده است. تا پیش از این تعامل انسان و ماشین از طریق زبان‌های خاصی همچون پایتون و C+ برقرار می‌شد و به تعبیری زبان انسانی ملاک تعاملات انسان و ماشین نبود. در زمینه تعامل انسان و ماشین از طریق زبان انسانی، مدل‌های زبانی بزرگ (LLM) نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند که می‌توان آن‌ها را محصول پردازش زبان

مناسبی در این زمینه اندیشیده شود تا فاصله زیرساخت‌های موجود در کشور با کشورهای پیشرفته‌تر در این زمینه ثابت باقی بماند. تخشید در باب قابلیت‌های هوش مصنوعی در باب قانون‌گذاری به قابلیت‌هایی همچون تحقیقات مقدماتی برای تهیه پیش‌نویس‌های قانون اشاره کردند و اینکه استفاده از این سامانه‌ها تا اندازه بسیاری در هزینه‌های مالی و زمانی می‌تواند موجب صرفه‌جویی شود. البته استفاده از این سامانه‌ها چالش‌هایی دارد از جمله ناقص بودن این سامانه‌هاست که موجب ارائه اطلاعات یا محتواهای غلط یا توهم‌آلود می‌شود. چالش دیگر نقض حریم خصوصی است که خصوصاً در مورد استفاده از هوش مصنوعی برای افکارسنجی یا تعامل با مردم مصداق دارد.

در ادامه جلسه دکتر مهنوش ابوذری به ارائه نکات خود پرداخت. از نظر ایشان هوش مصنوعی می‌تواند در مراحل مختلف اعمال کارکرد تقنین از جمله مرحله نیازسنجی و تهیه و تصویب قوانین، تنقیح قوانین مصوب و همچنین نظارت بر اجرای این قوانین یاری‌رسان باشد. یکی از چالش‌های نظام حقوقی ایران قوانین متروک است و این مهم ضرورت نیازسنجی را بیش‌ازپیش برجسته می‌کند. در باب نیازسنجی یکی از نکات ضروری در اختیار داشتن منابع داده و قدرت پردازش بالاست که این مهم از حدود توانایی عامل انسانی خارج بوده و در این زمینه هوش مصنوعی می‌تواند نقش‌آفرینی مؤثر داشته باشد. هوش مصنوعی در این زمینه می‌تواند با تجمیع و تحلیل داده‌های مختلف راجع به نظرات و ایده‌های مطرح شده در سطح جامعه انتظارات عمومی را استخراج کرده و جاذبه و دافعه مصوبات را با توجه به این داده‌ها

ارزیابی و پیش‌بینی کند. عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران در ادامه به کاربرد هوش مصنوعی در مورد همانندجویی و تنقیح قوانین اشاره کرد که انجام آن توسط عامل انسانی - خصوصاً در نظام‌های حقوقی که درگیر چالش تورم قوانین هستند - بسیار دشوار است. از همین منظر هوش مصنوعی می‌تواند علاوه بر شناسایی شبکه قوانین و نسبت آنها با یکدیگر به حل چالش تورم قوانین نیز کمک کند؛ به این ترتیب که در مرحله تصویب قانون جدید، نسبت آن با قوانین سابق - از حیث تعیین ناسخ و منسوخ، تخصیص زننده یا تخصیص شده و یا قوانین متعارض - بررسی شده و وضعیت قانون سابق در صورت تصویب قانون جدید تعیین تکلیف شود.

ابوذری در ادامه به تعامل نظام حکمرانی با مقوله هوش مصنوعی پرداخت و اینکه بسیاری از کشورهایی که در حال حاضر از قابلیت‌های این فناوری استفاده می‌کنند بی‌محابا تحت تأثیر قابلیت‌های شگفت‌انگیز این فناوری هستند و کمتر راجع به چالش‌ها و پیامدهای منفی آن توجه داشته یا چاره‌اندیشی کرده‌اند. وی در ادامه به تعبیری اشاره کرد مبنی بر اینکه هوش مصنوعی خدمتگزاری وفادار و اربابی خطرناک است و شاید در حال حاضر از قابلیت‌های آن بهره کافی برده می‌شود؛ اما با توجه به سرعت بالای تحولات این حوزه و ابعاد چالش‌برانگیز آن باید احتیاط اندیشی و آمادگی کافی در نظر گرفته شود.

در ادامه جلسه جناب آقای ایمان اکبری به ابعاد مختلف استفاده از هوش مصنوعی در فرایند قانون‌گذاری پرداخت. وی ابتدا به فرایند قانون‌گذاری اشاره کرد؛ فرایندی که متشکل از مراحل مختلف از جمله مسئله‌یابی و تدوین



پژوهش‌های مجلس ارائه خود را با الزامات زیرساختی استفاده از هوش مصنوعی در قانون‌گذاری ادامه داد. از منظر وی داده از جمله الزامات اولی و مقدماتی برای هر هوش مصنوعی است چرا که یادگیری الگوریتم‌های هوش مصنوعی و ارائه پیشنهادها یا پیش‌بینی‌ها توسط آن براساس این داده‌ها انجام می‌شود. در بحث استفاده از هوش مصنوعی در قانون‌گذاری داده‌های یادشده خصوصاً قوانین و سیاست‌های بالادستی است که باید به‌صورت ماشین‌خوان تبدیل شود. همچنین چنان‌که گفته شد برای نیازسنجی باید کلان‌داده‌ها استخراج شوند و این مهم از طرق مختلف انجام می‌شود. برای مثال نهادهای فعال در فرایند قانون‌گذاری از جمله دولت و مجلس می‌توانند با برگزاری رویدادهای ایده‌پردازی از ظرفیت‌های خلاقانه فعالان عرصه هوش مصنوعی جهت تمهید زیرساخت‌های کلان‌داده استفاده کنند. فارغ از این، در مجموع نیاز به سرمایه‌گذاری کلان در این حوزه خصوصاً در بحث نگهداشت نیروی انسانی متخصص بسیار حائز اهمیت است.

طرح یا لایحه، بررسی شکلی در معاونت قوانین، بررسی و اصلاحات تخصصی در کمیسیون اصلی و فرعی، بررسی و اصلاح در صحن علنی مجلس و نظارت شورای نگهبان بر مصوبات یا در موارد نادر ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام که نهایتاً به قانونیت یافتن مصوبه مجلس خواهد انجامید. از نگاه وی هوش مصنوعی در هر یک از مراحل فوق می‌تواند نقش‌آفرینی جدی داشته و برای مثال با رصد فضای عمومی از طریق کلان‌داده‌ها و مجموعه قوانین موضوعه، خلأهای تقنینی را شناسایی کرده یا همچنین در مرحله دیگر می‌تواند ایرادات شکلی که طرح یا لایحه دارند ارزیابی کند. در این زمینه بازیگران مختلف از عموم نمایندگان مجلس تا معاونت قوانین و مرکز پژوهش‌های مجلس می‌توانند از امکان‌هایی که هوش مصنوعی فراهم می‌کند استفاده کنند. در حال حاضر آزمایشگاه حکمرانی مرکز پژوهش‌های مجلس طرح‌هایی را در زمینه استفاده از هوش مصنوعی در فرایندهای قانون‌گذاری دنبال می‌کند.

پژوهشگر دفتر مطالعات حکمرانی مرکز

در بیست و هفتمین نشست حکمرانی
از نظر تا عمل مطرح شد؛

حجت الاسلام مبلغی: وقتی بخشی از امت اسلامی مورد تعرض قرار گیرد، همه باید در برابر آن ایستادگی و مقاومت به خرج دهند

در این نشست حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی، نماینده مجلس خبرگان رهبری و استاد حوزه علمیه قم، ابتدا نسبت به مفهوم «امت» نکاتی را بیان داشتند و در ادامه، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حاکم برای امت‌سازی جهان اسلام را تشریح نموده و سپس جریان‌شناسی تقریبی مربوط به این حوزه را تبیین کردند. ایشان همچنین در بخشی از سخنان خود، نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در جغرافیای جهان اسلام به ویژه پس از عملیات طوفان الاقصی و جنایات رژیم غاصب صهیونیستی و تأثیر آن بر ملت‌های مسلمان را، مورد واکاوی قرار دادند.



بیست و هفتمین جلسه از سلسله نشست‌های تخصصی «حکمرانی از نظر تا عمل» با رویکرد ارزیابی و آسیب‌شناسی نظام حکمرانی ایران در دو حوزه «نظری» و «کارکردی» با موضوع «وضعیت حکمرانی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در قلمرو جهان اسلام با تأکید بر جریان‌شناسی گروه‌های اسلامی» در روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۸/۲۱ در پژوهشکده شورای نگهبان با حضور پژوهشگران این پژوهشکده برگزار شد.

۴. مؤلفه رشد و تعالی؛ در اسلام رشد و تعالی براساس توازن صورت می‌گیرد و این چیزی است که قرآن صراحتاً به آن اشاره داشته است که: «ما شما را امت وسط قرار دادیم». مثلاً وسطیتی میان دنیا و آخرت، مادیت و معنویت و وسطیت در امر سیاست و ... ایجاد تمدن اسلامی با ابتناء بر این مؤلفه شکل می‌گیرد.

۵. مؤلفه الگوافرینی؛ ما امتی هستیم که نمی‌توانیم درب‌های ارتباطمان را با امم دیگر ببینیم، بلکه برعکس امت اسلام بایستی الگوی نیکی برای امم دیگر باشد. مطابق این مؤلفه، امت اسلامی باید در همه حوزه‌ها به قدری توأمند شود و بدرخشد که تمدن‌ها و امم دیگر در قیاس با آن رنگ ببازد. این موضوع نیاز به ارتباط و تعامل امت اسلامی با امم دیگر دارد تا از این طریق، بتواند برای آن‌ها الگوافرینی کند. بهترین نمونه برای این الگوافرینی، پیام رهبر معظم انقلاب به دانشجویان و جوانان کشورهای غربی است.

۶. بایستی برای رسیدن به «هویت اسلامی» تلاش کرد؛ متأسفانه در حال مشکل این است ما هویت مذهبی داریم لکن برای رسیدن به هویت اسلامی اقدامی انجام نداده‌ایم و امت اسلامی، آن هویتی که شایسته و برآورنده او است را به دست نیاورده و تعلقی که مسلمانان باید نسبت به این هویت مشترک داشته باشند، ایجاد نشده است.

از اهم موارد مطرح شده در جلسه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) محورهای اصلی نظریه امت‌سازی:

۱. مؤلفه رفع اختلاف؛ که مطابق آن بایستی اختلافاتی که مانع وحدت و یکپارچگی نظام اسلامی می‌شود را حل و فصل کرد. به عبارتی با هر اختلافی که مانع وحدت امت اسلامی می‌شود مقابله کرد و درصدد برطرف نمودن آن اقدام نمود. تفاوتی نمی‌کند که این اختلاف در طرح مسلمانان باشد و یا دولت‌های اسلامی.

۲. مؤلفه ایجاد اخوت و برادری؛ صرف مسلمان بودن ملت‌های اسلامی کنار یکدیگر کافی نیست، باید در فضایی روشن و با نگاهی جامع مبتنی بر وفاق به دنبال راهکارهایی جهت اقدامات ایجابی برای رسیدن به نقاط مشترک عمل کرد.

۳. مؤلفه تمامیت؛ حکمرانی تقریب باید به تمامیت امت اندیشیده و در صورت تعرض به بخشی از آن، ایستادگی و دفاع از آن را برعهده گیرد تا از کلیت و استقلال امت در برابر تهدیدات صیانت نماید. تقریب مقاومتی و تقریب صیانتی از امت، از این مؤلفه برداشت می‌شود. یعنی امت اسلامی یک پیکره واحد است که وقتی بخشی از آن مورد صدمه و تعرض قرار گیرد، همه اجزاء باید نسبت مداوای آن اقدام کنند و در برای تعرض ایستادگی و مقاومت به خرج دهند.



ب) جریان‌شناسی تقریبی در راستای امت‌سازی

۳. تقریب فرهنگی، سیاسی و اجتماعی که سردرمدار آن نظام جمهوری اسلامی ایران است و به دنبال ایجاد یک همگرایی همه‌جانبه در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در کشورهای اسلامی می‌باشد.

۴. تقریب مقاومتی که امروزه خیلی نموده پیدا کرده و یک شق جدیدی از جریان شناسی تقریبی است و گروه‌های اسلامی و کشورهای اسلامی در حال جذب به آن هستند. هدف کشورهایی که دارای تقریب مقاومتی هستند، ایجاد یک محور مقاومت میان کشورهای اسلامی و مقابله با مصادیق ظلم و استکبار در جهان اسلام است. در حال حاضر، با توجه به وقایعی که در کشورهای لبنان و فلسطین اتفاق افتاده، این جریان تقریبی نمود زیادی در میان ملل اسلامی داشته است.

۱. در حال حاضر میان برخی از کشورها در جهان اسلام، «تقریب سیاسی» وجود دارد و هدف آن ایجاد همگرایی میان دولت‌های اسلامی و تلاش برای رسیدن به اهداف سیاسی مشترک میان کشورهای اسلامی است؛ مثلاً ترکیه یکی از کشورهایی است که به دنبال تحقق این نوع تقریب در جهان اسلام می‌باشد.

۲. میان برخی از کشورها «تقریب فقهی» وجود دارد که هدف از آن، تحقیق و پژوهش برای رسیدن به مواضع فقهی مشترک میان مذاهب و گروه‌های مختلف اسلامی است. بهترین نمونه برای این مصداق تقریب، مجمع فقهی جده است.

در نشست بررسی آزادی مطبوعات در قانون
اساسی جمهوری اسلامی ایران مطرح شد:

غفاری: آزادی مطبوعات در هیچ نظام حقوقی مطلق نیست / طباطبایی: مقام معظم رهبری مهمترین حامی آزادی مطبوعات هستند

سومین نشست از سلسله جلسات «خانه ملی گفت‌وگوی حقوق اساسی» با موضوع «آزادی مطبوعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» عصر دوشنبه ۳۰ مهرماه در پژوهشکده شورای نگهبان با حضور و سخنرانی دکتر عبدالله گنجی، مدرس دانشگاه و مدیر مسئول سابق روزنامه جوان؛ دکتر هدی غفاری، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) و سید شهاب‌الدین طباطبایی، عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت، برگزار شد.

دکتر غفاری در این نشست با اشاره به نقش بی‌بدیل مطبوعات در شفافیت و پاسخگویی مسئولان، گفت: آزادی مطبوعات در هیچ یک از نظام‌های حقوقی مطلق نیست و در همه کشورها به تناسب چهارچوب آن کشور، محدودیت‌هایی دارد. اساساً دولت‌ها باید از تعرضات مطبوعات به حقوق شهروندان جلوگیری کنند که این مهم با آزادی مطلق ممکن نیست.



در غرب دنبال می‌کند. این مدرس دانشگاه با اشاره به اینکه عدم نظارت بر عملکرد مطبوعات در برخی ادوار موجب شده بود که حتی برخی از رسانه‌ها دست به توهین به اسلام بزنند، تأکید کرد: در سایر نظام‌های حقوقی نه تنها آزادی رسانه مطلق نیست، بلکه حتی در برخی موارد متناسب با اقتضائات و شرایط هر دوره، استانداردهای متفاوتی اعمال می‌شود، مثلاً به گواه خبرنگاران رسانه‌های غربی، مقامات رژیم صهیونیستی در ایام اخیر اعلام هرگونه خبر از اصابت موشک‌های ایرانی در سرزمین‌های اشغالی را ممنوع کرده‌اند و این در حالی است که در ماه‌های گذشته، مسئولان این رژیم حتی برخی از خبرنگاران وابسته به خودشان را به پایگاه‌های نظامی این کشور می‌بردند تا قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران را ضعیف نشان دهند.

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) در ادامه در خصوص قید «عدم اخلاق به مبانی اسلام و حقوق عمومی» در اصل ۲۴ قانون اساسی در خصوص آزادی مطبوعات، خاطرنشان کرد: اساساً در حوزه آزادی بیان در اسلام مستندات بسیاری وجود دارد و قطعاً این مهم در اسلام به رسمیت شناخته شده است. مسئله اخلاق به مبانی اسلام در اصل ۲۴ قانون اساسی را اینطور می‌توان ارزیابی کرد که بیان مطالب برای تضعیف اعتقاد شهروندان و توهین به مقدسات ممنوع است. دکتر گنجی سخنران بعدی این نشست بود که با تأکید بر این نکته که اساساً پدیده رسانه مربوط به دوره مدرن است گفت: ما باید در نظر داشته باشیم که در جمهوری اسلامی ایران متناسب با فرهنگ و عرف کشور، خوانش بومی از رسانه داریم و باید به این خوانش توجه داشته باشیم و نه آن معنایی که رسانه





در کشور ما مقام معظم رهبری مهمترین حامی آزادی مطبوعات هستند، گفت: سه روزنامه رسمی در کشور ما یعنی روزنامه اطلاعات، کیهان و جمهوری اسلامی، تحت نظر مقام معظم رهبری فعالیت می‌کنند که هر کدام نگاه متفاوتی را نمایندگی می‌کند. ما هیچگاه سراغ نداریم که از سوی مقام معظم رهبری به این روزنامه‌ها برای تغییر مسیرشان نکته‌ای مطرح شود.

طباطبایی همچنین رویکرد قوه قضاییه در دوره جدید در خصوص مطبوعات را مطلوب دانست و نظارت رئیس قوه قضاییه در این خصوص را سازنده و متضمن آزادی مطبوعات تعریف کرد.

در ادامه نشست، حاضرین نظرات و سؤالات خود را نسبت به مطالب مطرح شده در نشست مطرح کردند و سخنرانان نشست نیز به سؤالات مطرح شده پاسخ دادند.

در ادامه این نشست سید شهاب‌الدین طباطبایی با تاکید بر اینکه قانون اساسی محور وحدت و وفاق ماست، گفت: فصل سوم قانون اساسی در خصوص حقوق ملت، بسیار فصل مهم و جذابی است که یکی از اصول آن در خصوص آزادی مطبوعات است.

عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت با اشاره به تغییرات رسانه در عصر حاضر اظهار کرد: اکنون ما پدیده‌ای با عنوان «انسان رسانه» داریم که در شبکه‌های اجتماعی بسیار مخاطب دارند و چه بسا از مطبوعات رسمی نیز بیشتر دیده شود. اساساً با ظهور فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی و اینترنت، فضای رسانه با پیش از این تفاوت مبنایی داشته است، ولی متأسفانه قانون مطبوعات که دهه‌ها قبل و پیش از همه‌گیری این فناوری‌ها تدوین شده، متناسب با آنها تغییر نکرده است.

عضو شورای اطلاع‌رسانی با اشاره به اینکه



کرسی نظریه پردازی، نقد و مناظره با موضوع «تفسیر و اجتهاد در قانون اساسی؛ اتمیک یا سیستماتیک؟» با ارائه علیرضا نصرالهی، پژوهشگر دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران و نقد دکتر سید محمد حسین کاظمینی، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و دکتر حامد نیکونهاد، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی روز یکشنبه ۱۳ آبان ماه ۱۴۰۳ به همت پژوهشکده شورای نگهبان و انجمن علمی حقوق

تفسیر و اجتهاد در قانون اساسی؛ اتمیک یا سیستماتیک؟

دانشگاه تهران در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد. در ابتدای جلسه، ارائه دهنده کرسی با طرح مبادی بحث به ضرورت توجه به نقش مدل‌های تفسیری در برداشت و استنباط پرداخت. در این راستا، علیرضا نصرالهی بیان داشت: «هر چند در خصوص تفسیر حقوقی، تحقیقات ارزشمند و قابل استفاده‌ای صورت گرفته، اما کشف مدل تفسیری معتبر با توجه به الزامات قانون اساسی ۱۳۵۸ جمهوری اسلامی، نوآوری تحقیق حاضر است که البته موضوع جلسه یعنی تحلیل تفسیر و اجتهاد در سطح و از حیث اتمیک یا سیستماتیک بودن است.» وی در محور بعدی در تحلیل چارچوب تحلیلی، حاضر نشان شد، تجربیات و آثار حقوقی اخذ هر یک از دو نگرش جزءنگر سیستمی یا فقه موضوعات- نظام در مواجهه با قواعد و نهادهای حقوقی مانند مشروطیت و بانک در بستر تاریخ و جامعه ایران پیامدهایی را داشته و این امر البته منحصر به نظام حقوقی ایران نبوده و در مناظرات موسوم به بحث هارت و دورکین و نظریات حقوق بین‌الملل نیز بازتاب داشته

است.

در این راستا وی بیان داشت، البته جایگاهی که در رویکردهای اصلی تفسیر برای تفسیر سیستماتیک میتوان متصور شد، پای بندی همزمان به متن و در عین حال، توجه به رهیافت‌های کلان است که با دو استاندارد هماهنگی بافتی و توجه به اصول کلی، قابل سنجش و امتداد است. در بخش آخر، ارائه دهنده در پرتوی الزامات قانون و حقوق اساسی به لزوم نگرش سیستمی با توجه به ظرفیت‌های و استلزامات موجود اشاره و نمونه‌هایی از دادرسان اساسی آلمان و هند را ذکر کرد.

در ادامه، دکتر نیکونهاد (عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی) و دکتر کاظمینی (عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران) با طرح سؤالات و نکاتی به بررسی و نقد تحقیق صورت گرفته پرداختند. در انتها، حاضرین جلسه، نظرات و پرسش‌های خود را نسبت به مطالب طرح شده در جلسه مطرح کردند و ارائه دهنده و ناقدین به سؤالات ایشان پاسخ دادند.



پژوهشکده شورای نگهبان، طرح پژوهشی «تحول در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» را با هدف بازخوانی موضوعی مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (مصوب سال ۱۳۵۸) و شورای بازنگری قانون اساسی (مصوب سال ۱۳۶۸)، با رویکرد احیای ظرفیت‌های تحول در حقوق اساسی و اجرای صحیح قانون اساسی، در قالب سلسله نشست‌هایی طراحی نموده است که دستاوردهای آن با برگزاری بیش از ۵۰ جلسه رسمی از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا به

بازخوانی اصول قانون اساسی در پژوهشکده شورای نگهبان

در پنجاهمین جلسه که با محوریت اصول ۱۴۱ و ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۲۲ و ۱۲۴ قانون اساسی در روز یکشنبه ۱۳ آبان ماه ۱۴۰۳ در پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد، پژوهشگران به ارائه دیدگاه‌های خود پیرامون مسائلی چون «رسیدگی به اموال مقامات»، «ریاست قوه مجریه»، «سوگند رئیس جمهور»، «مسئولیت رئیس جمهور»، «ضوابط حقوقی حاکم بر معاونان رئیس جمهور» و همچنین نقد و تحلیل نظرات یکدیگر پرداختند.

در پنجاه و یکمین جلسه نیز که با محوریت اصول ۱۲۷ و ۱۲۸ قانون اساسی در روز یکشنبه ۲۷ آبان ماه ۱۴۰۳ در پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد، پژوهشگران به ارائه دیدگاه‌های خود پیرامون مسائلی چون «الزامات حقوقی بهره‌مندی از نهاد نماینده ویژه رئیس جمهور»، «امکان‌سنجی اساسی‌سازی نحوه تعیین و حدود اختیارات استانداران»، «ابعاد مختلف نحوه تعیین سفیران» و همچنین نقد و تحلیل نظرات یکدیگر پرداختند.

گفتنی است ارتقای نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، احصای ظرفیت‌های مغفول قانون اساسی و ارائه راهکارهای تحولی در خصوص آن، مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی رهبر معظم انقلاب، از اهداف اصلی سلسله نشست‌های تحول در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

امروز، پیش روی اندیشمندان و پژوهشگران قرار خواهد گرفت.

روش اجرای طرح نیز بدین صورت است که پس از تقسیم‌بندی موضوعی قانون اساسی، ابتدا محتوای مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی و شورای بازنگری توسط اعضای جلسه مطالعه می‌شود و سپس در حین برگزاری جلسه، هر کدام از اعضاء نظرات خود را در خصوص «ارزیابی و آسیب‌شناسی نقاط قوت و ضعف محتوای اصول»، «سابقه اجرای اصول از ابتدا تا کنون» و نیز «ارزیابی چالش‌ها و فرصت‌های اجرای اصول مذکور و لوازم اجرای آن» مطرح می‌نمایند. در یکماه اخیر نیز سه جلسه از این سلسله نشست‌ها برگزار شده است.

در چهل و نهمین جلسه بازخوانی مشروح مذاکرات قانون اساسی که با محوریت اصول ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ قانون اساسی در روز یکشنبه ۲۹ مهرماه ۱۴۰۳ با حضور جمعی از پژوهشگران در پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد، پژوهشگران به ارائه دیدگاه‌های خود پیرامون مسائلی چون «ضوابط حاکم بر عزل وزرا و اخذ رأی اعتماد ایشان»، «مسئولیت ناشی از فعل دیگری در هیئت وزیران»، «ضوابط مقررگذاری در قوه مجریه»، «داوری اموال دولتی و عمومی»، «رسیدگی به اتهامات مقامات قوه مجریه» و همچنین نقد و تحلیل نظرات یکدیگر پرداختند.



پرونده ویژه:

عرصه قدرت؛ جدال بر سر کاخ سفید

استاد دانشگاه کالیفرنیا؛

شهروندان آمریکا در انتخاب رئیس جمهور

نقش فرعی دارند



مصاحبه گر:
جواد عرب شیرازی

مستعمرات آن زمان) پیش بینی کرده بودند، مجمع گزینندگان برای صیانت از منافع اقلیتی آنها (یعنی مالکیت خصوصی) در برابر «حکومت اوباش» (یعنی حکومت توسط طبقه عادی) ضروری بود. آن‌ها از «حق رأی مردم سالارانه» {به گونه‌ای که همه افراد جامعه حق رأی داشته باشند} بسیار هراس داشتند، همان طور که طبقه ثروتمند امروزی ایالات متحده آمریکا از این موضوع بسیار می‌ترسد».

وی ادامه داد: «از این رو، هر تلاشی برای پایان دادن به مجمع گزینندگان (و تبدیل نظام انتخاباتی ایالات متحده آمریکا به یک نظام واقعاً مردم سالارانه) بدون یک انقلاب تمام عیار بی‌شک شکست خواهد خورد؛ این بدین معناست که نقش شهروندان ایالات متحده آمریکا در انتخاب رئیس جمهور، در مقایسه با قدرت طبقه سرمایه‌دار، فرعی و ثانویه باقی می‌ماند».

متن کامل گفت و گو با این استاد حقوق سیاسی را در ادامه می‌خوانید.



«بوگراسکاپ» استاد بازنشسته علوم سیاسی دانشگاه کالیفرنیا در مصاحبه‌ای اختصاصی با پژوهشکده شورای نگهبان به نقش شهروندان آمریکایی در انتخاب رئیس جمهور این کشور اشاره کرد و اظهار داشت: «همان طور که پدران بنیانگذار (یعنی ۵۵ نفر از ثروتمندترین مردان

توسط طبقه عادی) ضروری بود. آن‌ها از «حق رأی مردم سالارانه» (به گونه‌ای که همه افراد جامعه حق رأی داشته باشند) بسیار هراس داشتند، همان طور که طبقه ثروتمند امروزی ایالات متحده آمریکا از این موضوع بسیار می‌ترسد. از این رو، هر تلاشی برای پایان دادن به مجمع‌گزینندگان (و تبدیل نظام انتخاباتی ایالات متحده آمریکا به یک نظام واقعاً مردم سالارانه) بدون یک انقلاب تمام عیار بی‌شک شکست خواهد خورد؛ این بدین معناست که نقش شهروندان ایالات متحده آمریکا در انتخاب رئیس‌جمهور، در مقایسه با قدرت طبقه سرمایه‌دار، فرعی و ثانویه باقی می‌ماند.

پرسش: چرا نامزدهای احزاب سوم در نظام سیاسی آمریکا همیشه شکست خورده‌اند؟ لطفاً توضیح دهید.

پاسخ: تعدادی موانع ساختاری وجود دارد که از انحصار دوحزبی در برابر نامزدهای سوم صیانت می‌کند. این موانع آن قدر زیادند که نمی‌توان به همه آن‌ها اشاره کرد؛ با این حال، مهم‌ترین مانع، خود نظام انتخاباتی «همه مال برنده» است؛ این نظام انتخاباتی، برخلاف نظام‌های «نماینده‌گویی تناسبی» در مردم سالاری‌های اروپا، سلطه و غلبه دو حزب اصلی را تضمین می‌کند و باعث حذف نامزدهای احزاب سوم می‌شود. عوامل یا موانع دیگر عبارت‌اند از: (۱) کمیسیون فدرال انتخابات؛ (۲) شرایط و صلاحیت‌های گروه‌های خصوصی برای تأمین مالی؛ (۳) {عدم دعوت برای} حضور در مناظره‌ها؛ (۴) همکاری آشکار و نهادی دو حزب اصلی علیه احزاب سوم. تنها استثنای ممکن احزاب سومی هستند که تأمین مالی آنها بر عهده خود نامزدهایشان باشد. با این حال، حتی در آن صورت نیز، این نامزدها مجبورند در قالب نظامی که پیش‌تر اشاره کردیم بازی کنند که به نفع دو حزب اصلی و تثبیت شده دستکاری {یا به عبارتی مهندسی} شده است.

پرسش: سیاست‌مداران ایالات متحده آمریکا به سرمایه‌داران بزرگی احساس دین دارند که هزینه‌های انتخابات را برایشان تأمین می‌کنند نه به رأی‌دهندگان. همان طور که استحضار دارید، آمریکا از طریق رسانه‌های جمعی خود را «رهبر جهان در مردم سالاری» خوانده است. آیا نظام انتخاباتی ایالات متحده آمریکا مردم سالارانه است؟ عناصر یا مؤلفه‌های اصلی یک نظام انتخاباتی مردم سالارانه کدام‌اند؟ لطفاً توضیح دهید.

پاسخ: نظام‌های انتخاباتی مردم سالار بر اساس {اصل} «حکومت توسط مردم عادی» بنا شده‌اند که یعنی هر فرد، یک رأی دارد. نظام فدرال ایالات متحده آمریکا نیز دو بخش دارد: یک بخش «آرای عمومی» است که مردم سالارانه بوده و دیگری «مجمع‌گزینندگان» است که رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کند و مردم سالارانه نیست. {با این حال،} در سطح ایالتی و محلی، نظام انتخاباتی مردم سالارانه است، زیرا آرای عمومی تعیین‌کننده برنده هستند.

پرسش: رؤسای جمهور آمریکا با رأی مردم برگزیده نمی‌شوند، بلکه طی فرایندی از سوی گروهی منتخب به نام «مجمع‌گزینندگان» انتخاب می‌گردند. این نظام {انتخاباتی} در سال ۱۷۸۷ ابداع شد تا ایالت‌های پراکنده این کشور که هر کدام دستور کار خاص خود را دنبال می‌کردند گرد هم آورده شوند. اما آیا این نظام انتخاباتی برای انتخابات ریاست جمهوری در سده بیست و یکم مناسب است؟ با در نظر گرفتن نظام انتخاباتی مبتنی بر «مجمع‌گزینندگان»، نقش مردم آمریکا را در چشم‌انداز سیاسی کشورشان چگونه می‌بینید؟

پاسخ: همان طور که پدران بنیانگذار (یعنی ۵۵ نفر از ثروتمندترین مردان مستعمرات آن زمان) پیش‌بینی کرده بودند، مجمع‌گزینندگان برای صیانت از منافع اقلیتی آنها (یعنی مالکیت خصوصی) در برابر «حکومت اوباش» (یعنی حکومت

نقش «مردم» در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا



محمد شکوهی فر
دانشجوی دکتری مطالعات آمریکای شمالی

در آن دوره، مردمان هیچ کشوری حاکم خود را مستقیماً بر نمی‌گزیدند و پدران بنیان‌گذار الگویی در دست نداشتند. افزون بر این، ترس و بی‌اعتمادی شدید آنها به رئیس دستگاه اجرایی پیچیدگی کار طراحی را دوچندان کرده بود؛ ملت نوپای آمریکا به‌تازگی از زیر سلطه یک پادشاه ستمگر و استعمارگر بریتانیایی خارج شده بود و پدران بنیان‌گذار نمی‌خواستند مستبد دیگری را بر تخت فرمان‌روایی بنشانند. برای انتخاب رئیس‌جمهور، دو پیشنهاد کلی مطرح بود: (۱) کنگره رئیس‌جمهور را انتخاب کند؛ (۲) مردم با رأی مستقیم رئیس‌جمهور را برگزینند. پیشنهاد نخست به دلیل هراس پدران بنیان‌گذار از تباری دستگاه قانون‌گذار و اجرایی کنار نهاده شد. از سوی دیگر، آن‌ها انتخاب رئیس‌جمهور با رأی مستقیم مردم را نیز راه‌چاره نمی‌دانستند. به‌گمان آنها رأی‌دهندگان سده هجدهمی آمریکا، به‌ویژه در مناطق روستایی، آگاهی لازم را برای انتخاب رئیس‌جمهور نداشتند و می‌ترسیدند که «حکومت عوام» کشور را به بیراهه بکشاند. همچنین، رئیس‌جمهوری عوام‌گرا که مستقیماً با رأی مردم انتخاب



انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا رویداد پرحاشیه‌ای است که هر چهار سال یک بار، توجه دیدگان بسیاری از مردم جهان را به خود جلب می‌کند؛ با این حال، بسیاری از چندوچون آن اطلاعی ندارند. در این یادداشت، برآنیم که این انتخابات را اجمالاً معرفی کنیم. طراحان این انتخابات پدران بنیان‌گذار بودند؛ ۵۵ نفر از ثروتمندترین مردان مستعمرات آن زمان که قانون اساسی این کشور را نگاشتند.



را نمی‌پذیرند. برای جلب رضایت ایالت‌های برده‌دار، اصل «سه‌پنجم» مطرح گردید. پدران بنیان‌گذار تصمیم گرفتند که در محاسبه تعداد گزینندگان هر ایالت، صرفاً سه‌پنجم جمعیت بردگان را در نظر بگیرند. سرانجام، تعداد گزینندگان هر ایالت برابر با تعداد نمایندگان آنها در هر دو مجلس کنگره، یعنی سنا و نمایندگان، تعیین شد. گفتنی است که هر یک از ایالت‌های این کشور دو سناتور در مجلس سنا دارند و تعداد نمایندگانشان در مجلس نمایندگان نیز متناسب با آمار سرشماری جمعیت است که هر ده سال انجام می‌شود. بنابراین، سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را گزینندگان ایالتی تعیین می‌کنند، نه مردم. از آنجایی که در سال ۱۷۸۷ هیچ حزبی به معنای امروزی وجود نداشت، پدران بنیان‌گذار گمان می‌بردند که گزینندگان ایالتی به نمایندگی از عوام ناآگاه بر اساس صلاحدید خودشان به فردی شایسته برای اشغال کرسی ریاست جمهوری رأی می‌دهند، نه بر اساس دیکته حزب یا مقامات! با این حال، امروزه، بیشتر گزینندگان به نامزد حزب خود رأی می‌دهند، هرچند که قانون اساسی در این مورد الزامی ندارد.

می‌شد می‌توانست از قدرت فوق‌العاده زیادش در راستای اهداف شوم بهره بگیرد. پس از بحث‌های طولانی، پیشنهاد سوم مطرح گردید که برآیند دو پیشنهاد پیشین بود و رضایت اکثریت را کسب کرد. بنا بر این شد که افرادی به نام «گزینندگان» از سوی هر ایالت منصوب شوند تا به نمایندگی از مردم رأی خود را به صندوق بیندازند و رئیس‌جمهور را برگزینند. اما این راه‌حل نیز چالش جدیدی با خود به همراه آورد: معیار تعیین تعداد نمایندگان هر ایالت برای انتخاب رئیس‌جمهور چه باید باشد؟ معیار «جمعیت هر ایالت»، به دلیل رواج نامتوازن برده‌داری در ایالت‌های این کشور، مطلوب همه پدران بنیان‌گذار نبود. ایالت‌های شمالی که برده‌های زیادی نداشتند خواهان حذف جمعیت بردگان برای تعیین تعداد نمایندگان بودند؛ اما در سال ۱۷۸۷، تقریباً چهل درصد جمعیت ایالت‌های جنوبی این کشور را برده‌های سیاه‌پوست آفریقایی تشکیل می‌دادند که حق رأی نداشتند. جیمز مدیسون که ویرجینیا را نمایندگی می‌کرد و شصت درصد جمعیت ایالتش برده بودند نیک می‌دانست که نمایندگان ایالت‌های جنوبی معیار «جمعیت سفیدپوست هر ایالت»

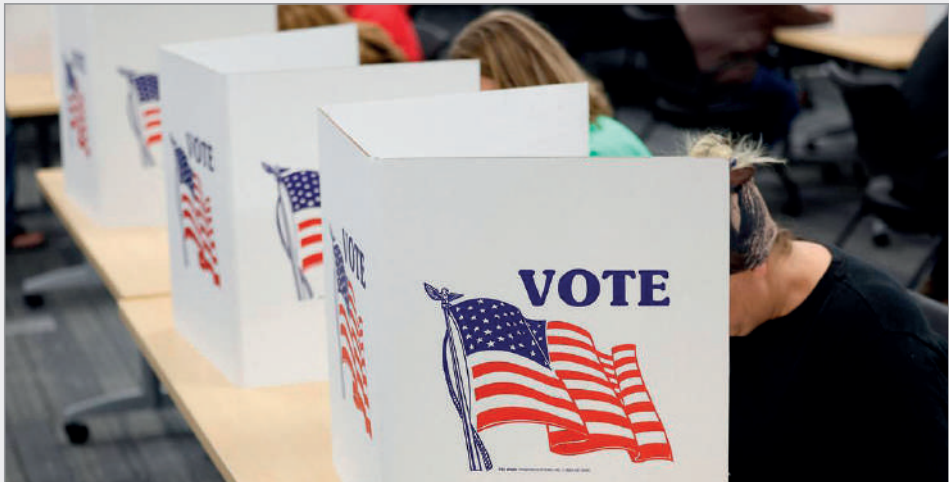
روند انتخاب نامزد نهایی حزب ایفای نقش کنند. سرانجام، نامزد نهایی هر حزب، با رأی بیش از نیمی از نمایندگان، برگزیده شده و وارد رقابت‌های انتخابات سراسری می‌شود. پس از برگزاری مناظره‌ها و تبلیغات انتخاباتی، موعد برگزاری انتخابات سراسری فرا می‌رسد که در روز سه‌شنبه پس از نخستین دوشنبه ماه نوامبر برگزار می‌گردد. در روز انتخابات، شهروندانی که دست‌کم ۱۸ سال دارند و ثبت‌نام کرده‌اند مجازند تا رأی خود را به صندوق بیندازند. با این حال، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، رأی مردم برنده نهایی را مشخص نمی‌کند. تاکنون، پنج رئیس‌جمهور آمریکا با رأی مردمی کمتر و صرفاً با رأی گزینندگان به کرسی ریاست جمهوری دست یافته‌اند: آخرین مورد آنها «دونالد جان ترامپ» بود. رأی شهروندان صرفاً مشخص می‌کند که چه تعداد گزیننده به هر نامزد اختصاص می‌یابد. سپس، این گزینندگان که تعدادشان هم‌اکنون ۵۳۸ نفر است رئیس‌جمهور و معاون اول وی را برمی‌گزینند. قانون اساسی ایالات متحده آمریکا درباره چگونگی تخصیص آرای گزینندگان هر ایالت به نامزدها سکوت اختیار کرده است؛ از این رو، گزینندگان همه ایالت‌ها، به جز ایالت‌های مین و نبراسکا، آرای خود را به نفع نامزدی به صندوق می‌اندازند که در انتخابات سراسری بیشترین رأی را کسب کرده است. بنابراین، نامزد پیروز در هر ایالت همه آرای گزینندگان آن ایالت را به خود اختصاص می‌دهد. اگر گزینندگان طبق نتایج انتخابات سراسری رأی ندهند، بسته به قوانین هر ایالت، ممکن است با عواقب سنگینی همچون پیگرد قضایی مواجه شوند. سرانجام، آن نامزدی که بتواند ۲۷۰ رأی از ۵۳۸ رأی مجمع گزینندگان را کسب کند، پیروز انتخابات ریاست جمهوری

قانون اساسی ایالات متحده آمریکا سه ویژگی را برای نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری لحاظ کرده است: در خاک ایالات متحده آمریکا به دنیا آمده باشند؛ دست‌کم ۳۵ سال داشته باشند؛ و دست‌کم ۱۴ سال ساکن این کشور بوده باشند. از این رو، هر شهروندی که سه شرط بالا را داشته باشد می‌تواند اعلام نامزدی بکند. با این حال، در عمل هرکسی نمی‌تواند وارد گردونه این رقابت شود، زیرا این احزاب سیاسی هستند که نامزدهای مورد نظرشان را انتخاب و معرفی می‌کنند. معمولاً، آن نامزدهایی می‌توانند تأییدیه حزب را دریافت کنند که سابقه سناتوری یا فرمانداری در کارنامه خود دارند و قادرند سرمایه‌های هنگفتی برای انتخابات جذب کنند؛ زیرا در بیشتر مواقع، آن نامزدی به پیروزی دست می‌یابد که هزینه بیشتری متقبل شده است. پس از اینکه اشخاص سیاسی اعلام نامزدی کردند، نوبت به برگزاری انتخابات مقدماتی می‌رسد که شیوه و روز برگزاری آن بسته به قوانین هر ایالت متفاوت است. در این انتخابات، صرفاً کسانی می‌توانند رأی بدهند که از پیش ثبت‌نام کرده باشند؛ چند و چون ثبت‌نام و شرایط رأی‌دهندگان به قوانین هر ایالت بستگی دارد. در روز برگزاری انتخابات مقدماتی، مردم ظاهراً به نامزد مورد نظر خود رأی می‌دهند، اما در عمل، نمایندگان حزب خود را برمی‌گزینند که «دلگت» خوانده می‌شوند. این نمایندگان نیز معمولاً در کنوانسیون‌های ملی (انتخابات درون حزبی) به نامزد برگزیده مردم رأی می‌دهند. البته، در این کنوانسیون‌ها شاهد حضور افرادی به نام ابرنماینده یا «سوپر دلگت» نیز هستیم که سهمی تقریباً ۲۰ درصدی از آمار کل نمایندگان را به خود اختصاص می‌دهند و می‌توانند در

برای صیانت از منافع اقلیتی آنها (یعنی مالکیت خصوصی) در برابر «حکومت عوام» ضروری بود. آن‌ها از «حق رأی مردم‌سالارانه» به‌گونه‌ای که همه افراد جامعه حق رأی داشته باشند بسیار هراس داشتند، همان‌طور که طبقه ثروتمند امروزی ایالات متحده آمریکا نیز از این موضوع بسیار می‌ترسد. از این رو، هر تلاشی برای پایان دادن به مجمع‌گزینندگان (و تبدیل نظام انتخاباتی ایالات متحده آمریکا به یک نظام واقعاً مردم‌سالارانه) بدون یک انقلاب تمام‌عیار بی‌شک شکست خواهد خورد؛ این بدین معناست که نقش شهروندان ایالات متحده آمریکا در انتخاب رئیس‌جمهور، در مقایسه با قدرت طبقه سرمایه‌دار، فرعی و ثانویه باقی می‌ماند.

می‌شود. اگر هیچ نامزدی موفق به کسب ۲۷۰ رأی نشود، رئیس‌جمهور با رأی اعضای مجلس نمایندگان انتخاب می‌گردد. تا کنون دو بار چنین حالتی رخ داده است؛ پس از انتخابات سال ۱۸۰۰، هیچ نامزدی اکثریت آرا را به دست نیاورد و مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا توماس جفرسون را به ریاست جمهوری کشور برگزید. پس از انتخابات سال ۱۸۲۴ نیز، جان کویینسی آدامز با رأی مجلس نمایندگان به کرسی ریاست جمهوری دست یافت.

بر اساس آنچه که گفتیم، پرواضح است که انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا برخلاف انتخابات ایالتی و کنگره به معنی واقعی کلمه «مردم‌سالارانه» نیست. از دیدگاه پدران بنیان‌گذار، مجمع‌گزینندگان



منابع

- Dye, T. R., & Zeigler, L. H. (1970). The irony of democracy: An uncommon introduction to American politics. <http://ci.nii.ac.jp/ncid/BA03888052>
- Grosscup, B. (2023, October 1). US Election. (J. Arabshirazi, Interviewer)
- U.S. General Services Administration. (n.d.). How the president is elected. USAGov. Retrieved October 10, 2023, from <https://www.usa.gov/election>

بررسی و نقد نظام انتخاباتی آمریکا در پژوهشکده شورای نگهبان

این، تأثیر انتخابات بعضی کشورهای دنیا، بر شرایط سیاسی و اقتصادی جهان، نشان از اهمیت مطالعه و توجه به آن می‌باشد. به همین منظور و با توجه به نزدیکی به انتخابات ایالات متحده آمریکا، سابقه طولانی برگزاری انتخابات در این کشور و همچنین تأثیر آن بر شرایط جهان، پژوهشکده شورای نگهبان با هدف نقد و بررسی نظام حقوقی و سیاسی ایالات متحده آمریکا، قانون اساسی آمریکا، فرآیند برگزاری انتخابات در آمریکا، نقش احزاب و گروه‌های سیاسی در انتخابات آمریکا و... اقدام به برگزاری دوره علمی تخصصی با حضور اساتید برجسته داخلی و خارجی نمود.

در این دوره تخصصی که به همت پژوهشکده شورای نگهبان و با همکاری موسسه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران روز دوشنبه ۱۴ آبان ماه ۱۴۰۳ در محل پژوهشکده با حضور اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان به این حوزه برگزار شد، دکتر فؤاد ایزدی، استاد دانشگاه تهران، دکتر هدی غفاری، استاد دانشگاه علامه طباطبایی، دکتر ابوذر گوهری مقدم، استاد دانشگاه امام صادق (ع)، دکتر مصطفی منصوریان، استاد دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، دکتر کلی رمزی،



پژوهشکده شورای نگهبان به عنوان مرجعی تخصصی در زمینه حقوق اساسی، رسالتی مهم در انجام فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی در حوزه‌های تقنینی و انتخاباتی برعهده دارد. در حوزه انتخاباتی، بررسی حقوقی و اجتماعی نظام انتخاباتی کشور و ارائه راهکارهایی در جهت رفع آسیب‌های موجود و ارتقای آن و بررسی نظامات انتخاباتی کشورهای دنیا، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در این زمینه، علامه بر فعالیت‌های پژوهشی و برگزاری دوره‌های تخصصی حول محور نظام انتخابات جمهوری اسلامی ایران، بررسی و نقد نظام انتخاباتی برخی کشورهای دنیا، می‌تواند زمینه تحقق کنشگری علمی و ارتقای نظام انتخاباتی کشور را به همراه داشته باشد. علاوه بر



استاد دانشگاه مریلند و دکتر جرج گراسکاپ، استاد دانشگاه کالیفرنیا به نقد و بررسی نظام انتخاباتی آمریکا پرداختند.

دکتر هدی غفاری: شرکت های بیگ دیتا با نقض حریم خصوصی و تبلیغات هدفمند سیاسی بر نظر رای دهندگان آمریکایی تأثیر می گذارند

در این نشست، دکتر هدی غفاری عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) به تحلیل تأثیرات کلان داده ها و شرکت های فناوری بزرگ در انتخابات آمریکا به ویژه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ پرداخت و موضوع نقش شرکت کمبریج آنالیتیکا را به عنوان یک مثال کلیدی بررسی کردند. این شرکت با دسترسی به داده های ۸۷ میلیون کاربر، از طریق تحلیل اطلاعات شخصی و اجتماعی کاربران، تبلیغات هدفمند سیاسی را به گونه ای تنظیم کرد که بدون اطلاع کاربران و بر اساس علایق و گرایش های آن ها به سود کمپین ترامپ نمایش داده می شد.

شرکت های فناوری با استفاده از داده های عظیم و تکنیک های داده کاوی، تأثیرات عمیقی بر افکار عمومی و رفتار رای دهندگان می گذارند. این شرکت ها با تحلیل رفتار آنلاین افراد، تبلیغات را به شکلی بسیار شخصی سازی شده به آن ها عرضه می کنند. به همین دلیل، بیگ دیتا به عنوان ابزاری برای جهت دهی افکار عمومی به نفع یک نامزد خاص عمل کرده است.

در انتخابات ۲۰۱۶، کمپین ترامپ از داده های جمع آوری شده توسط شرکت کمبریج آنالیتیکا استفاده کرد. این شرکت اطلاعات کاربران آمریکایی را از طریق شبکه های اجتماعی به دست آورده و با تحلیل این داده ها، تبلیغاتی

متناسب با ویژگی های روان شناختی و اجتماعی آن ها ارائه می کرد. این موضوع سبب شد بسیاری از رای دهندگان، حتی بدون آگاهی از تأثیر این تبلیغات، از ترامپ حمایت کنند. دکتر غفاری به نقض گسترده حریم خصوصی اشاره کرد و بیان داشت که در این فرآیند اطلاعات شخصی کاربران بدون رضایت آن ها استفاده شده است. او این اقدام را نقض حقوق اساسی و حریم خصوصی دانست و اشاره داشت که چنین مسائلی می تواند اعتماد عمومی به نظام انتخاباتی را به چالش بکشد. به دلیل فقدان قوانین نظارتی مشخص در آمریکا، شرکت های بزرگ فناوری بدون محدودیت به جمع آوری و بهره برداری از داده ها می پردازند. این در حالی است که اتحادیه اروپا با تصویب مقرراتی نظیر GDPR تلاش کرده است که کنترل بیشتری بر داده های کاربران اعمال کند. دکتر غفاری به این تفاوت دیدگاه اشاره کرده و بیان می کند که مفهوم آزادی بیان در آمریکا با کشورهای دیگر متفاوت است و این موضوع سبب شده که نظارت بر تبلیغات سیاسی در آمریکا بسیار دشوار باشد.

مجبور به جمع‌آوری تعداد زیادی امضا هستند تا بتوانند نامزدی خود را ثبت کنند که خود یک مانع بزرگ برای ورود به انتخابات است.

ب) تأیید صلاحیت توسط رؤسای حزب: نامزدها باید تأیید «وایبال کندیدت» را از سوی رؤسای حزب دریافت کنند. رؤسای حزب بر اساس معیارهای خاص حزبی، که می‌تواند شامل ترجیحات مالی و سیاسی نیز باشد، صلاحیت افراد را تعیین می‌کنند. این معیارها اغلب به شیوه‌نامه‌های درون حزبی مرتبط هستند و به حزب اجازه می‌دهند تا نامزدهای خود را بر اساس اهداف و استراتژی‌های حزبی مشخص انتخاب کنند.

ج) لابی و تأمین مالی: مرحله سوم که اهمیت زیادی در ساختار سیاسی ایالات متحده دارد، نیاز به جلب حمایت مالی است. نامزدها مجبورند برای جذب سرمایه از سرمایه‌داران بزرگ و لابی‌های قدرتمند حمایت بگیرند. این وابستگی مالی باعث می‌شود که ثروتمندان و سرمایه‌داران نفوذ زیادی در سیاست‌های آینده و تصمیم‌گیری‌های کلان داشته باشند. در این مرحله، نقش لابی‌های قدرتمند همچون لابی اسرائیل و ثروتمندانی مانند ایلان ماسک و بیل گیتس برجسته است. به‌طور میانگین، در ۹۴ درصد از موارد، نامزدهایی که بیشترین هزینه را کرده‌اند، پیروز انتخابات شده‌اند.

د) جری مندرینگ: این سازوکار به تغییر مرزهای حوزه‌های انتخابیه اشاره دارد، که غالباً توسط مجالس ایالتی و با هدف حفظ منافع حزبی انجام می‌شود. این عمل که به‌طور علمی به آن «تقسیم‌بندی استراتژیک حوزه‌های انتخابیه» می‌گویند، از لحاظ سیاسی به ایجاد حوزه‌های انتخاباتی خاص منجر می‌شود که احتمال پیروزی حزب حاکم در آن‌ها بالاست. جری مندرینگ به شدت ساختار دموکراتیک

یکی از دغدغه‌های مهم دیگر، بحث دخالت کشورهای ثالث از طریق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است. ارتش‌های سایبری و ربات‌های اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی به گونه‌ای عمل می‌کنند که به‌صورت هدفمند جریان‌های خاصی را تقویت و جریان‌های دیگر را خاموش می‌کنند. این امر در انتخابات ۲۰۱۶ با بحث دخالت روسیه و هک شدن ایمیل‌های هیلاری کلینتون شدت گرفت و نگرانی‌ها از تأثیرگذاری کشورهای ثالث بر روندهای سیاسی آمریکا را افزایش داد.

در انتها، دکتر هدی غفاری به ضرورت ایجاد زیرساخت‌های امنیتی و فنی قوی برای انتخابات الکترونیکی اشاره کرد و تأکید نمود کشورها باید در برابر دخالت بیگ دیتا و شرکت‌های فناوری، از طریق ارتقای آگاهی عمومی، تنظیم‌گری شفاف‌تر، و تقویت مرجعیت رسانه‌های رسمی و اعتمادسازی اجتماعی اقدام کنند.

دکتر فؤاد ایزدی: سرمایه‌دارها و صهیونیست‌ها در انتخابات آمریکا بسیار اثرگذارند

دکتر فؤاد ایزدی عضو هیئت علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران در دوره تخصصی نقد و بررسی نظام انتخاباتی آمریکا به مقایسه‌ای عمیق از ساختارهای انتخاباتی ایالات متحده و ایران پرداخت و ساختار پنج‌لایه تأیید صلاحیت در آمریکا را تحلیل کرد. این پنج لایه که در آمریکا به‌طور غیررسمی جایگزین نهادهای نظارتی رسمی در ایران مانند شورای نگهبان عمل می‌کند، شامل مراحل زیر است:

الف) انتخابات درون حزبی: احزاب سیاسی، به‌ویژه دو حزب اصلی (دموکرات و جمهوری خواه)، نامزدهای خود را در یک فرآیند داخلی فیلتر می‌کنند. افراد خارج از این دو حزب



ج) تقسیم‌بندی ناعادلانه حوزه‌های انتخابیه (جری مندرینگ): به دلیل این تقسیم‌بندی‌ها، حوزه‌هایی به وجود می‌آید که تقریباً از پیش مشخص است که در اختیار کدام حزب خواهد بود. این موضوع باعث می‌شود سیاست‌مدارانی که افراطی‌تر هستند، در انتخابات درون حزبی پیروز شوند و ساختار سیاسی آمریکا دوقطبی‌تر شود.

دکتر ایزدی در پایان اشاره کرد که هزینه‌های انتخاباتی آمریکا به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته و در سال ۲۰۲۰ به حدود ۱۴٫۴ میلیارد دلار رسیده است. دلیل این هزینه‌های بالا، رقابت شدید برای جلب توجه و تأثیرگذاری بر افکار عمومی است و همچنین به دلیل نبود سیستم رسانه‌ای عمومی قوی، نامزدها مجبور به اتکا بر تبلیغات خصوصی و پرهزینه هستند. همچنین ساختار چندلایه انتخابات آمریکا، با اینکه ظاهری دموکراتیک دارد، در واقعیت تحت تأثیر شدید نظام سرمایه‌داری است و به سرمایه‌داران و لابی‌ها اجازه می‌دهد تا بر سیاست‌های ملی اثرگذار باشند، امری که به تقویت شکاف‌های سیاسی و طبقاتی منجر شده و اصول بنیادین دموکراسی را تضعیف می‌کند.

انتخابات را تضعیف می‌کند و باعث افزایش قطب‌بندی سیاسی می‌شود، زیرا رقابت آزاد و منصفانه را از میان می‌برد.

ه) تأمین مالی برای انتخابات نهایی: در این مرحله، نامزدها مجدداً باید برای جمع‌آوری منابع مالی تلاش کنند تا بتوانند در انتخابات عمومی یا همان انتخابات نهایی شرکت کنند. سرمایه‌داران مجدداً بر اساس اهداف اقتصادی و سیاسی خود، از نامزدهایی حمایت می‌کنند که احتمال دارد سیاست‌های همسو با منافع آن‌ها را پیگیری کنند.

دکتر ایزدی به این نکته نیز اشاره کردند که سیستم انتخاباتی آمریکا وابسته به نظام سرمایه‌داری است و سرمایه‌داران در تمامی مراحل انتخاباتی نقش اساسی ایفا می‌کنند. ایشان توضیح دادند که این نظام به گونه‌ای طراحی شده که سیاست‌مداران به تأمین مالی از سوی سرمایه‌داران وابسته بمانند و در نتیجه سیاست‌ها به طور طبیعی در راستای منافع آن‌ها شکل بگیرد. این فرآیند به کاهش نفوذ افکار عمومی در تصمیم‌گیری‌ها منجر می‌شود و زمینه‌ساز تقویت قدرت نخبگان و سرمایه‌داران می‌گردد. ساختارهای فوق در دموکراسی آمریکا، نتایج ذیل را به همراه دارد:

الف) نفوذ سرمایه‌داران و لابی‌ها: این ساختار به سرمایه‌داران و لابی‌ها اجازه می‌دهد تا به راحتی سیاست‌مداران را تحت تأثیر قرار دهند و حتی نامزدهای حامی منافع خود را وارد قدرت کنند.

ب) نقش پررنگ لابی اسرائیل: ایزدی همچنین به تأثیر گسترده لابی اسرائیل اشاره کرد، که با حمایت مالی از نامزدهای حامی اسرائیل، به ویژه در مواقع انتقاد به سیاست‌های اسرائیل در ایالات متحده، قدرت زیادی در سیاست‌گذاری‌ها و حذف رقبا دارد.

که برخی از لابی‌ها به نفع دموکرات‌ها عمل می‌کنند (مانند لابی‌های زیست‌محیطی و حقوق بشری)، در حالی که لابی‌های اسلحه، انرژی و برخی صنایع بزرگ به جمهوری خواهان نزدیک‌تر هستند. همچنین، لابی اسرائیل (AIPAC) یکی از تأثیرگذارترین لابی‌ها در حمایت از سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه و به خصوص اسرائیل است.

ج) سازمان‌های مدنی و اجتماعی: گروه‌هایی مانند انجمن‌های حقوق مدنی و سازمان‌های محیط‌زیستی در شکل‌دهی به سیاست‌ها و حمایت از نامزدهای همسو با اهدافشان نقش دارند. این سازمان‌ها علاوه بر اثرگذاری بر افکار عمومی، به‌طور جدی در فعالیت‌های انتخاباتی مشارکت می‌کنند.

د) رسانه‌ها: رسانه‌ها به عنوان یک نیروی مؤثر در انتخابات، بر افکار عمومی و تصویرسازی نامزدها تأثیر می‌گذارند. رسانه‌های نزدیک به دموکرات‌ها مانند CNN و نیویورک تایمز، و رسانه‌های نزدیک به جمهوری خواهان مانند فاکس نیوز، در شکل‌دهی به افکار عمومی نقش کلیدی دارند و می‌توانند بر نگرش‌های مردم در مورد نامزدها تأثیر بگذارند.

ه) گروه‌های نژادی، مذهبی و اجتماعی: در آمریکا، گروه‌های نژادی و مذهبی مانند سفیدپوستان، سیاه‌پوستان، لاتین‌تباران، آسیایی‌تباران و مذاهب گوناگون مانند یهودیان، مسیحیان انجیلی و مسلمانان به صورت متنوع به نامزدهای احزاب گرایش دارند. دموکرات‌ها بیشتر به حمایت سیاه‌پوستان، لاتین‌تباران و مسلمانان وابسته‌اند، در حالی که جمهوری خواهان حمایت بیشتری از سفیدپوستان و مسیحیان انجیلی دارند.



دکتر گوهری مقدم: نامزدها بدون حمایت مالی و لابی‌ها شانس برای رقابت در آمریکا ندارند

دکتر ابوذر گوهری مقدم عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) در این نشست پنج گروه اصلی را به عنوان بازیگران اثرگذار معرفی می‌کند:

الف) احزاب سیاسی: دو حزب اصلی دموکرات و جمهوری خواه به‌طور تاریخی دارای دیدگاه‌های متفاوتی هستند. دموکرات‌ها بیشتر بر مسائل اجتماعی، حقوق بشر، حمایت از اقلیت‌ها و سیاست‌های محیط‌زیستی تأکید دارند و سیاست‌های چندجانبه‌گرایانه‌ای در امور بین‌الملل دنبال می‌کنند. در مقابل، جمهوری خواهان حامی کاهش مالیات برای شرکت‌ها، سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه و تقویت صنایع نظامی هستند و از سیاست‌های یک‌جانبه حمایت می‌کنند.

ب) لابی‌ها: لابی‌ها تأثیر زیادی بر انتخابات آمریکا دارند. دکتر گوهری توضیح می‌دهد

دکتر مصطفی منصوریان عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری جزئیات بیشتری درباره این سیستم و سازوکارهای آن ارائه می‌دهند:

الف) سازوکار کلی کالج الکترال

کالج الکترال گروهی از نمایندگان است که هر چهار سال یک بار در روز انتخابات، توسط رأی مردم در ایالت‌های مختلف انتخاب می‌شوند تا رئیس جمهور و معاون او را تعیین کنند. تعداد اعضای کالج الکترال ۵۳۸ نفر است که این تعداد برابر است با مجموع نمایندگان در مجلس نمایندگان (۴۳۵ نفر)، سناتورها (۱۰۰ نفر) و سه رأی اختصاصی که به منطقه واشنگتن دی سی داده می‌شود.

ب) سهم ایالت‌ها در کالج الکترال

هر ایالت بر اساس تعداد نمایندگان خود در کنگره (یعنی مجموع نمایندگان مجلس نمایندگان و سناتورها) تعدادی رأی الکترال دارد. برای مثال، ایالت کالیفرنیا با جمعیت بالا ۵۵ رأی الکترال دارد، در حالی که ایالت‌های کوچک‌تر مانند وایومینگ تنها ۳ رأی دارند. این ساختار باعث می‌شود که ایالت‌های پرجمعیت و مهمی مانند کالیفرنیا، تگزاس و فلوریدا در فرآیند انتخاب رئیس جمهور نقش تعیین‌کننده‌تری ایفا کنند، ولی سهمی که به ایالت‌های کوچک‌تر داده شده باعث شده که آنها نیز قدرت خاصی در این سیستم داشته باشند.

ج) فرآیند رأی‌گیری و «برنده صاحب کل آرا» در اکثر ایالت‌ها، سیستم «برنده صاحب کل آرا» (Winner-Takes-All) اجرا می‌شود. بر این اساس، هر نامزدی که در یک ایالت اکثریت آرای مردمی را کسب کند، تمامی آرای الکترال آن ایالت را دریافت می‌کند. برای

ایشان همچنین اشاره می‌کند که در کنار احزاب سیاسی، عوامل متعدد دیگری نیز بر روند و نتیجه انتخابات آمریکا اثرگذار هستند. وی معتقد است که عوامل اقتصادی، سیاست‌های داخلی و بین‌المللی و همچنین تقسیمات نژادی و مذهبی، به شکلی چندلایه و پیچیده با یکدیگر تعامل دارند و نتیجه انتخابات را تعیین می‌کنند. در این میان، تأثیرگذاری لابی‌ها و منابع مالی از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا بدون حمایت مالی، نامزدها شانس زیادی برای رقابت ندارند.

دکتر منصوریان: رأی مستقیم مردم آمریکا به طور کامل تعیین‌کننده رئیس جمهور نیست

در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، به دلیل ساختار خاص فدرالی، فرآیند پیچیده‌ای وجود دارد که در آن رأی مستقیم مردم به طور کامل تعیین‌کننده رئیس جمهور نیست. به جای اینکه مستقیماً نامزد پیروز رأی مردمی به ریاست جمهوری برسد، سیستمی به نام «کالج الکترال» تعیین‌کننده نهایی است. در ادامه



از دونالد ترامپ با ۶۲ میلیون رأی مردمی جلوتر بود، اما ترامپ به دلیل کسب رأی بیشتر در کالج الکتروال (۳۰۴ رأی در مقابل ۲۲۷ رأی) رئیس جمهور شد. این امر به این دلیل است که سیستم کالج الکتروال برای حفظ تعادل بین ایالت‌های بزرگ و کوچک طراحی شده است، و این طراحی گاهی باعث ایجاد اختلاف بین رأی مردمی و رأی الکتروال می‌شود.

ز) «الکتورهای ناراست» و نقش آنها

در برخی موارد، اعضای کالج الکتروال به دلایل مختلف به نامزد مورد تعهد خود رأی نمی‌دهند. این افراد که به آنها «الکتورهای ناراست» یا «غیر وفادار» گفته می‌شود، می‌توانند در نتیجه نهایی انتخابات تأثیر بگذارند. هرچند در برخی ایالت‌ها برای جلوگیری از این تخطی، قوانین جریمه‌ای در نظر گرفته شده است، اما به‌طور کلی قانون اساسی ایالات متحده اجازه می‌دهد که الکتورها به شکل غیرمستقیم به نامزدها رأی دهند.

ح) نهادینه شدن دو حزبی بودن سیستم

سیستم کالج الکتروال نقش بسیار مهمی در نهادینه شدن سیستم دو حزبی در آمریکا دارد. به دلیل ساختار این سیستم، عملاً امکان پیروزی برای احزاب سوم و چهارم وجود ندارد. در نتیجه، سیستم انتخاباتی آمریکا به شکلی طراحی شده که رقابت اصلی همیشه بین دو حزب اصلی (دموکرات و جمهوری خواه) باشد و احزاب کوچک‌تر، مانند حزب سبز یا حزب لیبرترین، به ندرت بتوانند به جایگاه بالایی در انتخابات دست یابند.

مثال، اگر در ایالتی مانند فلوریدا، نامزد حزب جمهوری خواه ۵۱ درصد و نامزد حزب دموکرات ۴۹ درصد رأی مردمی را کسب کنند، جمهوری خواهان تمامی رأی الکتروال فلوریدا را به دست می‌آورند. استثنای این قاعده در ایالت‌های مین و نبراسکا است که از سیستم تناسبی استفاده می‌کنند و رأی الکتروال را بر اساس درصد رأی مردمی تقسیم می‌کنند.

د) نقش کنوانسیون‌های ملی حزبی

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا معمولاً با کنوانسیون‌های ملی دو حزب اصلی (دموکرات و جمهوری خواه) آغاز می‌شود. در این کنوانسیون‌ها که چند ماه پیش از انتخابات برگزار می‌شود، هر حزب نامزد اصلی خود برای ریاست جمهوری و معاونت او را معرفی می‌کند. همچنین در این کنوانسیون‌ها «پلتفرم» یا چارچوب سیاسی و اقتصادی حزب اعلام می‌شود.

ه) رأی دهی الکتروال و شمارش نهایی در کنگره
پس از برگزاری انتخابات عمومی و مشخص شدن رأی الکتروال در هر ایالت، اعضای کالج الکتروال در ماه دسامبر گرد هم می‌آیند و رأی خود را به نامزدها اعلام می‌کنند. این رأی‌ها به رئیس مجلس سنا فرستاده می‌شود تا در جلسه مشترک کنگره شمارش شود. هر نامزدی که حداقل ۲۷۰ رأی الکتروال (از مجموع ۵۳۸ رأی) را به دست آورد، به عنوان رئیس جمهور انتخاب می‌شود.

و) چالش‌های سیستم کالج الکتروال

این سیستم با چالش‌هایی همراه است. در برخی انتخابات، نامزدی که اکثریت رأی مردمی را به دست آورده، به دلیل رأی کمتر در کالج الکتروال پیروز انتخابات نشده است. به عنوان مثال، در انتخابات سال ۲۰۱۶، هیلاری کلینتون با ۶۵ میلیون رأی مردمی،

افزایش رقابت و نزدیکی در نتایج شده است. از طرفی، شبکه‌های خبری ۲۴ ساعته و رسانه‌های اجتماعی نیز به این تقسیم‌بندی دامن زده‌اند. بر خلاف کشورهای دیگر، کارزارهای انتخاباتی در آمریکا چند ماه پیش از انتخابات آغاز می‌شوند. دلیل اصلی این طولانی بودن، وجود انتخابات مقدماتی حزبی در سطح ایالتی است که به رأی‌دهندگان اجازه می‌دهد نامزد نهایی حزب را انتخاب کنند. این فرایند طولانی، فرصتی را برای رسانه‌ها و نامزدها فراهم می‌کند تا کمپین‌های خود را تقویت کنند. به علاوه، نیاز به محتوای خبری و رشد رسانه‌های خبری ۲۴ ساعته باعث شده است که انتخابات آمریکا به رویدادی طولانی و پرهیاهو تبدیل شود.

کمپین‌های انتخاباتی آمریکا به حمایت‌های مالی بسیاری نیاز دارند. قوانین و ساختار کمیسیون انتخابات فدرال آمریکا، نظارت بر این کمک‌های مالی را دشوار کرده است و دادگاه‌ها نیز با توجیه آزادی بیان محدودیتی برای هزینه‌های انتخاباتی قائل نیستند. از سال ۲۰۱۰ و پس از حکم دادگاه عالی در پرونده «Citizens United»، شرکت‌ها و نهادهای تجاری می‌توانند آزادانه به کمپین‌های انتخاباتی کمک مالی کنند که این مسئله هزینه‌ها را به شدت افزایش داده است.

این نظام به دلیل سازوکارهای پیچیده و طولانی، برخلاف بسیاری از دموکراسی‌های مدرن جهان عمل می‌کند و به همین دلیل احتمال تغییرات اساسی در این ساختار بسیار اندک است. سیستم انتخاباتی آمریکا، با توجه به این ویژگی‌ها، همچنان برای ایالت‌های کوچک‌تر مزیت دارد و به همین دلیل حذف آن تنها در حد بحث‌های نظری و دانشگاهی باقی می‌ماند.



**دکتر کلی رمزی، استاد دانشگاه مریلند:
حتی اگر نامزدی آرای مردمی کمتری
داشته باشد، می‌تواند پیروز شود!**

دکتر کلی رمزی به بررسی جامع ساختار و تاریخچه نظام انتخاباتی ریاست جمهوری ایالات متحده می‌پردازد. در نظام انتخاباتی آمریکا، کالج الکترال (مجمع‌گزینه‌ندگان) وجود دارد که در آن تعداد نمایندگان هر ایالت متناسب با جمعیت و تعداد سناتورهای آن تعیین می‌شود. این سیستم به گونه‌ای طراحی شده است که ایالت‌های کوچک‌تر و روستایی نیز در انتخاب رئیس‌جمهور نقش بیشتری داشته باشند. این ساختار که پس از انقلاب آمریکا تدوین شد، به دلیل پیچیدگی‌های تغییر قانون اساسی هنوز باقی مانده است. به این ترتیب، حتی اگر نامزدی آرای مردمی کمتری داشته باشد، می‌تواند با کسب آرای الکترال بیشتر پیروز شود. از دهه ۱۹۹۰ به این سو، دو حزب اصلی آمریکا، یعنی جمهوری خواه و دموکرات، تقریباً در یک سطح قدرت قرار گرفته‌اند. همچنین، رسانه‌های آمریکایی به گونه‌ای عمل کرده‌اند که مردم به دو دسته جمهوری خواه (قرمز) و دموکرات (آبی) تقسیم شده‌اند و این باعث



**دکتر گراسکاپ، استاد دانشگاه کالیفرنیا:
دموکراسی آمریکایی به نفع طبقه حاکم و
ثروتمندان عمل کرده است**

است که برای صیانت از دموکراسی، گروه‌های اقلیت، شامل رنگین پوستان، جامعه LGBTQ و چپ‌گرایان باید نقش فعالی ایفا کنند و در برابر جنبش MAGA (شعار ترامپ) بایستند. همچنین در صورت پیروزی ترامپ، حمایت بی‌قید و شرط از نتانیاهو و دولت اسرائیل، بدون هرگونه انتقاد، به وقوع خواهد پیوست. این امر می‌تواند معادلات منطقه را به شکلی خطرناک تغییر دهد و ثبات خاورمیانه را تهدید کند.

وجود «دولت سایه» یا «دولت امنیت ملی» از دیگر نکات ایشان بود که شامل پنتاگون، سیا، اف‌بی‌آی و وزارت خارجه است و نفوذ زیادی در سیاست‌گذاری‌های خارجی آمریکا دارد. به گفته او، این نهادها بدون انتخاب مردم و با قدرت زیادی عمل می‌کنند و بر سیاست‌های دموکراتیک کشور چیره شده‌اند. در نهایت رقابت نزدیکی بین دو کمپین وجود دارد و این انتخابات می‌تواند نقطه عطفی برای ساختار سیاسی و اجتماعی آمریکا باشد. به باور او، نتیجه این انتخابات تأثیر مهمی بر دموکراسی و ارزش‌های لیبرال آمریکا خواهد گذاشت.

دکتر گراسکاپ به تحلیل انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده و پیامدهای آن بر دموکراسی و ساختار حکومتی آمریکا می‌پردازد. گراسکاپ معتقد است که ساختار سیاسی آمریکا از ابتدا تا حد زیادی در دست ثروتمندان بوده است و در واقع، ایالات متحده یک جامعه پلوتوکراتیک است. از نظر ایشان، آمریکا بیشتر یک «دموکراسی شکلی» است و در عمل، دموکراسی آن بیشتر به نفع طبقه حاکم و ثروتمندان عمل کرده است.

ایشان بر این باور است که در این انتخابات، کمپین ترامپ تمایل به ایجاد حکومتی تمامیت‌خواه و ضددموکراتیک دارد، در حالی که کمپین هریس نماینده محافظت از دموکراسی است. او اشاره می‌کند که ترامپ خواهان تمرکز قدرت در دست خود و تغییر مسیر از اصول دموکراتیک لیبرال است که آمریکا بر آن بنا شده است. از نظر گراسکاپ، جامعه آمریکا از نظر سیاسی دچار شکاف شده است. او معتقد



دفتر مذاکرات؛

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

مشروح مذاکرات شورای نگهبان در خصوص استفساریه رئیس قوه قضائیه در خصوص اصل (۱۵۶) قانون اساسی، از جهت استقلال یا عدم استقلال این قوه از قوانین مربوط به گزینش در استخدام کارکنان خود

ویراستار و مستندساز: مهدی رجائی
بازبین و ناظر علمی: سید سلمان مرتضوی

یکی از اقدامات پژوهشکده شورای نگهبان تدوین مشروح مذاکرات اعضای شورای نگهبان و انتشار آن برای عموم جامعه و پژوهشگران حقوق عمومی است که می‌تواند به شفافیت این نهاد و فهم عمیق‌تر استدلال‌ها و استنتاجات اعضای شورای نگهبان کمک کند.

چکیده:

این بخش شامل متن کامل استفساریه رئیس قوه قضائیه در خصوص اصل ۱۵۶ قانون اساسی و پاسخ شورای نگهبان به آن است که در جلسه ۱۳۸۰/۳/۳۰ مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این استفساریه رئیس وقت قوه قضائیه، آیت الله هاشمی شاهرودی، درخواست تفسیر اصل ۱۵۶ قانون اساسی در خصوص استقلال قوه قضائیه در استخدام کارکنان خود و تعیین حدود این استقلال را دارد.

اختلاف نظر بین قوه قضائیه و هیئت عالی گزینش در مورد تبعیت این قوه از قوانین مربوط به گزینش در استخدام کارکنان، به ویژه قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش و قانون تسری این قانون به سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی، منجر به طرح این استفساریه شد.



- معلمان و کارکنان آموزش و پرورش و قانون تسری آن مستثنی شده است.
- واگذاری امور گزینش کارکنان قوه قضائیه به مراجع غیر از رئیس قوه قضائیه، با اصل استقلال قوه قضائیه منافات دارد. آندسته از اعضای شورای نگهبان نیز که موافق تبعیت قوه قضائیه از قانون گزینش هستند به موارد زیر استدلال می‌کنند:
- قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش و قانون تسری آن، قوانین مصوب مجلس هستند و همه دستگاه‌ها، از جمله قوه قضائیه، موظف به رعایت آن هستند.
- هیئت عالی گزینش، نهادی مستقل است که بر اساس قانون تشکیل شده و وظیفه نظارت بر گزینش کارکنان در همه دستگاه‌ها، از جمله قوه قضائیه، را بر عهده دارد.
- رئیس جمهور حق تفویض اداره امور گزینش کشور را به هیئت عالی گزینش دارد و مجلس نمی‌تواند رئیس جمهور را ملزم به تبعیت از قانون خاصی در این زمینه کند.

- قانون اساسی در اصل ۱۵۶ به استقلال قوه قضائیه اشاره می‌کند و در اصل ۱۶۰ به رئیس قوه قضائیه اختیارات تام اداری و مالی، از جمله استخدام قضات، می‌دهد. در مقابل، قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش و قانون تسری آن به سایر دستگاه‌ها، ضوابط و شرایطی را برای گزینش کارکنان دولتی تعیین می‌کند. سؤال اصلی این است که آیا قوه قضائیه می‌تواند رأساً و با استقلال کامل کارگزاران گزینش در امور استخدامی غیر قضایی را منصوب سازد یا الزاماً باید از قوانین مصوب مجلس در مورد گزینش، مانند قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش و قانون تسری آن، پیروی کند؟
- در میان اعضای شورای نگهبان کسانی که موافق استقلال قوه قضائیه در این خصوص هستند به موارد زیر استناد و استدلال می‌کنند:
- اصل ۱۵۶ قانون اساسی به صراحت بر استقلال قوه قضائیه تأکید می‌کند.
- اصل ۱۶۰ قانون اساسی به رئیس قوه قضائیه اختیارات تام اداری و مالی، از جمله استخدام قضات، می‌دهد.
- استخدام قضات از شمول قانون گزینش

نتیجه گیری: پس از بحث و بررسی فراوان، شورای نگهبان در خصوص این استفساریه به جمع بندی نرسید و نظر تفسیری ارائه نکرد. با این حال، شورای نگهبان در نظرات قبلی خود تفویض اختیارات تقنینی و اجرایی به مراجع غیر صالح را خلاف قانون اساسی دانسته است.



آنچه میخوانید مشروح مذاکرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص است:

آقای یزدی - «استفساریه رئیس قوه قضائیه در خصوص اصل (۱۵۶) قانون اساسی^۱ حضرت آیت الله جنّتی (دامت توفیقانه) دبیر محترم شورای نگهبان قانون اساسی با سلام و تحیات با عنایت به اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات مذکور در اصل یکصد و شصتم قانون اساسی ناظر به اصول یکصد و پنجاه و ششم و یکصد و هشتاد و هشتم قانون مرقوم و اینکه انجام کلیه مسئولیت‌های اداری و اجرایی برای رئیس قوه قضائیه در اصل یکصد و پنجاه و هفتم همان

و شرکت‌های دولتی» الزاماً باید از قوانین مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ و ۱۳۷۵/۲/۹ مذکور پیروی و مراجع‌گزینی آن با دخالت هیئت عالی‌گزینش منصوب و تابع مقررات آن باشند؟ علی‌هذا با عنایت به مراتب و توجهاً به «قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه» مصوب ۷۸/۱۲/۸ و اجمال موجود در اصل (۱۵۶) و اینکه رفع اشکال فیما بین این قوه و هیئت عالی مزبور، متوقف بر کسب نظر استفساری آن شورای محترم در خصوص اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی در این زمینه می‌باشد، مستدعی است موضوع را مطرح و نظر تفسیری شورای محترم نگهبان را راجع به اصل مذکور به این قوه اعلام فرمایید. با

قانون تصریح گردیده است و با توجه به اینکه اجرای وظایف گسترده مذکور در اصول یکصد و پنجاه و ششم و یکصد و پنجاه و هشتم مستلزم استخدام کارکنان اداری متناسب با ایجاد تشکیلات لازم و انجام مسئولیت‌های مقرر در قانون اساسی و قوانین عادی می‌باشد و از لوازم و مقدمات استخدام مزبور گزینش است، حال با توجه به استقلال مذکور در اصل (۱۵۶) برای قوه قضائیه، آیا این قوه می‌تواند رأساً و بالاستقلال کارگزاران گزینش در امور استخدامی غیر قضایی را منصوب سازد یا با توجه به «قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات

۱- رئیس قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۸۰/۱/۱۱ طی نامه‌ی شماره ۱/۸۰/۳۳۴ مورخ ۱۳۸۰/۱/۲۰، در راستای اصل (۹۸) قانون اساسی از شورای نگهبان تفسیر اصل (۱۵۶) قانون اساسی را خواستار شد. این استفسار به دلیل اختلاف بین قوه قضائیه و هیئت عالی‌گزینش در مورد تبعیت این قوه از قوانین مربوط به گزینش در استخدام کارکنان خود و تعیین حدود استقلال آن قوه در این امر مطرح شد. شورای نگهبان، پس از بحث و بررسی مفاد این استفساریه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۰/۳/۳۰، به نظر تفسیری نرسید و این مطلب را طی نامه‌ی شماره ۸۰/۲۱/۱۶۰۴ مورخ ۱۳۸۰/۳/۳۱ به رئیس قوه قضائیه اعلام کرد.

امتنان.» اطلاق قانون گزینش مثل سایر قوانین استخدامی شامل کارکنان غیر قضایی قوهی قضائیه هم می‌شود.^۱ آن موقع که من این قانون را خواندم، نظرم این بود که قوانین گزینشی مربوط به استخدام افراد برای کل وزارتخانه‌ها است و شمول آن نسبت به قوهی قضائیه منافاتی با مسئلهی استقلال این قوه در امور اداری و اجرایی و قضایی ندارد. اگر امر گزینش در سطح کشور یک قانون دارد، این قانون به اطلاق خودش باقی است؛ بنابراین نمی‌شود از قانون اساسی استفاده کرد و بگوییم گزینش کارمندان قوهی قضائیه در اختیار رئیس این قوه باشد. قانون گزینش مربوط به کل وزارتخانه‌ها است. این قانون یک سری ضوابط معین کرده است. قانون اساسی هم در امور اداری، استخدامی، مالی و امثال اینها اختیارات کاملی به رئیس قوهی قضائیه داده است. رئیس قوه حق واگذاری این اختیارات را به وزارتخانه و وزیر دادگستری هم دارد. حالا برای استخدام کارکنان غیر قضایی یعنی غیر قضات اختلاف پیش آمده است؛ آیا رئیس قوهی قضائیه می‌تواند مستقلاً از قانون گزینش، کارکنان خود را گزینش کند و این اقدام او مستقل از قوانین گزینش باشد یا این قوه هم محکوم به رعایت قوانین گزینش است؟

آقای مؤمن - این استفساریه یعنی چه؟

آقای یزدی - یعنی خود قوهی قضائیه می‌تواند مستقلاً کارمندان خود را گزینش کند و

کاری به قوانین گزینش نداشته باشد؟

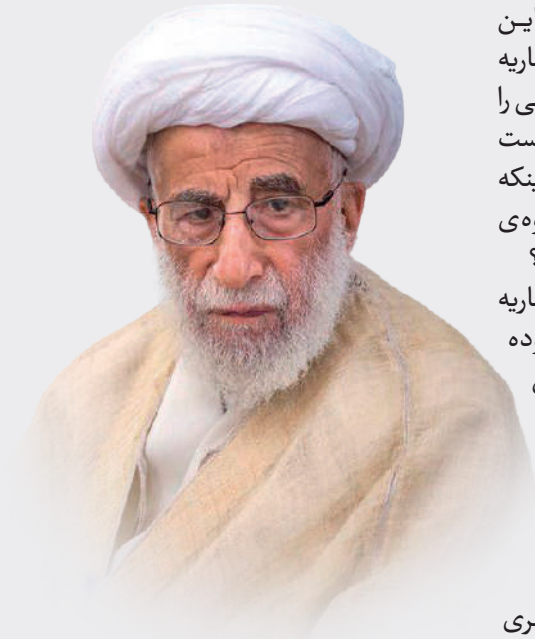
آقای مؤمن - یک وقت سؤال این است که آیا قانونی که برای گزینش هست، شامل من هم می‌شود یا نه؟ در مورد این موضوع یک قانون [= قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش] هست که مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ است و دیگری [= قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی] هم مصوب ۱۳۷۵/۲/۹ است. در این قانون اخیر، ذکر شده است که آن قانون گزینش آموزش و پرورش به دیگر دستگاه‌ها تسری داده بشود. خب، این سؤال که به ما مربوط نیست. یک وقت سؤال این است که فرض می‌کنیم قانون گزینش عمومیت دارد. حالا آیا قانون اساسی می‌گوید رئیس قوهی قضائیه هم باید آنچه را که مجلس در این قانون شرط کرده است، رعایت بکند یا نه؟ لابد رئیس قوهی قضائیه می‌خواهد این سؤال دومی را بگوید؛ چون که این سؤال مربوط به قانون اساسی است. البته قوهی قضائیه باید این قانون را هم رعایت کند.

آقای محمدرضا علیزاده - رئیس قوه، آن سؤال اول را نمی‌گوید.

آقای عباسی فرد - آقای شاهرودی درصدد نفی قانون گزینش نیست. ایشان نمی‌گوید مجلس الان بیاید و یک هیئت گزینشی برای

۱- ماده واحده قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی مصوب ۱۳۷۵/۲/۹ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده- به منظور اجرای کامل فرمان حضرت امام (ره) و اعمال سیاست واحد در گزینش‌های سراسر کشور، امر گزینش و اجرای ضوابط و مقررات مربوط به آن در کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، شرکت‌های ملی نفت و گاز و پتروشیمی، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان صنایع ملی ایران، جمعیت هلال احمر، شهرداری‌ها، سازمان تأمین اجتماعی، بانک‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، مؤسسات و شرکت‌هایی که تمام یا قسمتی از بودجه آنها از بودجه عمومی تأمین می‌شود و همچنین گزینش کارکنانی که به دستگاه‌های مشمول قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مأمور یا منتقل گردند و نهادهای انقلاب اسلامی، تابع احکام مقرر در قانون مذکور خواهند بود.

تبصره ۱- داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیر بورسیه یا غیر متعهد خدمت و مراکز آموزش عالی غیر وابسته به دستگاه‌های مذکور در فوق، قضات و اعضاء هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (اعم از کادر نظامی و غیر نظامی، ارتش، سپاه و نیروی انتظامی) تابع احکام مربوط به خود خواهند بود...»



مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است.» بخش دوم اصل (۱۶۰) قانون اساسی هم که بعداً در بازنگری سال ۱۳۶۸ در قانون اساسی آمده است، می‌گوید: «... رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند...» آقای هاشمی شاهرودی علاوه بر ذکر این اصول می‌گوید با توجه به قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه، اصل (۱۵۶) را تفسیر نکنید. البته یک قانون دیگر هم در این مورد در قالب ماده واحده‌ای آمده بود. به هر حال ایشان موقعی که این استفساریه را به اینجا فرستاد، با ما مشورت نکرد. ولی من از کل قضیه‌ی قوه‌ی

قوه‌ی قضائیه بگذارد و یک هیئتی برای این قوه قرار بدهد؛ بلکه ایشان در این استفساریه می‌گویند آیا من هم موظف هستم این قانونی را که برای مجموعه‌ی کارمندان کشوری آمده است و دولت آن را اجرا می‌کند، رعایت نکنم؟ یا اینکه اصولی که مربوط به قضا و اینها است، قوه‌ی قضائیه را از شمول این قانون جدا می‌کند؟ آقای جنتی - محل بحث در این استفساریه روشن است. یک قانونی برای گزینش بوده است که مربوط به کارمندان آموزش و پرورش بوده است. آموزش و پرورش باید طبق این قانون عمل گزینش را زیر نظر هیئت عالی گزینش انجام دهد. بعد یک قانون دیگری آمد و گفت سایر وزارتخانه‌ها هم موظفند به قانون گزینش عمل نکنند و این قانون به وزارتخانه‌های دیگر هم تسری پیدا می‌کند. حالا قوه‌ی قضائیه می‌گویند آیا ما مشمول قانون تسری می‌شویم یا اینکه مضمون قانون اساسی این است که ما برای استخدام و گزینش کارمندان خود کلاً اختیار داریم؟ یعنی آیا گزینش کارمندان این قوه برای استخدام در اختیار خودمان است؟ سؤال رئیس قوه‌ی قضائیه، این است.

آقای احمد علیزاده - رئیس قوه‌ی قضائیه این استفساریه را نسبت به اصل (۱۵۶) قانون اساسی مطرح کرده است. این اصل می‌گوید: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است...» اصل بعدی هم می‌گوید: «به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر

۱- قانون اختیارات و وظایف رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۹ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده- از تاریخ تصویب این قانون کلیه وظایف و اختیاراتی که در قوانین مختلف برای شورای عالی قضایی منظور شده به استثناء اختیارات موضوع تبصره ذیل ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ به رئیس قوه قضائیه محول می‌شود.»

قضائیه اطلاع دارم. همچنین حاج آقای یزدی و همه‌ی آقایان دیگر مستحضر هستند. منظور من این است که می‌خواهم این قضیه را عرض بکنم. در قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه آمده است که رئیس قوه قضائیه می‌تواند تشکیلات لازم برای قوه را تهیه کند.^۱ البته قبلاً اختیار این کارها در ماده واحده‌ای به ایشان داده شده بود. الآن ایشان می‌گویند قانون اساسی اختیار استخدام قضات و کارکنان قوه قضائیه را به من داده است. همچنین این قانون مجموع امور اداری و استخدامی قوه را به من داده است. حالا آیا من می‌توانم برای استخدام اینها یک گزینش مستقلی داشته باشم یا نه حتماً باید گزینش این افراد هم از طریق قانون گزینش باشد. ایشان می‌خواهد بگوید من اگر بخواهم کارمند استخدام کنم و قاضی استخدام کنم، آیا خودم می‌توانم به جای هیئت عالی گزینش اختیار گزینش این افراد را داشته باشم؟ اگر این طور باشد، بررسی همه‌ی صلاحیت‌های استخدامی مربوط به قوه قضائیه در قوه قضائیه انجام می‌شود. آقای مؤمن - ایشان در مورد گزینش افراد غیر قاضی سؤال می‌کند.

آقای احمد علیزاده - بله، من هم این مطلب را در مورد استخدام کارمندان غیر قاضی عرض می‌کنم؛ چون طبق اصل (۱۵۸) استخدام قاضی اختصاصاً با رئیس قوه قضائیه است. استخدام قضات حتی قابل تفویض به وزیر دادگستری هم نیست. آقای یزدی - البته استخدام قضات باید در چارچوب قانون باشد. آقای احمد علیزاده - بله، البته این کار باید در چارچوب قانون باشد. به هر حال هیئت عالی گزینش قاضی را گزینش نمی‌کند. حضرت عالی نسبت به این مطلب مستحضر هستید. استخدام قاضی از طریق مرکز آموزش قضات در قوه قضائیه انجام می‌شود. اما هیئت عالی گزینش زیر نظر دولت می‌باشد و رئیس قوه قضائیه تنها یک نماینده در این هیئت دارد. تمام نماینده‌های موجود در این هیئت برای دولت هستند.^۲ رئیس هیئت عالی گزینش هم از طرف دولت انتخاب می‌شود.^۳ از طرفی رئیس قوه قضائیه می‌خواهد شرایطی را برای استخدام کارکنانش داشته باشد؛ بنابراین این شرایط از جهت آن هیئت محدود می‌شود. به همین خاطر رئیس قوه قضائیه

۱- ماده (۱) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۸ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱- رئیس قوه قضائیه علاوه بر وظایف و اختیارات موضوع قانون اختیارات و وظایف رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۹، دارای وظایف و اختیارات مصرح در این قانون نیز به شرح زیر می‌باشد:

الف- ایجاد تشکیلات قضایی و اداری لازم و متناسب با وظایف مقرر در اصل یکصد و پنجاه و ششم (۱۵۶) قانون اساسی در دادگستری
ب- انتقال قضات داوطلب به تهران و سایر شهرستان‌هایی که با کمبود شدید قضای مواجه هستند در صورت مصلحت و بدون رعایت قانون نقل و انتقال قضات

ج- پیشنهاد بودجه سالیانه قوه قضائیه و سازمان‌های وابسته آن به هیئت وزیران.»

۲- ماده (۴) قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴- رئیس جمهور برای انجام وظایف مقرر در ماده (۵) این قانون و با توجه به مواد و ضوابط مندرج در فرمان حضرت امام (ره) هیئت عالی گزینش را با ترکیب زیر تشکیل می‌دهد:

۱- نماینده قوه قضائیه به انتخاب رئیس قوه قضائیه

۲- دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی کشور (در صورتی که فردی توسط رئیس جمهور به این سمت منصوب شده باشد)

۳- وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی حسب مورد

۴- دو نماینده از کمیسیون‌های امور اداری و استخدامی و آموزش و پرورش به انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر.

تصوه- دبیرخانه هیئت عالی گزینش که زیر نظر دبیر هیئت و در نهاد ریاست جمهوری می‌باشد، دارای ردیف مستقل بودجه بوده و کماکان از کلیه امکاناتی که در اختیار دارد، استفاده خواهد نمود.»

۳- ماده (۶) قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶- رئیس جمهور با رعایت مفاد این قانون می‌تواند اداره امور گزینش کشور را مستقیماً عهده‌دار شود و یا به عهده دیگری بگذارد.»

زیر نظر هیئت عالی گزینش باشد؟ حالا اگر تشکیل هیئت عالی گزینش در قوه‌ی قضائیه به قانون نیاز داشته باشد، می‌شود آن قانون را تهیه کرد؛ ولی آیا اصلاً قانون اساسی چنین اجازه‌ای را به رئیس قوه‌ی قضائیه می‌دهد یا نمی‌دهد؟ سؤال این استفساریه این است.

آقای زواره‌ای - اگر قانون گزینش از تصویب مجلس نمی‌گذشت، دولت و دستگاه‌های دولتی موظف به رعایت ضوابط گزینش نمی‌شدند. مجلس این قانون را گذشته است. چندین سال است که این قانون دارد با تفاوت و اصلاحاتی در مملکت اجرا می‌شود. حالا اگر این سؤال مربوط به تفسیر این قانون عادی باشد، تفسیر آن با مجلس است. قانون گزینش یکی از مقررات حاکم بر جامعه است و اجرای آن برای هیچ دستگاهی فرقی نمی‌کند. این قانون یک هیئت عالی گزینش برای کل دستگاه‌ها قرار داده است.

آقای محمدرضا علیزاده - مورد سؤال، این مطلب نیست.

آقای عباسی فرد - الان ما داریم در مورد چه چیزی بحث می‌کنیم؟

آقای زواره‌ای - مورد سؤال غیر از این است؟ محل بحث این است که قوه‌ی قضائیه مشمول این قانون است یا نیست. شما باید بفرمایید این قوه مستثنا نیست. به علاوه، تفسیر قانون عادی با مجلس است. آنچه در کل کشور مورد عمل بوده است، ضوابطی است که برای گزینش گذاشته‌اند. به کل مملکت گفتند یک هیئت عالی گزینش وجود دارد که برای همه‌ی دستگاه‌ها است. این هیئت حتی برای مجلس هم است؛ بنابراین نمی‌توان گفت خود دستگاه قضایی می‌تواند برای استخدام کارکنانش تشکیلات جداگانه‌ای داشته باشد؛ چون هر چیزی که مجلس تصویب کرد و در مورد



می‌گوید الان قانون گزینش هست. حالا طبق قانون اساسی آیا من باید آن را اجرا بکنم یا نه؟ ایشان می‌گوید آیا من اصولاً می‌توانم یک هیئت عالی گزینش تأسیس کنم که زیر نظر رئیس قوه‌ی قضائیه باشد و این هیئت بیاید و صلاحیت گزینشی کارمندانی را که می‌خواهم استخدام کنم، تعیین کند؟ این مسئله بارها در شورا مطرح شده است. اصل سؤال رئیس قوه‌ی قضائیه این مسئله است. من تا چند مدت قبل که آقایان فرمودند، محتوای این استفساریه را نمی‌دانستم. اصلاً تا چند مدت قبل که موضوع این نامه مطرح شد، من از تهیه‌ی این نامه و اینکه نامه‌ای از ایشان به اینجا آمده است، اطلاعی نداشتم. حالا منظور من این است که این مسئله بارها به صورت جسته و گریخته بحث شده است. من آنچه را که از مجموع آن مطالب دریافت کردیم، خدمت آقایان عرض کردم. حالا من کاری به اینکه این نامه تا چه اندازه رسا است و آیا این مطلب را می‌رساند یا نمی‌رساند، ندارم؛ ولی اصل مطلب و حاق واقع قضیه این است که گفتیم. حالا با توجه به قانون اساسی، آیا رئیس قوه‌ی قضائیه می‌تواند یک هیئت عالی گزینش تنظیم کند و هسته‌های گزینش زیر نظر همان هیئت عالی گزینش قوه‌ی قضائیه باشد؟ آیا او می‌تواند این کار را انجام بدهد یا اینکه الزاماً و اجباراً بایستی

آن تصمیم گرفت، برای همه‌ی دستگاه‌های کشور است. برای اینکه در کشور ما استقلال قوا یک استقلال مطلق نیست؛ بلکه استقلال قوا یک استقلال نسبی است. خیلی چیزها برای همه‌ی قوا مشترک است. می‌شود گفت چون قوه‌ی قضائیه مستقل است، پس خودش باید بودجه‌ی سالانه‌اش را تهیه کند و بدهد؟ نه، نمی‌شود. برای اینکه ما یک خزانه داریم و تشکیلات دولت باید درآمدها و هزینه‌های بودجه‌ی سالانه را تأمین کند و بعد به مجلس بدهد. مجلس هم آن را تصویب می‌کند. البته خود قانون اساسی وضعیت استخدام قضات را به صورت جداگانه روشن کرده است.

آقای مؤمن - بله، تبصره (۱) قانون تسری هم قضات را از شمول قانون‌گزینش استثنا کرده است.^۱

آقای زواره‌ای - بله، این قانون قضات را استثناء کرده است؛ بنابراین از نظر بنده، اولاً این قانون به آن صورت که رئیس قوه‌ی قضائیه گفته است، قابل تفسیر نیست؛ چون تفسیر قانون اساسی محسوب نمی‌شود که ما آن را انجام بدهیم. ثانیاً قانون‌گزینش یک قانون حاکم بر جامعه است. اگر قرار باشد تغییراتی در آن حاصل بشود، اعمال آن تغییرات باید از طریق مجلس باشد.

آقای رضوانی - استقلال قوه‌ی قضائیه هیچ منافاتی با شرط کردن اموری درباره مستخدمین آن قوه ندارد. حتی شرط کردن این موارد در مورد قضات هم منافاتی با استقلال قوه‌ی قضائیه ندارد. قانون اساسی نگفته است حالا که قوه‌ی قضائیه در استخدام

مستقل است، شرایط مستخدمینش را هم خودش تعیین نکند؛ بلکه مجلس باید در این مورد قانون تصویب نکند. بنابراین همانطور که مجلس می‌تواند قانونی را نسبت به شروط و خصوصیات مستخدمین جعل و تصویب کند، می‌تواند یک مسیر خاصی را برای اینکه آیا این فرد واجد شرایط استخدام در این قوه است یا واجد این شرایط نیست، تعیین کند. اگر این قانون نسبت به جمیع ادارات تعمیم دارد، شامل قوه‌ی قضائیه هم می‌شود. مجلس آمده است و در این قانون هم شرایط مستخدمین را گفته است و هم راه تشخیص این شرایط را گفته است. اگر مجلس عمومیت این قانون را تقیید نکرده است، گزینش در این قوه یک قانون دیگری نمی‌خواهد؛ پس به واسطه‌ی وجود همین قانون، ما نمی‌توانیم بگوییم خود قوه‌ی قضائیه می‌تواند شرایطی را که در این قانون گفته شده است، تشخیص بدهد.

آقای محمدرضا علیزاده - اصلاً به طور کلی ما داریم یک راه دیگری را می‌رویم. سؤال این استفساریه، درباره‌ی این مسائل نیست. قانون اساسی باید استقلال مطلق و نسبی قوا را تعیین نکند. اصل (۵۷) می‌گوید سه قوه از همدیگر مستقل هستند؛ ولی هر جا که این اصل توسط خود قانون اساسی نقض شده است، ما هم می‌توانیم آن را نقض نکنیم. به همین خاطر ما نمی‌توانیم بگوییم استقلال قوا به صورت مطلق است. البته ما نمی‌خواهیم در اینجا حقوق اساسی درس بدهیم. اگر ما بخواهیم حقوق اساسی درس بدهیم، می‌گوییم استقلال قوا یا به

۱- تبصره (۱) ماده واحده قانون تسری قانون‌گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی مصوب ۱۳۷۵/۲/۹ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده - ... تبصره ۱- داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیر بورسیه یا غیر متعهد خدمت و مراکز آموزش عالی غیر وابسته به دستگاه‌های مذکور در فوق، قضات و اعضاء هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (اعم از کادر نظامی و غیر نظامی، ارتش، سپاه و نیروی انتظامی) تابع احکام مربوط به خود خواهند بود.»



صورت مطلق است و یا به صورت نسبی است. الآن استقلال قوا در همه جا به شکل مطلق نیست؛ اما تا حدی می‌توان به استقلال قوا ضربه وارد کرد که قانون اساسی آن را تجویز کرده باشد. بیش از آن مقدار نمی‌شود این استقلال را نقض کرد. الآن قانون اساسی می‌گوید استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب و تغییر محل مأموریت آنها با رئیس قوه قضائیه است. مطابق قانون اساسی، استخدام قضات این‌طور است وگرنه هیئت عالی‌گزينش باید قضات را گزينش بکند. بعد قانون اساسی گفته است برخی از کارها قابل تفویض به وزیر دادگستری هستند. از طرف دیگر، الآن برای استخدام در قوه قضائیه هیئت گزينشی در مملکت وجود دارد. این هیئت گزينش تحت نظر رئیس جمهور و دولت است. یعنی آنها به رئیس قوه قضائیه می‌گویند درست است که تو مستقل هستی و مجلس به شما اجازه می‌دهد

که کارمند بگیری، ولی یک هیئت دیگری باید صلاحیت و وضعیت این کارمند را با قانون گزينش تطبیق بدهد. مطلب دیگر این است که استخدام تعریف دارد. ما باید ببینیم استخدام در قانون استخدام به چه معنایی است. 'استخدام از آن روزی شروع می‌شود که آگهی می‌کنیم و شرایط استخدام را بر داوطلب تطبیق می‌دهیم. بعد این فرد امتحان می‌دهد و ابلاغ او صادر می‌شود. در مرحله‌ی بعد از جایی به جای دیگر منتقل شود و به مأموریت می‌رود یا به مرخصی می‌رود. بعد مراحل دیگر را طی می‌کند تا بازنشسته بشود. به این مراحل استخدام می‌گویند. حالا قانون اساسی می‌گوید استخدام در قوه قضائیه تحت

۱- ماده (۱) قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱ کمیسیون خاص مشترک مجلسین: «ماده ۱- تعاریف: الف (اصلاحی ۱۳۵۳/۱۲/۲۸) - استخدام دولت عبارت از پذیرفتن شخصی به خدمت دولت در یکی از وزارتخانه‌ها یا شرکت‌ها یا مؤسسات دولتی است.

ب- خدمت دولت عبارت از اشتغال به کاری است که مستخدم به موجب حکم رسمی مکلف به انجام آن می‌گردد...»
شورای نگهبان تاکنون در موارد متعدد، تفویض اختیارات تقنینی و اجرایی را به مراجع غیر ذی صلاح مغایر اصول (۶۰)، (۸۵) و (۱۲۸) قانون اساسی تشخیص داده است. به عنوان نمونه، در بند (۳) نظر ۷۹/۲۱/۱۴۰۰ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۳ شورای نگهبان در خصوص ماده (۱۰) لایحه تشکیل وزارت جهاد کشاورزی مصوب ۱۳۷۹/۹/۲۳ مجلس شورای اسلامی آمده است: «۳- تشکیل شورای عالی آب مذکور در ماده (۱۰) با اختیاراتی که به این شورا محول شده، خلاف اصول (۶۰)، (۸۵) و (۱۲۸) قانون اساسی است؛ زیرا چنانچه اختیارات مذکور در این ماده وضع قوانین و مقررات باشد، از وظایف مجلس شورای اسلامی است و قابل تفویض به مرجع دیگر نمی‌باشد. چنانچه وظایف اجرایی باشد، به عهده رئیس جمهور و وزراء است.» متن ماده (۱۰) لایحه تشکیل وزارت جهاد کشاورزی مصوب ۱۳۷۹/۹/۲۳ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «ماده ۱۰- به منظور هماهنگی سیاست‌گذاری در زمینه تأمین، توزیع و مصرف آب کشور، شورایی به نام شورای عالی آب متشکل از وزرای نیرو، جهاد کشاورزی، صنایع و معادن، کشور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، یک نفر از اعضای کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی با انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر و دو نفر از متخصصین بخش کشاورزی به حکم رئیس جمهور تشکیل می‌گردد. ریاست عالی به این شورا با رئیس جمهور یا معاون اول ریاست جمهوری خواهد بود. تصمیمات این شورا برای دستگاه‌های ذی‌ربط لازم‌الاجرا می‌باشد.» برای آگاهی کامل از این نظر و سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: صالحی، محمد، فتحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)؛ جلد چهارم (اصول ۱۱۳ تا ۱۷۷ قانون اساسی)»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، چ ۱، ۱۳۹۶، صص ۲۱۸-۳۴۷.

نظر رئيس قوه‌ی قضائيه است؛ در حالی که ما می‌گوییم قانون مجلس برای یک قسمت از این مراحل [= مرحله‌ی گزینش] تعیین تکلیف بکند. اگر مجلس کار دولت را به دو تا وزیر بدهد، ما می‌گوییم این کار اشکال دارد. ما می‌گوییم قانون اساسی می‌گوید هیئت وزیران می‌تواند کار خودش را به دو وزیر بدهد؛ ولی مجلس نمی‌تواند چنین چیزی بگوید. ما چند جا به واگذاری این امور به مراجع غیر صالح ایراد گرفتیم. الآن اگر واگذاری استخدام کارمندان این قوه به مرجعی غیر از این قوه ایراد ندارد، باید بگوییم واگذاری امور استخدامی قضات به دیگران هم ایرادی ندارد. بنابراین این بحث به این آسانی که ما می‌خواهیم بگوییم، نیست. آقای رئیس قوه‌ی قضائیه می‌گوید طبق قانون اساسی استخدام کارکنان قوه‌ی قضائیه با من است. شما برای رد کردن این ادعا، تهیه‌ی بودجه‌ی این قوه توسط دولت را مثال زنید؛ چون اصل (۵۲) این کار را تجویز کرده است. این اصل می‌گوید بودجه‌ی کل کشور بالایحه‌ی دولت تعیین می‌شود؛ اما قانون اساسی نگفته است استخدام کل مملکت از طریق دولت است. تازه استخدام مجلس هم نباید تحت نظر دولت باشد. الآن استخدام مجلس این طور نیست. گزینش و استخدام شورای نگهبان هم نباید تحت نظر دولت باشد. تنها استخدام در دستگاه‌های اجرایی از طریق رئیس جمهور است. این مطلب در قانون تسری آمده است. ما گفتیم استخدام در هر جایی

که این قانون گفته است، از طریق رئیس جمهور می‌باشد. اما مگر ما گفتیم قانون عادی می‌تواند بگوید هر کسی به هر جایی برود و گزینش بکند؟ ما همیشه به واگذاری وظایف یک قوه به قوه‌ی دیگری ایراد گرفتیم و گفتیم چرا دیگران را مسئول این کار قرار دادید؛ مثلاً الآن اگر رئیس جمهور بخواهد یک هیئت گزینش دیگری غیر از این هیئت عالی گزینش بگذارد، شما نمی‌توانید جلوی او را بگیرید. سوابق مربوط به قانون گزینش را بیاورید تا این مطلب روشن بشود. اگر این طور است [که قوه‌ی قضائیه نمی‌تواند مستخدمان خودش را استخدام بکند]، باید همین مطلب را درباره‌ی رئیس جمهور هم بگویید. اما ما در اینجا به مجلس گفتیم اگر رئیس جمهور تشکیل هیئت عالی گزینش را قبول ندارد، نمی‌توانید به رئیس جمهور بگویید این هیئت را تشکیل بدهد. ما قانون گزینش را به این شرط تأیید کردیم که اگر رئیس جمهور تشکیل این هیئت را قبول نداشت، خودش بتواند کار این هیئت را انجام بدهد.^۱ باید این سوابق را بیاوریم و ببینیم. پس نظر دادن در این مورد این طور آسان نیست، بلکه باید برویم و نظرات قبلی مان را بخوانیم. قبلاً ما گفتیم اگر خود رئیس جمهور هیئت عالی گزینش را قبول نداشته باشد و بخواهد یک هیئت دیگری داشته باشد، مجلس نمی‌تواند به او بگوید این کار را نکند. این سوابق را بیاورید تا آنها را بخوانیم. مطلب بعد این است که موضوع این استفساریه، تفسیر قانون عادی نیست.

۱- نظر شماره ۴۸۴ مورخ ۱۳۷۴/۴/۱۴ شورای نگهبان در خصوص طرح گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب ۱۳۷۴/۴/۴ مجلس شورای اسلامی: «اگرچه تصویب تشکیلات خاصی برای اداره امور اداری و استخدامی کشور مخالف قانون اساسی نیست، لکن اختیار رئیس جمهور برای تفویض اداره امور مذکور به دیگری باید محفوظ بماند و چون مستفاد از مواد قانون این است که رئیس جمهور تنها می‌تواند به هیئت عالی گزینش تفویض اختیار نماید، فلذا خلاف ذیل اصل (۱۲۶) قانون اساسی شناخته شد. و اگر ماده‌ای به این مضمون «رئیس جمهور می‌تواند با رعایت مفاد این قانون اداره امور اداری و استخدامی را مستقیماً عهده‌دار شود و می‌تواند به عهده دیگری بگذارد» اضافه شود و عبارت داخل پرانتز در ماده (۵) اصلاحی حذف شود، رفع اشکال خواهد شد.»

آیا هیئت‌گزینش می‌تواند این کار را انجام دهد یا نمی‌تواند؟ ما باید به این سؤال جواب بگوییم.

آقای عباسی فرد - بسم الله الرحمن الرحيم. سؤال استفساریه، این مطلب نیست. رئیس قوه قضائیه دارد می‌گوید آیا من مشمول قانون گزینش قرار گرفته‌ام یا نه؟ جناب آقای زواره‌ای فرمودند اگر الآن این قانون گزینش نبود، دولت در مانور آزاد بود و خودش در این مورد تصمیم می‌گرفت و اقدام می‌کرد. این مطلب، مطلب درست و به حقی است. من می‌خواهم دقیقاً از همین مطلب درست و به حق ایشان استفاده کنم و مطلبی را بگویم؛ سؤال قوه قضائیه این است که آیا آن قانونی که اول خطاب به آموزش و پرورش بوده است و بعد به سایر وزارتخانه‌ها تسری داده شده است، به طور خود به خود به قوه قضائیه مستقل هم تسری پیدا می‌کند؟ اصلاً ما قوه قضائیه را نمی‌گوییم. آیا این قانون به مجلس هم تسری پیدا می‌کند یا نه؟ سؤال این استفساریه، این است. این قانون به مجلس تسری پیدا نکرده است و الآن مجلس به صورت مستقل عمل می‌کند. الآن مجلس تابع گزینش‌های سراسر کشور که زیر نظر دولت هستند و رئیس جمهور رئیس آنها را تعیین می‌کند، نیست. پس سؤال رئیس قوه قضائیه این نیست که آیا مجلس می‌تواند برای من قانون گزینش بگذارد یا نه. اصلاً سؤال این نیست. سؤال ایشان این است که آیا آنچه در ابتدا برای یک وزارت بوده است و بعد گفتند سایر وزارتخانه‌ها هم مشمول آن هستند، خود به خود به من هم تطبیق پیدا می‌کند؟ یا اینکه چون من قوه مستقلی هستم، تا وقتی که به

رئیس قوه قضائیه می‌گوید استخدام در قوه قضائیه با من است. این استخدام هم اعم از استخدام قضات و غیر قضات است. فقط من می‌توانم یک قسمتی از این اختیارات را به وزیر دادگستری تفویض کنم. حالا آیا مجلس می‌تواند اختیارات من را در اختیار یک جای دیگری قرار بدهد؟ اتفاقاً اصل (۱۶۰) هم همین مطلب را می‌گوید. اینکه گزینش کارکنان قوه قضائیه به عهده‌ی رئیس قوه قضائیه است، رعایت کردن قانون گزینش توسط این قوه را نفی نمی‌کند. مجلس می‌تواند برای استخدام کارمندان این قوه قانون بگذراند، اما نمی‌تواند اختیار استخدام آنها را به جای دیگری بدهد. مجلس می‌تواند هر مقرراتی که بخواهد، وضع بکند. مجلس می‌تواند هر مقرراتی را برای استخدام کارکنان این قوه وضع بکند، ولی اعمال آن مقررات در اختیار رئیس قوه است؛ برای اینکه طبق قانون اساسی امور اجرایی قوه قضائیه به عهده‌ی او است. مجلس نمی‌تواند این اختیار را با وضع قانون به دیگری بدهد. مجلس نمی‌تواند این اختیار را حتی به وزیر دادگستری بدهد. اگر مجلس این اختیار را به دیگری بدهد، ما می‌گوییم این کار ایراد دارد؛ چون تنها رئیس قوه قضائیه باید این اختیار را تفویض کند؛ بنابراین ما الآن نباید بگوییم چون این قانون تا الآن مورد عمل بوده است، این قوه را در بر می‌گیرد. ممکن است معلوم شود که یک چیزی که تا الآن مورد عمل بوده است، اشتباه بوده است. به هر حال ما الآن داریم می‌گوییم که گزینش کارکنان قوه قضائیه زیر نظر قوه مجریه باشد و هیئتی که زیر نظر قوه مجریه است، این کار را انجام بدهد.

مجلس می‌تواند به او بگوید تو می‌خواهی کارمندی استخدام کنی. برای این کار باید یک هیئت عالی باشد تا این شرایطی را که ما در اینجا قرار دادیم، برای آن کارمند احراز بکند. آن وقت تو می‌توانی آنها را استخدام کنی، نه اینکه ملزم به استخدام آنها باشی؛ یعنی تو نمی‌توانی همه‌ی اشخاصی را که خودت تشخیص می‌دهی شرایط استخدام را دارند، استخدام کنی. مجلس به رئیس قوه می‌گوید شرط استخدام این است که این هیئتی که ما می‌گوییم، تشخیص بدهد این افراد این شرایط را دارند. حالا اگر ما بخواهیم به قانون توجه کنیم، این شرایط در قانون گزینش معلمان بوده است. همان‌طور که آقایان فرمودند، این قانون ظاهراً در تاریخ ۱۳۷۴/۶/۱۴ به تصویب مجلس رسیده است. ماده (۲) این قانون می‌گوید: «ماده ۲- ضوابط عمومی گزینش اخلاقی، اعتقادی و سیاسی کارکنان آموزش و پرورش، مدارس غیر انتفاعی، سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه اعم از داوطلبان مرکز تربیت معلم، دانشسرای تربیت معلم، تعهد دبیری، متعهدین خدمت و استخدام و اشتغال، بورسیه‌های داخل و خارج، اعزام مأمورین ثابت، مأمورین و منتقلین سایر دستگاه‌ها برای مشاغل آموزشی و غیر آموزشی، علاوه بر داشتن شرایط عمومی استخدام (صلاحیت علمی و توانایی جسمی و روانی)، به قرار ذیل است:

۱. اعتقاد به دین مبین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲. التزام عملی به احکام اسلام
۳. اعتقاد و التزام به ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی

طور علی‌الخصوص مخاطب این قانون قرار نگرفته‌ام، مشمول این قانون نیستم؟ یعنی آیا تا زمانی که من مخاطب این قانون قرار نگرفتم، آن آزادی موقعی که هنوز این قانون نیامده بود، برای من محفوظ است؟ آقای استادی - در این صورت این استفساریه ربطی به ما ندارد.

آقای عباسی فرد - نه، سؤال این است که آیا اصولی از قانون اساسی که آمده است و حدود اختیارات قوا را مشخص کرده است...

آقای محمدرضا علیزاده - ... اجازه می‌دهد که این قانون شامل من بشود؟ آقای مؤمن - استفساریه‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه راجع به اصل (۱۵۶) است؛ این اصل در مورد اصل استقلال قوه‌ی قضائیه است. حالا اگر ما بخواهیم این مسئله را از نظر قانون اساسی حساب بکنیم، باید به این سؤال پاسخ بدهیم که آیا رئیس قوه‌ی قضائیه می‌تواند کادر اداری این قوه را استخدام کند یا نمی‌تواند آنها را استخدام بکند. آیا اجازه‌ی مجلس برای این کار لازم است و ایشان باید از مجلس تبعیت بکند یا نه؟ فرض کنیم مجلس بگوید حتی قوه‌ی قضائیه هم نمی‌تواند هیچ‌کس را در امور اداری انتخاب بکند یا اینکه بگوید این قوه نمی‌تواند هیچ‌کس را حتی در امور قضایی انتخاب کند. در این صورت آیا رئیس قوه‌ی قضائیه می‌تواند بگوید چون قانون اساسی گفته است استخدام کارکنان قوه با تو است، پس من خودم آنها را استخدام می‌کنم؟ شکی نیست که رئیس قوه‌ی قضائیه برای استخدام کارکنان خود باید از مجلس جواز بگیرد. در این صورت اگر قوه‌ی قضائیه بخواهد چند نفر را استخدام کند،



شرایط توسط این هیئت، اختیار استخدام کارکنان قوه قضائیه را از دست رئیس قوه قضائیه نگرفته است؛ بلکه قانون‌گزینش می‌گوید فرد باید این شرایط را داشته باشد تا رئیس قوه بتواند او را استخدام کند. پس این قانون تنها این شرایط را گفته است. اتفاقاً اصل قانون‌گزینش، مربوط به معلمان است. قانون تسری این قانون هم این‌طور است؛ قانون تسری قانون‌گزینش می‌گوید: «ماده واحده- به منظور اجرای کامل فرمان حضرت امام (ره) و اعمال سیاست واحد در گزینش‌های سراسر کشور، امر گزینش و اجرای ضوابط و مقررات مربوط به آن در کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، شرکت‌های ملی نفت و گاز و پتروشیمی، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان صنایع ملی ایران، جمعیت هلال احمر، شهرداری‌ها، سازمان تأمین اجتماعی، بانک‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، مؤسسات و شرکت‌هایی که تمام یا قسمتی از بودجه آنها از بودجه عمومی تأمین می‌شود و همچنین گزینش کارکنانی

۴. عدم اشتها به فساد اخلاقی و

تجاهر به فسق

۵. عدم سابقه وابستگی تشکیلاتی و

هواداری از احزاب و سازمان‌ها و

گروه‌هایی که غیر قانونی بودن آنها

از طرف مقامات صالحه اعلام شده

و یا می‌شود، مگر آنکه توبه ایشان

احراز شود

۶. عدم سابقه محکومیت کیفری مؤثر

۷. عدم اعتیاد به مواد مخدر.»

طبق این قانون، فردی که می‌خواهد

استخدام بشود، باید این شرایط را داشته

باشد. آن وقت هیئت عالی‌گزینش این

شرایط را احراز می‌کند. بعد خود این

ماده این مطلب را دارد که تشخیص بند

(۵) به عهده‌ی وزارت اطلاعات است.^۱ این

بند می‌گوید مستخدم سابقه‌ی تشکیلاتی

نداشته باشد. وزارت اطلاعات باید بگوید فرد

این سابقه را دارد یا ندارد. احراز سایر موارد

هم به عهده‌ی هیئت عالی‌گزینش است.

هیئت عالی‌گزینش می‌گوید این شخص

این جهات را دارد. حالا فرض کنید ده نفر

برای استخدام آمده‌اند و تقاضای استخدام

دارند. رئیس قوه‌ی قضائیه هم تنها دو نفر را

می‌خواهد. در این صورت، قانون‌گزینش به

او می‌گوید تو در صورتی می‌توانی این افراد را

استخدام کنی که هیئت عالی‌گزینش بگوید

اینها این هفت شرطی را که ما گفتیم، دارد.

این قانون به رئیس قوه می‌گوید تو این فرد

را استخدام بکن، نه اینکه من او را استخدام

بکنم و نه اینکه هیئت عالی‌گزینش او را

استخدام بکند [بلکه این هیئت تنها این

شرایط را احراز می‌کند]. آن وقت احراز این

۱- تبصره (۳) ماده (۲) قانون‌گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- ... تبصره ۳- تشخیص بند (۵) ضوابط عمومی به عهده وزارت اطلاعات و در سایر موارد به عهده هیئت عالی‌گزینش می‌باشد.»

که به دستگاه‌های مشمول قانون‌گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مأمور یا منتقل گردند و نهادهای انقلاب اسلامی، تابع احکام

مقرر در قانون مذکور خواهند بود.» حالا به

این تبصره توجه بفرمایید. این تبصره صریحاً

می‌گوید این قانون، شامل کارکنان قوه‌ی

قضائیه هم می‌شود: «تبصره ۱- داوطلبان

ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش

عالی غیر بورسیه یا غیر متعهد خدمت

و مراکز آموزش عالی غیر وابسته

به دستگاه‌های مذکور در فوق،

قضات و اعضاء هیئت‌های علمی

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش

عالی، پرسنل نیروهای مسلح

جمهوری اسلامی ایران (اعم

از کادر نظامی و غیر نظامی

ارتش، سپاه و نیروهای

انتظامی)، تابع احکام مربوط

به خود خواهند بود.» این

تبصره فقط قضات را از این

قانون استثنا کرده است.

نتیجه این می‌شود که

عموم این قانون می‌گوید

این قانون باید در سراسر

کشور در همه‌ی دستگاه‌ها

رعایت شود. این قانون

می‌گوید هیئت عالی‌گزینش

باید شرایط مذکور در ماده

(۲) این قانون را در اشخاصی

که خواستار استخدام هستند،

احراز کند. فقط استخدام

قضات به این قانون مربوط

نیست؛ پس این قانون نسبت به

قوه‌ی قضائیه هم شمول دارد. شما

موقع بررسی این قانون هم نفرمودید که

این شمولیت خلاف قانون اساسی است.



فقط می‌گوید هیئت‌هایی باید شرایط کسی را که تو می‌خواهی استخدام کنی، تشخیص بدهند. وقتی اینها این شرایط را احراز کردند، اگر شما خواستی، استخدام می‌کنی و اگر نخواستی، استخدام نمی‌کنی. به علاوه، هیچ الزامی نیست که این قوه هر کسی را که هیئت منتخب رئیس جمهور تعیین کرد و صلاحیت‌های هفت‌گانه‌ی آن را تشخیص داد، استخدام بکند.

آقای عباسی فرد - رئیس قوه باید رد صلاحیت کارمند خود را بپذیرد.
آقای مؤمن - بله، اگر هیئت‌های گزینش فردی را رد کردند، رئیس قوه نمی‌تواند او را استخدام کند؛ بنابراین شمول این قانون نسبت به قوه‌ی قضائیه خلاف قانون اساسی نیست.

آقای یزدی - توضیحات حاج آقای مؤمن خیلی جامع و کامل و مفید بود و مسئله را روشن کرد. من هم می‌خواستم به طور اجمال همین مطلب را عرض کنم. قانون مصوب مجلس راجع به گزینش است و یک سری شرایط راجع به گزینش گفته است. عموم آن همه‌ی دستگاه‌ها و همه‌ی وزارتخانه‌ها را در بر می‌گیرد و این قانون مربوط به کارمندان دستگاه‌ها است. اصول قانون اساسی و قوانین عادی که راجع به استخدام قضات و شرایط قضات است، هیچ منافاتی با اطلاق این قانون ندارند؛ بنابراین به نظر من این مسئله خیلی روشن است. توضیحاتی هم که جناب آقای مؤمن فرمودند، کاملاً بحث را روشن کرد.

آقای عباسی فرد - پس ما باید بنویسیم که مجلس باید این قانون را تفسیر بکند، نه ما.

آقای آراد - اصل (۱۶۰) در این مطلب

حالا رئیس قوه‌ی قضائیه در این استفساریه می‌فرماید آیا این قانون شامل ما می‌شود یا چون اصل (۱۶۰) گفته است استخدام در قوه‌ی قضائیه با رئیس قوه‌ی قضائیه است، این قانون به ما مربوط نیست. خب، معلوم است که رئیس قوه نباید چنین سؤالی بکند. خود این قانون نسبت به استخدام کارکنان قوه‌ی قضائیه شمولیت دارد، اما این قانون اختیار استخدام کارکنان قوه‌ی قضائیه را از دست رئیس قوه‌ی قضائیه نمی‌گیرد. این قانون می‌گوید باید هیئت‌های عالی گزینش بگویند کسانی که تو می‌خواهی استخدام کنی، این شرایط هفت‌گانه را دارند. بعد تو آنها را استخدام کن. این قانون نمی‌گوید ما آنها را استخدام می‌کنیم و یا هیئت عالی گزینش آنها را استخدام می‌کند تا خلاف قانون اساسی باشد؛ پس شمول این قانون نسبت به قوه‌ی قضائیه، با استقلال قوه‌ی قضائیه هیچ منافاتی ندارد. استقلال قوه‌ی قضائیه هم مربوط به عمل قضای این قوه است و اصلاً مربوط به استخدام کارکنان غیر قضایی نیست. معنای استقلال قوه‌ی قضائیه این است که دادگاه باید در حکمی که صادر می‌کند، مستقل باشد. هیئت منصفه نمی‌تواند برای قضای تصمیم بگیرد و او نمی‌تواند به آنها بگوید چشم، هر چیزی که شما بگویید درست است و فقط اگر اجازه بفرمایید، من قانون این حکم را معین می‌کنم. قضای نمی‌تواند این کار را انجام بدهد. اما اگر از باب قضا کنار آمدیم و استخدام کادر اداری قوه مطرح باشد، این بحث دیگر مربوط به اصولی که راجع به استقلال قوه‌ی قضائیه است، نیست. این قانون، اصل استخدام کادر قوه‌ی قضائیه را از رئیس قوه‌ی قضائیه نگرفته است؛ بلکه

آنها را استخدام کند، مسلماً نمی‌تواند این کار را بکند. به همین خاطر به نظر بنده همانطور که اختیار رئیس قوه قضائیه نسبت به گزینش قضات اعمال می‌شود، گزینش کارکنان اداری دادگستری باید در اختیار رئیس قوه قضائیه باشد. در نهایت بنده این قانون را شامل قوه قضائیه نمی‌دانم.

آقای جنتی - به دو گونه می‌شود این سؤال را معنی کرد؛ یکی اینکه آیا قانون تسری که شامل وزارتخانه‌ها و امثال اینها می‌شود، شامل قوه قضائیه هم می‌شود یا نمی‌شود؟ اگر شمول این قانون نسبت به این قوه ابهامی داشته باشد، تفسیر آن به عهده هی‌مجلس است. پس این مسئله در استفساریه مطرح نیست؛ بلکه آنچه در اینجا مطرح است، این است که قانون اساسی استخدام کارکنان قوه را در اختیار رئیس قوه قضائیه گذاشته است. حالاً آیا معنای این اختیار این است که استخدام اینها با تمام مقدماتش به رئیس قوه واگذار شده است یا فقط استخدام آنها به او واگذار شده است؟ اگر معنای قانون اساسی این باشد که استخدام کارکنان قوه با تمام مقدماتش در اختیار رئیس قوه است، در صورتی که یک قانونی بیاید و بخواهد این اختیار را محدود بکند، باید آن قانون را رد کرد؛ چون آن قانون خلاف قانون اساسی می‌شود.

آقای مؤمن - رئیس قوه قضائیه در این استفساریه نظر تفسیری شورا را پرسیده است.

آقای جنتی - می‌دانم؛ غرض این است که ما می‌خواهیم قانون اساسی را تفسیر کنیم.

صراحت دارد که استخدام کارکنان قوه قضائیه به عهده‌ی خود قوه است؛ حالا مطلب این استفساریه این است که آیا قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به وزارتخانه‌ها مصوب سال ۱۳۷۵ شامل کارکنان اداری قوه قضائیه هم می‌شود یا نه؟ سؤال این استفساریه، این است. آقایان در اینجا به این نکته توجه می‌فرمایند که تبصره (۱) قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش آمده است و قضات و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و همچنین نیروهای مسلح را از شمول این قانون خارج کرده است. چرا این تبصره قضات را از شمول این قانون خارج کرده است؟ باید دقت کنیم و ببینیم منظور این تبصره از کلمه‌ی «قضات» چه چیزی بوده است. منظورشان این بوده است که استخدام قضات و گزینش قضات با قوه قضائیه است. استخدام و گزینش نیروهای مسلح نیز با تصویب و فرمان مقام معظم رهبری صورت می‌پذیرد و این قانون شامل آنها نمی‌شود. مجلس قضات را از این قانون استثناء کرده است؛ فقط به خاطر اینکه طبق اصول قانون اساسی استخدام قضات با رئیس قوه قضائیه است. به عبارت دیگر خواسته است بگوید ما در این قسمت دخالتی نداریم. به نظر بنده اگر اینجا بگوییم قانون گزینش معلمان و کارکنان که شامل همه‌ی وزارتخانه‌ها می‌شود شامل قوه قضائیه هم می‌شود، اختیارات رئیس قوه قضائیه محدود می‌شود؛ چون الآن یکی از شرایط استخدام کارکنان این قوه، گزینش آنها توسط هیئت‌های گزینش است. اگر هیئت‌های گزینش صلاحیت عده‌ای را رد کند و قوه قضائیه بخواهد

قضائیه بند کرد. یا نمی شود قوه ی قضائیه را در مورد استخدام کارکنانش به یک قوه ی دیگر بند کرد. هر مقرراتی که می خواهید بگویید، بگویید؛ ولی مجری این کارها در قوه ی قضائیه رئیس قوه ی قضائیه است. البته مطابق قانون اساسی، ایشان می تواند استخدام غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. مسئول استخدام در قوه ی مجریه هم رئیس جمهور است. نمی شود به رئیس جمهور گفت برای استخدام کارکنانت به قوه ی قضائیه بگو تا مقدمات استخدام آنها را فراهم کند. قانون می تواند به رئیس جمهور بگوید در مورد سابقه ی داوطلب استخدام از قوه ی قضائیه استعلام کن و اگر این فرد سابقه دارد، بپرس. قانون می تواند اینها را بگوید. یا می تواند بگوید از وزارت اطلاعات استعلام کن و اگر این فرد سابقه دارد، آن را از این وزارتخانه بگیر؛ اما قانون نمی تواند بگوید وزارت اطلاعات کارمند این قوه را گزینش کند. ما همین دو روز پیش استقلال قوه ی قضائیه را جور دیگری تعریف می کردیم. ما می گفتیم در استقلال قوه ی قضائیه دو مطلب هست؛ یکی اینکه قوه ی قضائیه مستقل است. دوم اینکه محاکم مستقل هستند. حضرت آیت الله رضوانی در اینجا استدلال می کردند و می گفتند اصل (۵۷) استقلال سه قوه را می گوید و اصل (۱۵۶) استقلال قضات را می گوید. به هر حال ما در شورا بحثهایی را ارائه می کنیم؛ ولی در مصوبات دیگری که دوباره در این مورد بحث می کنیم، نظر ما برمی گردد.^۱

آقای محمدرضا علیزاده خود این قانون گزینش دارد می گوید برای استخدام باید این شرایط رعایت شود. حالا اگر رعایت این شرایط با رئیس قوه باشد، اشکالی ندارد. بعد این قانون می گوید هیئت عالی گزینش، هیئت مرکزی و هسته های گزینش تحت امر رئیس جمهور هستند. با این حال موقع بررسی این قانون، ما در مورد اختیار قوه ی مجریه در امور استخدامی به مجلس گفتیم شما نمی توانید رئیس جمهور را ملزم کنید تا او بیاورد و از قانون شما تبعیت کند. به همین خاطر مجلس برای رفع این اشکال ماده (۶) این قانون را آورد. شما ماده (۶) این قانون را بخوانید: «ماده ۶- رئیس جمهور با رعایت مفاد این قانون می تواند اداره امور گزینش کشور را مستقیماً عهده دار شود یا به عهده دیگری بگذارد.» یعنی رئیس جمهور می تواند امر گزینش را اصلاً به این هیئت ندهد. وقتی ما در یک جا ایراد می گیریم، باید بعداً آن را نقض نکنیم. همه ی این نظرها و مصوبات به اینجا می آید. [اگر این قانون شامل این قوه بشود،] رئیس قوه باید همه ی این امور را که تحت امر رئیس جمهور هستند، رعایت بکند. یعنی اگر رئیس قوه می خواهد کسی را برای قوه استخدام بکند، باید از قوه ی مجریه تبعیت بکند. حرف بنده این است که چون قوا از همدیگر مستقل هستند، نمی شود رئیس مجلس را در مورد استخدام کارکنانش به قوه ی قضائیه بند کرد. همچنین نمی شود قوه ی مجریه را در مورد استخدام کارکنانش به قوه ی

۱- نظر شماره ۸۰/۲۱/۱۶۰۴ مورخ ۱۳۸۰/۳/۳۱ شورای نگهبان: «ریاست محترم قوه قضائیه حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی با سلام

نامه شماره ۸۰/۳۳۴/۱ مورخ ۸۰/۱/۲۰ جناب عالی در جلسه مورخ ۸۰/۳/۳۰ شورای نگهبان مطرح شد که شورا به نظر تفسیری نرسید.»



زمانه؛

تاریخ حقوق اساسی ایران

طلوع آزادی؛ از مشروطه خواهی تا قانون مداری



دکتر مهدی نورایی

عضو هیات علمی و مدیر گروه صلح مرکز تحقیقات
و کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی (ره)

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، ایران با مشکلات عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مواجه بود. فساد گسترده در دستگاه حکومتی، ناتوانی در مدیریت منابع و نفوذ بیگانگان، به ویژه روسیه و بریتانیا، موجب نارضایتی عمومی شد. قراردادهای ننگینی مانند قرارداد ۱۹۱۹ و ۱۹۰۷ که به نفع قدرت‌های خارجی بود، احساس خشم و نارضایتی را در میان مردم افزایش داد. این شرایط نامساعد، زمینه‌ساز بروز جنبش مشروطه گردید. جنبش مشروطه در ایران با هدف ایجاد یک نظام قانونی و تأسیس مجلس شورای ملی آغاز شد. در این راستا، روشنفکران و تحصیل‌کردگان، به ویژه در تهران، نقش مهمی در شکل‌گیری این جنبش ایفا کردند. آن‌ها با تأسیس انجمن‌های مختلف و برگزاری تظاهرات و اعتصابات، خواستار اصلاحات سیاسی و اجتماعی شدند. در



تاریخچه قانون اساسی مشروطه در ایران یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مقاطع تاریخ معاصر این کشور است. این دوره نه تنها به‌عنوان یک تحول سیاسی، بلکه به‌عنوان یک نقطه عطف در تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران نیز شناخته می‌شود. قانون اساسی مشروطه به‌عنوان یک سند قانونی، اصول و قواعد حاکم بر ساختار سیاسی و حقوق مردم را تعیین کرد و به‌نوعی زمینه‌ساز شکل‌گیری نهادهای مدنی و سیاسی جدید در کشور شد.

نقش مهمی در تبیین اصول این قانون ایفا کردند. آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی و آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی از جمله روحانیون برجسته‌ای بودند که به حمایت از جنبش مشروطه و قانون اساسی پرداختند. آن‌ها با تأکید بر اصول اسلامی و حقوق مردم، به مشروعیت جنبش کمک کردند و نشان دادند که قانون اساسی می‌تواند با اصول دین اسلام همخوانی داشته باشد. اما دوران مشروطه با چالش‌ها و بحران‌های متعددی روبه‌رو شد. در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی، با روی کار آمدن محمدعلی شاه قاجار، استبداد و سرکوب مشروطه‌خواهان آغاز شد. محمدعلی شاه با کمک روس‌ها به مجلس حمله کرد و آن را تعطیل کرد. این دوره به "استبداد صغیر" معروف شد و در آن، مشروطه‌خواهان به شدت تحت فشار قرار گرفتند. در این زمان، بسیاری از نمایندگان مجلس و فعالان سیاسی به زندان افتادند یا مجبور به تبعید شدند.

با وجود این فشارها، مبارزات مشروطه‌خواهان ادامه یافت و در نهایت، در سال ۱۲۹۹ هجری شمسی، با قیام ۲۱ آذر، مشروطه‌خواهان موفق شدند دوباره مجلس را به کار بیندازند و محمدعلی شاه را مجبور به فرار کنند. این پیروزی به بازگشت مشروطه و تأسیس مجدد مجلس شورای ملی منجر شد. اما مشکلات اقتصادی و سیاسی همچنان ادامه داشت و نتوانستند به‌طور کامل به اهداف خود دست یابند. در دهه‌های بعد، مشروطه‌خواهی به‌عنوان یک جنبش اجتماعی و سیاسی ادامه یافت. در دوران پهلوی، جنبش ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر محمد مصدق شکل گرفت. این جنبش به‌عنوان ادامه‌دهنده آرمان‌های مشروطه، به دنبال استقلال اقتصادی و سیاسی ایران بود. در سال

این زمان، آگاهی سیاسی در میان طبقات مختلف جامعه افزایش یافته و مردم به‌ویژه جوانان و تحصیل‌کردگان، به دنبال دستیابی به حقوق خود بودند.

در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ هجری شمسی (۱۹۰۶ میلادی)، مجلس شورای ملی به‌عنوان اولین مجلس قانون‌گذاری ایران تأسیس شد. این مجلس به‌عنوان نماد اراده ملی و نمایندگی مردم، به تصویب قوانین و نظارت بر عملکرد دولت پرداخت. پس از تأسیس مجلس، نیاز به یک قانون اساسی که اصول و قواعد حاکم بر حکومت را مشخص کند، احساس شد. در این راستا، تلاش‌ها برای تدوین یک قانون اساسی جامع آغاز گردید.

در ۲۸ آذر ۱۲۸۵ هجری شمسی (۱۹۰۶ میلادی)، اولین قانون اساسی ایران به تصویب رسید. این قانون، اصول اساسی حکومت، حقوق مردم و ساختار مجلس را تعیین کرد. قانون اساسی مشروطه، به‌عنوان یک سند قانونی، مشخص کرد که حکومت باید بر اساس اراده مردم و با رعایت حقوق آن‌ها اداره شود. این قانون به‌ویژه بر اصل تفکیک قوا تأکید داشت و خواستار نظارت بر عملکرد دولت و مجلس بود. در این قانون، حقوق و آزادی‌های فردی مردم نیز به‌طور مشخص ذکر شده بود. از جمله این حقوق می‌توان به حق آزادی بیان، حق تجمع، حق رأی و حق برگزاری انتخابات اشاره کرد. این اصول نه تنها به‌عنوان مبنای قانونی برای حکومت مشروطه شناخته شدند، بلکه به‌عنوان یک سند تاریخی، بیانگر آرمان‌های مردم ایران برای دستیابی به حقوق خود و ایجاد یک نظام دموکراتیک بودند.

با تصویب قانون اساسی، روحانیون و علمای دین نیز به‌عنوان حامیان مشروطه،



این جنبش، اگرچه با چالش‌ها و ناکامی‌هایی روبه‌رو بود، اما به‌عنوان یک نقطه عطف در تاریخ ایران شناخته می‌شود و تأثیرات آن تا به امروز در جامعه ایرانی مشاهده می‌شود. مشروطه‌خواهی در ایران به‌عنوان الگویی برای دیگر جنبش‌های آزادی‌خواهانه در منطقه و جهان نیز شناخته شده است.

منبع: نورایی، مهدی، روایت اساسی؛ تاریخچه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۴۰۰.

۱۳۳۲، با کودتای ۲۸ مرداد، دکتر مصدق برکنار شد و دوباره استبداد در کشور حاکم شد. قانون اساسی مشروطه ایران، نه تنها به‌عنوان یک سند قانونی، بلکه به‌عنوان نمادی از اراده ملی و خواست مردم برای دستیابی به حقوق خود شناخته می‌شود. این قانون، تأثیرات عمیقی بر تاریخ معاصر ایران گذاشت و به‌عنوان مبنای قانونی برای حکومت مشروطه، زمینه‌ساز شکل‌گیری نهادهای مدنی و سیاسی جدید در کشور شد. به‌طور کلی، تاریخچه قانون اساسی مشروطه در ایران نشان‌دهنده تلاش‌های مردم برای دستیابی به حقوق خود و ایجاد یک نظام قانونی و دموکراتیک است.



یاد؛

زندگینامه اعضای شورای نگهبان

فقیه استوار؛

از سنگر علم تا میدان مبارزه

آیت الله یزدی در سال ۱۳۱۰ به دنیا آمد. پدرش از شاگردان آیت الله شیخ عبدالکریم حائری و امام جماعت یکی از مساجد شهر اصفهان بود. دروس ابتدایی را در محضر پدر و در حوزه علمیه اصفهان فراگرفت. بعد از حضور آیت الله بروجردی در قم و رونق یافتن این حوزه، ایشان به قم هجرت کرد و در مدرسه فیضیه مستقر شد. مابقی دروس سطح حوزه مانند رسائل و مکاسب و کفایه را از محضر اساتید قم همچون آیت الله شیخ مرتضی حائری و آیت الله مرعشی نجفی فراگرفت و سپس در درس خارجه آیت الله بروجردی، امام خمینی (ره) و آیت الله اراکی و درس تفسیر علامه طباطبایی حضور پیدا کرد.

آیت الله یزدی جزو حلقه اول درس خارج فقه امام خمینی (ره) در مسجد سلماسی قم بود و همین آشنایی موجب شد تا با شروع نهضت امام، با ایشان همراه شود. ورود آیت الله یزدی به نهضت امام از سال ۱۳۴۳ آغاز شد؛ زمانی که ایشان سلسله



سخنرانی‌هایی در مسجد امام حسن عسگری (ع) قم آغاز کرد.

در آن دوران ایشان حامل پیام امام خمینی (ره) به علمای بلاد نیز بود. بعد از تبعید امام خمینی در سال ۱۳۴۳، آیت الله یزدی از مبلغان مرجعیت امام خمینی (ره) بود و در منبرها اقدام به تبلیغ مرجعیت و افکار امام کرد. لذا در سال ۱۳۴۴ ساواک از سخنرانی او در مسجد

آیت‌الله بروجردی کرمانشاه جلوگیری کرد و در سال ۱۳۴۵ ممنوع‌المنبر شد.

آیت‌الله یزدی از اعضای جوان جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود که در دوران نهضت اسلامی به سخنرانی و امضای بیانیه‌های جامعه پرداخت و سرانجام همچون سایر اعضای جامعه تبعید شد. اولین تبعید ایشان بعد از تظاهرات در شهر قم در پی انتشار مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات علیه امام خمینی در سال ۵۶ صورت گرفت که ایشان به بندر لنگه تبعید شد. فعالیت‌های افشاگرانه آیت‌الله یزدی در تبعید و ارتباط با روحانیان شهرهای اطراف و ترک تبعیدگاه، موجب شد محل تبعید او از «بندرلنگه» به شهر «اسلام‌آباد غرب» تغییر یابد.

نافرمانی از ساواک و شهربانی در تبعیدگاه جدید نیز ادامه یافت. او در اسلام‌آباد غرب با جوانان منطقه به فعالیت علیه رژیم پهلوی پرداخت و در نهایت، ساواک کرمانشاه بر اثر نگرانی از این فعالیت‌ها تقاضای تبعید وی به «کرنند غرب» را داد. ایشان به رغم ممنوع‌المنبری در ۲۹ تیرماه ۱۳۵۷ علیه شاه سخنرانی مفصلی ایراد کرد و در پی آن در نیمه شب ۴ مرداد دستگیر شد.

آیت‌الله یزدی در سال ۱۳۶۸ از سوی رهبر معظم انقلاب عهده‌دار ریاست دستگاه قضایی کشور شد. ایشان که در پی استعفای آیت‌الله صافی گلپایگانی در تیرماه ۱۳۶۷ از سوی حضرت امام خمینی (ره) به عضویت شورای نگهبان منصوب شده بود در سال ۱۳۶۸ به دلیل ریاست قوه قضائیه در شورای نگهبان حضور نداشت و پس از پایان خدمت در قوه قضائیه در سال ۱۳۷۸ مجدد به عضویت شورای نگهبان درآمد.

آیت‌الله محمد یزدی معتقد بودند که

شورای نگهبان بر اساس اصل ۴ قانون اساسی، کلیه مسائلی که در کشور تصویب می‌شود، از جمله مصوبات مجلس، دولت و سایر مصوبات قانونی، باید به تأیید اعضای فقهای شورای نگهبان برسد. او توضیح می‌دهد که حتی تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی که امام (ره) آن‌ها را حکم قانون دانسته‌اند، نیز باید جنبه قانونی پیدا کنند و مطابق شرع باشند. بر اساس این اصل، نه مجلس و نه دولت اجازه ندارند مصوبات خلاف شرع داشته باشند و حتی شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز نمی‌تواند تصمیمی قانونی بگیرد که خلاف شرع باشد. ایشان تأکید می‌کردند که قوانین عادی و موضوعه کشور باید حتماً مطابق شرع باشند. او معتقد بود که غیر از فقهای شورای نگهبان، نظر هیچ کس دیگری درباره جنبه شرعی مصوبات مجلس تأثیری در قانون ندارد. اگر فقهای شورای نگهبان اعلام کنند که مصوبه‌ای خلاف شرع است، مجلس موظف است آن مصوبه را اصلاح کند. در صورتی که فقهای شورای نگهبان حکم کنند که چیزی خلاف شرع است، این مصوبه باید مطابق شرع اصلاح شود و در غیر این صورت قابل اجرا نخواهد بود.

آیت‌الله یزدی بعد از وفات آیت‌الله مهدوی‌کنی در سال ۹۳، از سوی اعضای مجلس خبرگان به ریاست این مجلس انتخاب شد. رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای خبرگان در تاریخ ۲۱ اسفند ۹۳، از این انتخاب خبرگان تقدیر کرده و فرمودند: «شخصیت، سوابق و لواحق آیت‌الله یزدی نشان می‌دهد که انتخاب ایشان برای ریاست خبرگان مناسب و بجاست.»

سرانجام این مجاهد و فقیه بزرگ در تاریخ

فعالیت علمی و فقهی، شخصیتی جامع و اثرگذار از این عالم جلیل پدید آورده بود. ایمان راسخ به مبانی انقلاب و استقامت در این راه و غیرت دینی و انقلابی، نشانه‌های بارز دیگری از این شخصیت مکرم بود. امید است این وزن سنگین ذخیره‌ی معنوی مایه‌ی علو درجات ایشان باشد. از خداوند متعال رحمت و مغفرت و رضوان الهی را برای آن مرحوم مسألت می‌کنم.

۱۹ آذر سال ۱۳۹۹ دار فانی را وداع گفت. رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام تسلیتی، ایشان را شخصیتی «جامع و اثرگذار» خواندند و در بخشی از پیامشان نوشتند: سوابق انقلابی و مبارزات دوران طاغوت در کنار حضور پیوسته و همیشگی در همه‌ی دورانه‌های انقلاب و اشتغال به مسئولیت‌های بزرگ در اداره‌ی کشور همچون ریاست قوه‌ی قضاییه و عضویت در شورای نگهبان و مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی، و در کنار



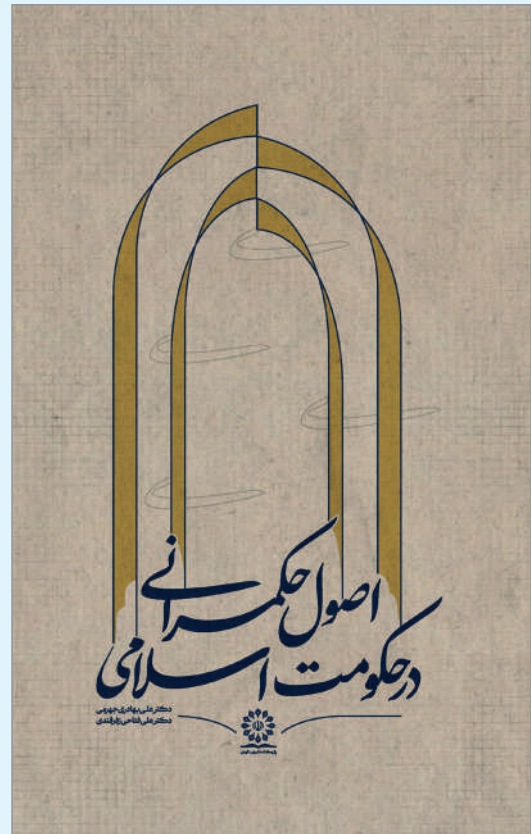


تازه‌ها

معرفی کتاب ”اصول حکمرانی در حکومت اسلامی“

کتاب «اصول حکمرانی در حکومت اسلامی» نوشته علی بهادری جهرمی و علی فتاحی زفرقندی، پژوهشی جامع و عمیق است که به بررسی مبانی نظری و اصول کاربردی حکمرانی در نظام اسلامی می‌پردازد. این اثر، با نگاهی دقیق به منابع دینی، فقهی و تاریخی، تلاش می‌کند تا اصول و قواعد بنیادین حکمرانی را در چارچوب اندیشه اسلامی ترسیم کند و نقش آن‌ها را در تحقق عدالت، رعایت مصالح عمومی و حکمرانی اخلاق محور روشن سازد. این پژوهش در مقام پاسخگویی به این پرسش بنیادین است که آیا مقامات و کارگزاران حکومت اسلامی در مقام اعمال حاکمیت شریعت مقدس اسلام به عنوان مهم‌ترین وظیفه‌ی حکومت اسلامی، موظف به رعایت چارچوب‌ها و قواعد مشخصی هستند یا خیر؟ به بیان دقیق‌تر، آیا شارع مقدس در تبیین حدود و اختیارات کارگزاران حکومت اسلامی، اصول و شاخصه‌هایی را به منظور دستیابی به اهداف طراحی‌شده و جلوگیری از انحرافات تعیین کرده است؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ چه معیارهایی برای تحقق حکمرانی مطلوب در حکومت اسلامی وجود دارد؟ این کتاب در سه فصل اصلی تدوین شده است که هر یک به جنبه‌های بنیادین و کاربردی حکمرانی در نظام اسلامی می‌پردازد. در ادامه، به تفصیل محتوای هر فصل توضیح داده می‌شود:

در فصل اول با عنوان «مبانی و کلیات» نویسندگان پایه‌های نظری و مفهومی حکومت اسلامی و اصول حکمرانی را مورد



میان اخلاق و حکمرانی تأکید دارد. این بخش شامل مفاهیمی همچون خداآگاهی، امانت‌داری، قاطعیت، مهربانی و شجاعت است که باید در رفتار و تصمیم‌گیری حاکمان نمود داشته باشد. ۲. اصل لزوم اخذ مشورت: در این بخش، مفهوم مشورت و اهمیت آن در تصمیم‌گیری‌های حکومتی از منظر قرآن، سنت و عقل تحلیل شده است. همچنین، ویژگی‌های مشاوران و محدوده مشورت بررسی شده و نظریه‌های مختلف درباره الزام یا عدم الزام به تبعیت از مشورت تحلیل می‌شود.

کتاب در پایان، ضمن جمع‌بندی مباحث سه فصل، به این نتیجه می‌رسد که حکمرانی در اسلام مبتنی بر اصول ارزشی و روشی است که از دل آموزه‌های دینی و شریعت الهی استخراج شده‌اند. رعایت این اصول می‌تواند مبنای تحقق عدالت، اخلاق‌مداری و رفاه عمومی در جامعه اسلامی باشد.

از جمله ویژگی‌های این کتاب می‌توان به «جامعیت مباحث» که طیفی گسترده از موضوعات مرتبط با حکمرانی اسلامی را پوشش داده و ارتباط آن‌ها با اصول شریعت را بررسی کرده است، «استناد به منابع اصیل» که نویسنده با بهره‌گیری از قرآن، سنت، و دیدگاه‌های فقهی، شالوده‌ای محکم برای تحلیل‌های خود ارائه می‌دهد و «کاربردی بودن مطالب» که راهکارهای نظری و عملی ارائه شده در کتاب، قابل استفاده برای سیاست‌گذاران، پژوهشگران و علاقه‌مندان به حقوق عمومی و علوم سیاسی اسلامی است، اشاره کرد.

این کتاب ۳۷۲ صفحه و با قیمت ۲۸۵ هزار تومان در پاییز ۱۴۰۳ از سوی انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان روانه بازار شده است و علاقه‌مندان می‌توانند جهت تهیه آن به نشانی اینترنتی nashr-rc.ir مراجعه نمایند.

بررسی قرار می‌دهند. مباحث اصلی عبارتند از: الف) مفهوم و ماهیت حکومت اسلامی: در این بخش، ابتدا تعاریف لغوی و اصطلاحی حکومت و اسلام توضیح داده شده و سپس ماهیت حکومت اسلامی با تأکید بر مفاهیمی همچون حاکمیت الهی و نحوه تحقق آن بررسی می‌شود. ب) مفهوم و جایگاه اصول حکمرانی: نویسنده، اصول حکمرانی را به عنوان شاخصه‌هایی برای تحقق شریعت اسلامی و عدالت اجتماعی معرفی می‌کند. جایگاه این اصول در نظام‌های حقوقی و بین‌المللی نیز تحلیل شده است. ج) ضرورت و روش استخراج اصول حکمرانی: این بخش به نقش اجتهاد در استنباط اصول حکمرانی از منابع دینی می‌پردازد. همچنین، دلایل شرعی و عقلی رعایت این اصول در حکومت اسلامی توضیح داده شده است.

فصل دوم این کتاب بر اصول ارزشی حکمرانی اسلامی تمرکز دارد و دو اصل مهم بررسی می‌شوند: ۱. اصل لزوم رعایت مصالح عمومی: این اصل بر اهمیت تأمین مصالح جامعه تأکید دارد. نویسنده مفهوم مصالح عمومی را از دیدگاه فقهی و اخلاقی توضیح داده و ضرورت رعایت آن را در موضوعاتی مانند هزینه‌کرد اموال عمومی، جهاد و نرخ‌گذاری کالاها بررسی می‌کند. ۲. اصل لزوم رعایت عدالت: عدالت به عنوان یکی از ارکان حکمرانی اسلامی تحلیل می‌شود. مبانی الزام به عدالت در قرآن، سنت و آرای فقها بررسی شده و راهکارهای نظری و عملی برای اجرای عدالت ارائه می‌شود. همچنین، به مواردی چون شایسته‌سالاری، رفع تبعیض، و جلوگیری از فساد در نظام اسلامی اشاره شده است.

نویسندگان در فصل سوم به اصول و روش‌های عملیاتی حکمرانی در اسلام می‌پردازند که شامل موارد زیر است: ۱. اصل لزوم رعایت گزاره‌های اخلاقی: نویسنده بر ارتباط عمیق

همایش ملی حقوق ملت آزادی‌های مشروع

در منظومه فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

اهداف همایش:

- ۱- بازخوانی اندیشه و سیره حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) در حوزه حقوق ملت و آزادی‌های مشروع
- ۲- ترسیم نظام مطلوب حقوق ملت و آزادی‌های مشروع مبتنی بر اندیشه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)
- ۳- تضمین و صیانت از حقوق ملت و آزادی‌های مشروع و چگونگی ارتقاء آن بر اساس آراء و اندیشه‌های حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

زمان دریافت چکیده مقاله: اسفند ماه ۱۴۰۳
 زمان دریافت اصل مقاله: مرداد ماه ۱۴۰۴
 زمان برگزاری همایش: ۱۲ آذرماه ۱۴۰۴
 روز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

دیرخانه مشترک همایش: پژوهشگاه شورای نگهبان
 برای کسب اطلاعات بیشتر و محورهای تفصیلی همایش
 به تارنمای زیر مراجعه فرمایید:
www.hoghoghmellat.ir
 ارتباط با ما در شبکه‌های اجتماعی: hmakh

محورهای همایش

۱. مفهوم، مبانی و چارچوب‌های حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در نظام جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با سایر نظام‌های حقوقی
- ۱.۱. مفهوم «حق» و «آزادی» در نظام حقوقی اسلام و مقایسه آن با سایر نظام‌های حقوقی
- ۱.۲. تحلیل مبانی حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در اندیشه اسلامی و نقد مبانی سایر نظام‌های حقوقی (خدایشناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی و...)
- ۱.۳. چارچوب‌ها و ارزش‌های حاکم بر آزادی‌های مشروع (اخلاق، عدالت، استقلال، امنیت، مصلحت، نظم عمومی، منافع عمومی و...)
- ۱.۴. تحلیل مصادیق حقوق ملت و آزادی‌های مشروع
- ۱.۴.۱. حقوق ملت و آزادی‌های مشروع مدنی سیاسی (حق حیات، حق بر تعیین سرنوشت، حق بر حریم خصوصی، حق بر رای و انتخابات، حق بر تشکیل تشکل‌ها و احزاب، حق سناخت و مبارزه با دشمن، آزادی بیان و مطبوعات، حق تجمه‌ها، حق بر آگاهی از اطلاعات سفید و بیهم کشور، و... ۱.۴.۲. حقوق ملت و آزادی‌های مشروع اقتصادی اجتماعی (حق بر رفاه و تأمین اجتماعی، حق بر سلامت و بهداشت، حق اشتغال و مسکن، حق بر مالکیت مشروع و...)

- ۱.۴.۳. حقوق ملت و آزادی‌های مشروع فرهنگی (حق بر عبودیت و دین داری، حق بر هدایت و تربیت، حق بر آموزش و... ۱.۴.۴. حقوق ملت و آزادی‌های مشروع قضایی ۱.۴.۵. حقوق ملت به‌عنوان هویت جمعی (حق استقلال، حق پاسداشت از هویت ایرانی اسلامی انقلابی و میراث فرهنگی کشور، حق دفاع از تمامیت ارضی و منافع ملی کشور، حق بهره‌مندی از فناوری‌های پرتر و سالم و... ۱.۴.۶. حقوق زن و خانواده (حق مادری، حقوق کودکان، حقوق سالمندان و...)
۲. سازکارها و الزامات تأمین و تضمین حقوق ملت و آزادی‌های مشروع
- ۲.۱. سازکارها و ظرفیت‌های مردمی در تأمین و تضمین حقوق ملت و آزادی‌های مشروع (ظرفیت‌های نهاد امر به معروف و نهی از منکر، ظرفیت‌های تشکل‌های مردم‌نهاد و گروه‌های مردمی و...)
- ۲.۲. سازکارهای حاکمیتی در تأمین و تضمین حقوق ملت و آزادی‌های مشروع (سازکار و الزامات تقنینی، اجرایی، قضایی)
۳. دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق ملت و آزادی‌های مشروع
- دستاوردهای مدنی سیاسی، اقتصادی اجتماعی، قضایی، فرهنگی و...